

# ایجاد جوامعی پویا

کتاب ۱۰

واحد ۱

همراهی در مسیر خدمت

---

نسخه پیش از چاپ - ترجمه مقدماتی

در دست تهیه

---

نسخه ۱.۲.۲.PP.PV

۲۳ آوریل ۲۰۱۷ میلادی

۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ شمسی



مؤسسه روحی

Copyright © 2015 by the Ruhi Foundation, Colombia  
All rights reserved. Version 1.2.2.PP.PV  
(provisional translation) April 2017

Ruhi Institute  
Apartado Postal: 402032  
Cali, Colombia  
Tel: 57 2 828-2599  
Email: [instituto@ruhi.org](mailto:instituto@ruhi.org)  
Website: [www.ruhi.org](http://www.ruhi.org)

حق چاپ © ۲۰۱۵ بنیاد روحی، کلمبیا  
تمام حقوق محفوظ است. نسخه ۱.۲.۲.PP.PV  
(ترجمه مقدماتی) آوریل ۲۰۱۷

مؤسسۀ روحی  
کالی، کولومبیا  
تلفن: ۵۷ ۲ ۸۲۸ ۲۵۹۹  
ایمیل: [instituto@ruhi.org](mailto:instituto@ruhi.org)  
وب سایت: [www.ruhi.org](http://www.ruhi.org)

مؤسسه روحی نهادی آموزشی است که در ظلّ محفل روحانی ملی بهائیان کلمبیا انجام وظیفه می‌کند. هدفش پرورش منابع انسانی متعهد به پیشرفت روحانی، اجتماعی و فرهنگی مردم کلمبیا است. طیّ دهه‌های گذشته، مواد درسی این مؤسسه به نحو روزافزونی در جوامع بهائی در همه نقاط جهان مورد استفاده قرار گرفته است.

رویکردی که مؤسسه روحی برای تهیه مواد درسی دنبال می‌کند، به نحو قابل ملاحظه‌ای با رویکرد سنتی یعنی طرح‌ریزی، آزمایش در عمل و ارزیابی که یکی بعد از دیگری و به صورت خطی انجام می‌شود متفاوت است؛ اولین قدم برای نوشتن مواد درسی برای هر دوره‌ای زمانی برداشته می‌شود که تجربیاتی در سطح مردمی از طریق انجام خدمتی در پاسخ به نیازهای ضروری برای توسعه یک جامعه به دست آمده است. مواد درسی از این تجربه نشئت می‌گیرد و نمودی از آن تجربه می‌گردد. این مواد از یک سو شرحی از آن یادگیری است که در اثر به کار گرفتن تعالیم امر بهائی در یک میدان خاص خدمت حاصل شده، و از سوی دیگر وسیله‌ای برای سیستماتیک کردن آن یادگیری است. این رویکرد در جزوه کوچکی تحت عنوان "یادگیری درباره رشد: داستان مؤسسه روحی و گسترش وسیع آئین بهائی در کلمبیا" به نحو زیر توضیح داده شده است:

وقتی که یک نیاز آموزشی شناسایی شد، گروه کوچکی متشکل از آحاد مردم، با یک دیگر مشورت می‌کنند، اندیشه‌هایی برای فعالیت‌های آموزشی می‌پرورند و آنها را به عمل در می‌آورند. نتیجه این عمل بازنگری می‌شود، ارزیابی می‌گردد و مورد مشورت قرار می‌گیرد. در پرتو این مشورت، مجموعه فعالیت‌های آموزشی تعدیل شده‌ای به اجرا گذاشته می‌شود و بازنگری می‌گردد که این به تعدیل و تصحیح بیشتری می‌انجامد. طیّ فرایند تهیه مواد آموزشی، هیچ‌گاه اقدام به خاطر تهیه و ارزیابی نهایی مواد درسی متوقف نمی‌شود. در هر مرحله، فعالیت‌های آموزشی با بهترین موادی که در دست است پیش می‌رود، با با اعتقاد راسخ به این که فقط از طریق عمل و بازنگری - هر دو در پرتو ظهور حضرت بهاءالله - برنامه آموزشی مناسب‌تری می‌تواند به تدریج تکامل یابد. اما این فقط موقعیتی نیست که تعداد کمی از افراد موادی را برای استفاده خودشان به وجود آورند، و دیر یا زود لازم می‌شود که ساختار و محتوای هر واحد نهایی شود تا دیگران بتوانند با اطمینان از آن استفاده کنند. تصمیم در مورد نشر نسخه نهایی مواد آموزشی برای یک دوره مورد نظر، زمانی گرفته می‌شود که مشاهده شود دیگر اصلاحات و تعدیلات لازم بسیار جزئی و قابل اغماض است. نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که جنبه‌های مختلف این فرایند مشورت، اقدام و بازنگری، به موازات هم پیش می‌روند، و به صورت سلسله‌ای متوالی، که ذاتاً ترتیبی تصنعی خواهد بود، اجرا نمی‌شوند.

همچنان که استفاده از مواد درسی مؤسسه روحی گسترده‌تر شده، فرایند تهیه مواد درسی به نحوی فزاینده بر تجربه جهانی حاصله از به‌کارگیری تعالیم در حیات نوع بشر مبتنی بوده است. گرچه بسته به ماهیت مواد

درسی در دست تهیه، این فرایند امروزه می‌تواند در عمل شکل‌های مختلفی به خود بگیرد، به طور کلی سه مرحله را می‌توان در فرایند تهیه شناسایی نمود که به آنچه نسخه منتشره نهایی خوانده می‌شود می‌انجامد.

### ۱. طرح اولیه

در این مرحله، پیش‌نویس یک دوره یا متن شامل مفاهیم اساسی و قسمت‌هایی از آثار مبارکه است که به نظر می‌رسد جمعاً بتواند اهداف آموزشی مورد نظر را حاصل کند. تا مدتی این طرح اولیه به عنوان بخشی از تلاش‌ها در جهت تهیه و تنظیم محتوای مؤثر و کارآمد مواد درسی، به وسیله گروه‌های کوچکی از افراد در میدان عمل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### ۲. نسخه الف

ضمن پیشرفت اقدامات، مواد درسی تلطیف می‌شود و رفته رفته تجربیات جدید به دست آمده را منعکس می‌نماید و اندیشه‌های حاصله را در خود جای می‌دهد. بعضی از مفاهیم به کرات تعدیل می‌شود، قسمت‌های جدیدی از آثار بهائی به آن اضافه می‌گردد، یا یک سلسله تمرینات ساده ارائه می‌شود تا درک یک موضوع را آسان‌تر نماید یا به ایجاد یک مهارت یا منش مهم کمک کند. از طریق این فرایند، یک دوره یا متن منسجم به وجود می‌آید که معمولاً "نسخه الف" محسوب می‌گردد.

### ۳. نسخه پیش از چاپ

در وقت مناسب، عموماً بر اساس انسجام متن، تصمیم گرفته می‌شود که آن دوره یا متن به عنوان نسخه پیش از انتشار به طور گسترده‌تری در دسترس افراد قرار گیرد. از طریق استفاده مداوم این نسخه، معلوم می‌شود که چه وقت لازم است جای یک بخش عوض شود و یا برخی تمرینات بازبینی شوند. ممکن است چندین نسخه یکی پس از دیگری به وجود آید. اما به تدریج تعدیلات لازم برای رسیدن به منظور دلخواه دوره یا متن کمتر و کمتر می‌گردد و در این مرحله مواد آموزشی برای انتشار فرستاده می‌شود.

خوشحالیم که یکی از واحدهایی را که به مرحله پیش از چاپ رسیده در اختیار نهادها و مؤسسات منتخب قرار دهیم. این اولین واحد از سه واحد کتابی در دست تهیه تحت عنوان *ایجاد جوامع پویا و سرزنده* است. از شما دعوت می‌کنیم نظرات خود را بر اساس تجربه خود در استفاده از محتوای این دوره، برای ما بفرستید.

## بخش اول

یکی از اهداف اساسی مجموعه کتاب‌هایی که تا به حال مطالعه کرده‌ایم بررسی معنای عبارت "من مسیر خدمت را می‌پیمایم" بوده است. هریک از واحدهای این کتاب‌ها به نحوی به "بودن"، "عمل کردن" و "دانستن" ی پرداخته که به ما کمک می‌کند "من" و "مسیر خدمت" را تعریف کنیم و آن را "بپیمایم". آنچه از نصوص فراوان مورد بررسی مان در این واحدها روشن می‌شود آن است که "من" مورد نظر به نفس که در اجتماع رو به زوال امروز این چنین مورد تکریم است، اشاره ندارد. هویت و خصائل آن در آتش محبت‌الله شکل می‌گیرد و درستی و اصالتش توسط اصل وحدت نوع انسان حفظ می‌شود. این صرفاً "من" نیستیم که مسیر خدمت را می‌پیمایم، بلکه "ما" هستیم که این مسیر را با یکدیگر طی می‌کنیم؛ "من" و "ما" تا حد زیادی جدایی‌ناپذیرند. زیرا در نهایت دغدغه ما حرکت کل جمعیت‌ها به سوی دورنمای ارائه شده توسط حضرت بهاء‌الله از یک تمدن شکوفا و صالح‌آمیز جهانی است که جمیع نوع بشر از آن بهره‌مند خواهند شد. همچنین امید است مجموعه کتاب‌هایی که مطالعه می‌کنیم، به قابلیت جمعی لازم برای تحرک بخشیدن به این حرکت کمک کند، حرکتی که می‌دانیم در جمیع نقاط کره زمین، تحت هدایت بیت‌العدل اعظم الهی در حال قوت و سرعت گرفتن است.

در این کتاب - دهمین کتاب از این مجموعه - نیز توجه خود را به خدماتی معطوف می‌داریم که به عنوان جامعه به امر الهی و نوع بشر تقدیم می‌کنیم. کار خود را در واحد اول با نگاهی ویژه به ماهیت روابط مان با یکدیگر زمانی که شانه به شانه هم تلاش می‌کنیم آغاز می‌نماییم. برای این کار، از بسیاری از پیام‌های بیت‌العدل اعظم در دهه‌های اخیر که در آنها مفاهیم بنیادین متعددی را به تدریج برای ما روشن فرموده‌اند کمک خواهیم گرفت. در واقع، دو مورد از این مفاهیم که تا حد زیادی تعاملات ما را شکل می‌دهند، موضوع مطالعه و تأمل ما در این واحد خواهند بود: این که شیوه عملکرد ما به عنوان یک جامعه شیوه یادگیری است و ما با حالت یادگیری یکدیگر را در مسیر خدمت به امر مبارک و بشریت همراهی می‌کنیم. به منظور فهم مناسب این دو مفهوم، باید بکوشیم ماهیت مسیری را که در طی آن قابلیت خود را برای خدمت پرورش می‌دهیم، به نحوی هر چه عمیق‌تر درک کنیم. پس بیایید مطالعات مان در این واحد را با بررسی قسمت زیر از پیامی از بیت‌العدل اعظم به تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ شروع کنیم:

"دوره‌های متسلسل اصلی به نحوی سازمان یافته‌اند که فرد را اعم از اینکه بهائی باشد یا نه در مسیری قرار می‌دهند که بر اثر تجربیات جامعه در راه ارائه دیدگاه نظم جهانی حضرت بهاء‌الله به نوع بشر تعیین می‌گردد. مفهوم حرکت در یک 'مسیر' خود نشان دهنده ماهیت و هدف این

دوره‌هاست زیرا مسیر دعوت به مشارکت می‌نماید، به افق‌های تازه رهنمون می‌کند، خواهان تلاش و حرکت است، سرعت‌های مختلف و گام‌های متفاوت را پذیراست و ساختار و تعریف مشخصی دارد. یک مسیر را نه فقط یک یا دو نفر بلکه افراد بی‌شماری می‌توانند بشناسند و طی کنند. مسیر متعلق به جامعه است.<sup>۱۱</sup>

ممکن است بخواهید از فرصت استفاده کنید و با دیگر اعضای گروه خود ویژگی‌های مسیر خدمت را که بیت‌العدل اعظم در بالا توصیف فرموده‌اند بررسی نمایید. البته خود شما این مسیر را از نزدیک می‌شناسید و ویژگی‌های یادشده را تشخیص می‌دهید. در اینجا، در تفکر درباره این ویژگی‌ها، سعی کنید تا جای ممکن از تجربه‌گردهم‌آمده در جوامعی که اعضای گروه‌تان با آنها آشنا هستند استفاده کنید. برای کمک به شما، هر یک از ویژگی‌ها در زیر فهرست شده‌اند و ضمناً از حاصل مشورت‌های چندین گروه مانند گروه شما که این تمرین را انجام داده‌اند اندیشه‌هایی ضمیمه شده است. خواندن آنها زمینه گفتگو را در گروه شما فراهم خواهد کرد. می‌توانید در فضای خالی، اندیشه‌های حاصل از مشورت‌های‌تان را بنویسید و هر جا ممکن بود مثال‌هایی خاص از تجارب بیاورید.

مسیر دعوت به مشارکت می‌نماید.

- تمرکز بر خدمت، مشارکت به وجود می‌آورد. من تلاش‌هایم را بر خدمت به عنوان راهنمای یک حلقه مطالعه متمرکز کردم و اعضای حلقه را در انجام تمرین‌های هر دوره مساعدت نمودم. می‌توانستم ببینم که در این فرایند، پیشرفت دیگر اعضای جامعه به نحوی روزافزون دغدغه آنها شد. به تدریج، طی هر دوره فعالیت، تعداد بیشتری از افرادی که با آنها در تماس بودند شروع به مشارکت در مجهودات جامعه کردند. در نتیجه، جامعه محلی ما توانست به حرکت کل محدوده جغرافیایی کمک شایانی نماید.

- مسیر خدمت از افراد بسیاری دعوت می‌کند که بدان بپیوندند، افرادی که هر یک به شکلی به نیازهای متنوع نقشه‌های جهانی خدمت می‌کنند. مثلاً در مورد تربیت روحانی کودکان، فردی از گروهی که کتاب ۳ را مطالعه کرده، خانه خود را به عنوان محل کلاس در اختیار می‌گذارد، چند نفر با خانواده‌ها ملاقات می‌کنند و کودکان را تشویق به شرکت در کلاس می‌نمایند و یک یا دو نفر معلم این کلاس کودکان می‌شوند. همه آنها در یک مسیر به پیش می‌روند.

- ما در محدوده جغرافیایی مان در حال توسعه توانایی دعوت از افراد برای پیوستن به ما در مسیر خدمت هستیم. این نیازمند سخاوت است و سخاوت اعتماد ایجاد می‌کند. مثلاً وقتی والدین

نسخه پیش از چاپ - نسخه PP.PV.۱.۲.۲ (ترجمه مقدماتی) - برای توزیع نیست

نوجوانان را ملاقات می‌کنیم، افکار خود را آزادانه با آنها در میان می‌گذاریم و آنها به تدریج به ما اعتماد می‌کنند. حمایت‌های والدین، نوجوانان را تشویق می‌کند از همسالان خود برای پیوستن به برنامه دعوت کنند.

---

---

---

---

---

---

به افق‌های تازه رهنمون می‌کند.

- وقتی مسیر خدمت را می‌پیماییم، افق دیدمان تغییر می‌کند و امکانات جدیدی را می‌بینیم. برای مثال، هماهنگ‌کننده نوجوانان در محدوده جغرافیایی از من خواست در شناسایی مشوقان بالقوه به او کمک کنم. فقط دو نفر به ذهن مان رسید، اما دل‌سرد نشدیم. یکی از آن دو نفر را ملاقات کردیم و او ما را با شش نفر دیگر آشنا کرد. روز بعد، همه آنها را ملاقات کردیم و حالا بعد از چند ماه، سه نفر از آنها گروه نوجوانان تشکیل داده‌اند و به عنوان مشوق خدمت می‌کنند.

- ماهیت تسلسل دوره‌ها چنان است که مدام ما را به افق‌های تازه رهنمون می‌کند. نمی‌توانیم با تسلسل دوره‌ها مانند یک خط تولید برخورد کنیم و فکر کنیم که اگر از دستورالعمل‌ها پیروی کنیم، حلقه مطالعه خوبی تولید خواهیم کرد. هدف دوره‌های مؤسسه آن است که ما به قابلیت‌هایی در راستای قرائت واقعیت‌مان و عمل مطابق آن مجهز شویم. وقتی عمل می‌کنیم و درباره اقدامات مان تأمل می‌نماییم، امکانات جدیدی پیش روی ما گشوده می‌شود.

- مدتی است کلاس‌هایی برای کودکان داشته‌ایم، اما حالا لازم است آنها را در قالب پایه‌های درسی مختلف سازمان‌دهی کنیم. این افق تازه‌ای است.

---

---

---

---

---

---

---

خواهان تلاش و حرکت است.

- اگر می‌خواهیم شاهد پیشرفت باشیم، تلاش‌های ما در مسیر خدمت باید مداوم باشد.

- اگر می‌خواهیم شاهد حرکت باشیم، پیچیدگی تلاش‌های ما باید افزایش یابد.

- لازم است از نیروی سکون و اینرسی آگاه باشیم. همه ما همیشه در برابر نیروی سکون در تقلا هستیم.

- نباید انتظار داشته باشیم همه به یک اندازه تلاش کنند، همچنین نباید تلاش‌های خود را با مساعی دیگران مقایسه کنیم.

- تلاش برای یادگیری به ما کمک می‌کند که حرکت و پیشرفت کنیم. ما را وادار می‌سازد که سؤالات تازه مطرح کنیم و در تلاش برای پاسخ دادن به آنها، درباره ماهیت موضوع یادگیری مان بصیرت‌هایی به دست آوریم. همچنان که پیشرفت می‌کنیم، ماهیت سؤالات تغییر می‌کند.

- محرک تلاش‌های ما نباید احساس گناه باشد. نباید احساس کنیم که مجبوریم کاری را انجام دهیم. آنچه به ما انگیزه تلاش در مسیر خدمت را می‌دهد آرزوی خدمت به حضرت بهاء‌الله است.

---

---

---

---

---

---

---

---



سرعت‌های مختلف و گام‌های متفاوت را پذیراست.

- برخی می‌توانند بدونند، در حالی که بعضی تنها می‌توانند گام‌های کوچکی بردارند. آنچه ضروری است آن است که ما با هم به عنوان یک جامعه پیشرفت کنیم و سرعت‌های مختلف را پذیرا باشیم.

- مسیر با گام‌های از پیش تعیین شده که تک تک افراد باید بردارند تعریف نمی‌شود. ما دریافتیم که اگر چنین باشد، پیشرفت ما در نهایت به شدت محدود خواهد بود. به این درک رسیدیم که آنچه مهم است ایجاد محیطی است که در آن هم کسانی که مشتاق حرکت سریع هستند و هم کسانی که می‌خواهند گام‌های کوچک‌تری بردارند، تشویق به اقدام شوند.

- این ویژگی مسیر با افزایش تعداد شرکت‌کنندگان نمودارتر شده است.

- وقتی کتاب ۱ را مطالعه می‌کردم، راهنما با هر یک از اعضای حلقه مطالعه‌مان تماس می‌گرفت و به ملاقات‌مان می‌آمد. هیچ یک از ما در آن زمان بهائی نبودیم. هر یک چالش‌های خودمان را داشتیم. برای بعضی از ما خیلی سخت بود که مرتب شرکت کنیم. اما او به ما کمک کرد امکانات خود را در نظر بگیریم و بر موانع فائق آییم. به این ترتیب به تدریج مشارکت‌مان منظم‌تر شد. او همچنین اطمینان حاصل می‌کرد کسانی که می‌خواهند فعالیت‌های تشکیلی دهند بتوانند سریع اقدام کنند تا اشتیاق خدمتی را که در آنها جوانه زده از دست ندهند.

---

---

---

---

---

---

ساختار و تعریف مشخصی دارد.

- وقتی مسیر ساختار مشخصی ندارد، معمولاً قوانین دلبخواهی وضع می‌کنیم. یک مثال را در نظر می‌گیریم و می‌گوییم همه چیز این‌گونه است. یا چیزهای تصادفی را امتحان می‌کنیم به این امید که یکی از آنها نتیجه دهد. اما وقتی مسیر ساختار دارد، با حالت یادگیری کار می‌کنیم و نقاط

قوت خود را پرورش می‌دهیم. رویکردهای خود را در فضاهای متفاوت بسیاری به کار می‌بریم تا ببینیم چگونه می‌توان آنها را با فضاهای متنوع وفق داد و کدام یک می‌تواند به نحو فراگیرتری کاربرد یابد.

- برنامه آموزشی کلاس‌های کودکان ساختار و تعریف مشخصی دارد. کلاس اول شامل نصوص کوتاه، از برکردن، داستان‌گویی، رنگ‌آمیزی و بازی‌های مشارکتی است. این ساختار آن قدر ساده هست که همه کسانی که تمایل و اشتیاق به تعلیم کودکان را دارند بتوانند به کمک آن خدمت خویش را آغاز کنند. با این حال، فضای کافی برای خلاقیت نیز باقی می‌گذارد. و محتوا آن قدر عمیق هست که تأثیر ماندگاری داشته باشد.

- فکر کردن درباره ساختار، پیچیدگی فزاینده اقدامات خدمتی، نحوه همراهی‌مان با دیگران، روابط متقابل میان فعالیت‌های اساسی، نحوه هدایت فرایند توسط مؤسسات، ادوار رشد، الگوی مطالعه، اقدام، تأمل و مشورت را به خاطر می‌آورد.

---

---

---

---

---

---

یک مسیر را نه فقط یک یا دو نفر بلکه افراد بی‌شماری می‌توانند بشناسند و طی کنند.

- این تنها مسیر من نیست. مسیر ماست و با یکدیگر آن را می‌پیماییم.

- در کمپین‌های مؤسسه، باید در ذهن خود گروه‌های بزرگی از جوانان را در حال حرکت در مسیر دوره‌های متسلسل ترسیم کنیم. به نظر می‌رسد تعداد کسانی که مایل به مشارکت هستند محدودیتی ندارد. جوانان خواهند آمد و دیگران را خواهند آورد. ما فقط باید به یاد داشته باشیم که از آنها بپرسیم آیا دوستانی دارند که آنها نیز به پیمودن مسیر خدمت علاقه‌مند باشند.

نسخهٔ پیش از چاپ - نسخهٔ PP.PV.۱.۲.۲ (ترجمهٔ مقدماتی) - برای توزیع نیست

- همچنان که تعداد شرکت‌کنندگان حلقه‌های مطالعه در محدودهٔ ما افزایش یافت، سرعت حرکت گروه‌ها در مسیر کتاب‌ها زیاد شد، و هدف دوره‌های متسلسل بهتر و بهتر درک شد. گروه‌ها یکی پس از دیگری به میدان خدمت وارد شدند.

- لجنهٔ تبلیغ ناحیه‌ای ما کمک کرده بتوانیم خود را در قالب گروه‌هایی سازمان‌دهی کنیم. لجنه به گروه‌ها کمک می‌کند واقعیت خود را قرائت کنند و از تعداد والدین، خواهران و برادران، بستگان و دوستانی که به نحوی با فعالیت‌های اساسی مرتبط هستند آگاه شوند. بنابراین می‌توانیم مشارکت ده‌ها و صدها نفر را در تنوع گسترده‌ای از مجهودات تصوّر نماییم.

---

---

---

---

---

---

---

## بخش دوم

پیامی که قسمتی از آن در بخش پیش نقل شد، پس از توصیف ماهیت مسیر خدمتی که دوره‌های مؤسسه ترسیم می‌کند، به این ترتیب ادامه می‌یابد:

"گام برداشتن در یک مسیر' نیز به همان اندازه مفهومی گویا و رساست. مستلزم اراده و اختیار فردی است، به مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توانایی‌ها نیاز دارد، همچنین خواستار بعضی خصایص و منش‌ها است، پیشروی بر اساس یک منطق را ایجاب می‌نماید ولی در صورت لزوم بررسی و کشف طرق مرتبط را نیز می‌پذیرد، در ابتدا ممکن است آسان به نظر آید ولی به مرور چالش‌انگیزتر می‌گردد. از همه مهم‌تر انسان در همراهی دیگران یک مسیر را می‌پیماید."<sup>۲</sup>

در راستای کاوش‌های مان در این واحد، بحث دیگری در گروه‌تان - این بار دربارهٔ معنای پیمودن یک مسیر خدمت - مفید خواهد بود. برخلاف بخش پیش، تمرین این بخش شامل بیان کامل نظرات کسانی که تأملاتی مشابه شما در خصوص این پیام کرده‌اند، نمی‌باشد. اما برخی بصیرت‌هایی که در مذاکرات آنها به

دست آمده در اینجا مطرح می‌شود: در تلاش‌های مان برای پیمودن مسیر، اراده ما با امید برخاسته از اتکا به قدرت مساعدت‌های الهی تقویت می‌گردد؛ از مطالعه کلام الهی تغذیه روحانی دریافت می‌کنیم و این ما را بر پیکار با بی‌تفاوتی توانا می‌سازد؛ ما اختیار خود را در انقطاع از مادون به خاطر آنچه والاتر است اعمال می‌کنیم؛ ما می‌کوشیم به پاکی قلب دست یابیم و سعی می‌کنیم از انحصار طلبی، رقابت، پدرمآبی و تفوق اجتناب کنیم. علاوه بر آن، چندین نفر دیگر اشاره کرده‌اند که پیشروی دروس مؤسسه منطقی است، اما انعطاف‌ناپذیر نیست؛ تمرکز سلسله اصلی دوره‌ها روی قابلیت‌هایی است که افراد و گروه‌ها برای پیشروی در مسیر خدمت نیاز دارند. یک نفر نظر روشنگر زیر را داده: "در پیمودن مسیر، ما خود را با نیروهای یکپارچگی همسو می‌کنیم و در برابر نیروهای مقاوم فروپاشی که انرژی ما را به تحلیل می‌برد ایستادگی می‌کنیم. هیچ کس بدون حمایت و تشویق دیگران نمی‌تواند چنین کاری کند."

شاید بخواهید بصیرت‌هایی را که از مشورت گروه‌تان درباره معنای پیمودن یک مسیر خدمت به دست می‌آید در فضای زیر یادداشت کنید و مثال‌هایی از تجربه‌تان نقل کنید:

گام برداشتن در یک مسیر مستلزم اراده و اختیار فردی است.

---

---

---

---

---

---

---

---

به مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توانایی‌ها نیاز دارد، هم‌چنین خواستار بعضی خصایص و منش‌ها است.

---

---

---

---

---

---

---

---

نسخه پیش از چاپ - نسخه ۱.۲.۲.PP.PV (ترجمه مقدماتی) - برای توزیع نیست

پیشروی بر اساس یک منطق را ایجاب می نماید ولی در صورت لزوم بررسی و کشف طرق مرتبط را نیز می پذیرد.

---

---

---

---

---

---

---

---

در ابتدا ممکن است آسان به نظر آید ولی به مرور چالش انگیزتر می گردد.

---

---

---

---

---

---

---

---

انسان در همراهی دیگران یک مسیر را می پیماید.

---

---

---

---

---

---

---

---

مفهوم مسیر در مشورت‌های مان در سراسر این واحد حاضر خواهد بود. بیایید این بخش را با از بر نمودن نصّ زیر به پایان بریم:

"لو تتفکر فی الدّیّا و فنائها لا تختار لنفسک الاّ نصره امر ربّک و لا یمنعک عن ذکره من علی الارض اجمعین"<sup>۳</sup> (مضمون به فارسی: اگر درباره دنیا و فنا آن تفکر نمایی، برای خود چیزی جز نصرت امر پروردگارت برنگزینی و کلّ زمینیان نیز تو را از ذکر او منع نکنند).

## بخش سوم

حال که درباره مسیر خدمتی که با هم در آن گام برمی داریم تأمل کرده‌ایم، می‌توانیم درباره معنای "همراهی کردن" یکدیگر هنگام پیمودن این مسیر بررسی و کاوش کنیم. زبان اجازه می‌دهد که از فعل "همراهی کردن" استفاده‌های متنوعی شود: برای مثال، افراد یکدیگر را تا فروشگاه، در راه، در تحصیلات یا در سفر همراهی می‌کنند. اما "همراهی کردن" برای ما در بستر خدمت به امر مبارک معنای بسیار ویژه‌ای دارد. بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۲۰۱۰ خود به پیشرفتی که جامعه بهائی در سراسر جهان در سطح فرهنگ داشته اشاره می‌فرمایند و اظهار می‌دارند:

"نشانه این تکامل در آگاهی جمعی استفاده روزافزون از واژه 'همراهی' در مکالمات بین احبّاً است، واژه‌ای که با وارد شدن در مجموعه لغات متداول در جامعه بهائی مفهوم جدیدی یافته است. این واژه نمایانگر تقویت چشم‌گیر فرهنگی است که در آن یادگیری شیوه عمل است، شیوه‌ای که باعث مشارکت آگاهانه تعداد فزاینده‌ای از مردم در کوششی متحد برای به کارگیری تعالیم حضرت بهاءالله در بنای تمدن الهی می‌گردد، تمدنی که تأسیس آن به فرموده حضرت ولی‌امرالله غایت قصوی و مقصد اعلاّی این دور مقدّس است. چنین رویکردی با ورشکستگی روحانی و روش رو به زوال یک نظام اجتماعی کهنه شدیداً در تضاد است، نظامی که اغلب با سلطه‌جویی یا آز و طمع و یا ایجاد حس گناهکاری در افراد و یا دخل و تصرف ریاکارانه در امور خواهان تسلط بر قوای بشری می‌باشد.

"تجلی این تحوّل فرهنگی در روابط بین احبّاً در کیفیت تعامل آنان مشاهده می‌شود. یادگیری به صورت یک شیوه عمل مستلزم آن است که همگی تواضع و فروتنی در پیش گیرند حالتی که در آن انسان نفس خویش را فراموش می‌کند، توکل تام بر حضرت پروردگار دارد، متکی به قدرت و

حمایت اوست، به تأییدات لاریبیه‌اش مطمئن است و به یقین مبین می‌داند که تنها حیّ توانا است که قادر است پشه ضعیف را عقاب قوی و قطره را بحر عظیم نماید. در چنین حالتی نفوس پیوسته با هم فعالیت می‌کنند و شادی و سرور خود را نه چندان در دست‌آوردهای خویش بلکه در پیشرفت و خدمات دیگران می‌یابند. از این جهت است که افکارشان همواره متوجه یاری رساندن به یک‌دیگر است تا بر قلال خدمت در سیل امر مبارکش عروج نمایند و در افلاک علم و معرفت او به پرواز درآیند. این است آنچه شاهد شکوفایی آن در الگوی کنونی فعالیت در سراسر جهان هستیم، الگویی که پیر و جوان و قدیم و جدید همه در کنار هم به ترویج آن مشغولند."۴

از متن بالا روشن است که مفهوم "همراهی کردن" در خدمات ما به امر مبارک، پیامدهای ضمنی گسترده‌ای هم برای حیات جامعه و هم برای افراد تشکیل‌دهنده آن دارد. بیایید سعی کنیم با انجام تمرینات زیر، بصیرت‌هایی اولیه درباره این پیامدهای ضمنی به دست آوریم:

۱. ابتدا موارد بسیاری را که در گذشته توسط دیگران در میدان خدمت همراهی شدید به یاد آورید، برای مثال هنگام برگزاری کلاس‌های کودکان، هنگام مشارکت در تواندهی روحانی گروهی از نوجوانان یا هنگام خدمت به عنوان راهنمای یک حلقه مطالعه. برخی منش‌ها و صفات بارز کسانی که به شما در پرورش قابلیت‌تان برای خدمت کمک می‌کردند چه بود؟ آنها را در فضای زیر بنویسید.

---

---

---

---

---

---

۲. در جامعه‌ای که به توصیف بیت‌العدل اعظم، در آن کلمه "همراهی" در کیفیت تعاملات میان دوستان تجلی می‌کند، کدام یک از موارد زیر - که هر یک در عرصه خاص خود مشروع است - مشخصه رابطه بین دو فرد خواهد بود که یکی دیگری را در انجام یک اقدام خدمتی یاری می‌کند؟

\_\_\_\_\_ متخصص با تازه‌کار

\_\_\_\_\_ معلم با دانش‌آموز

\_\_\_\_\_ مدیر با کارمند

- \_\_\_\_\_ والد با فرزند
- \_\_\_\_\_ آموزش دهنده با کارآموز
- \_\_\_\_\_ استاد ماهر با شاگرد
- \_\_\_\_\_ فرد دانا و مطلع با فرد ناآگاه
- \_\_\_\_\_ دو دوست، یکی باتجربه‌تر از دیگری در حوزه اقدامی خاص، که با هم در حالی یادگیری هستند.

۳. همچنان که یکدیگر را در یک مسیر خدمت همراهی می‌کنیم، از طریق تعاملاتی که به تواضع و فروتنی، از خودگذشتگی، توکل به خدا و میل خالصانه به دیدن پیشرفت دیگران مزین است، انرژی ما آزاد می‌شود. وقتی خود را وقف بنای تمدنی نوین می‌کنیم، باید از "ورشکستگی روحانی و روش رو به زوال" یک دنیای در حال فروپاشی آگاه باشیم و اطمینان حاصل کنیم که کیفیت تعاملات مان از زنگار چنین روش‌هایی پاک بماند. در این زمینه، مثال‌هایی از مواقعی بزنید که در نظم اجتماعی کنونی، قوا با استفاده از موارد زیر هدایت می‌شوند:

- سلطه‌جویی
- آزو طمع
- حس گناه‌کاری
- دخل و تصرف ریاکارانه در امور

۴. صرف نظر از مثال‌هایی که گروه شما در تمرین قبل آورد، باید به خاطر داشته باشید کسانی که از چنین ابزارهایی برای پیش‌برد منافع و ایدئولوژی‌های خود استفاده می‌کنند، به روش‌هایی زیرکانه این کار را انجام می‌دهند. از این نظر، شاید تأمل درباره پرسش‌های زیر را مفید یابید:

- الف. آیا ممکن است سلطه‌جویی در لفافه اقدامات مزین به مهربانی و عطف پنهان شود؟
- ب. آیا ممکن است با تظاهر به دادن دانش و اطلاعات مبتنی بر واقعیت به مردم، دخل و تصرف ریاکارانه در ذهن آنها صورت گیرد؟
- ج. آیا ممکن است آزو طمع در لفافه بخشندگی و سخاوت پنهان شود؟
- د. آیا ممکن است با برانگیختن حس اطاعت از خداوند، به ایجاد حس گناه‌کاری مشروعیت داده شود؟



در اینجا مهم است اشاره شود که هدف از دو تمرین اخیر صرفاً آگاه شدن ما از تمایلاتی در این جهان است که باید از آنها اجتناب کنیم. اکثر اقدامات مزین به مهربانی که در زندگی مان مشاهده می‌کنیم خالصانه‌اند. انسان‌ها بدون اشتیاق به دخل و تصرف ریاکارانه، دانش را با دیگران در میان می‌گذارند. سخاوت و بخشندگی یک خصیصه روحانی است که زینت‌بخش ارواح بسیاری از انسان‌هاست. و اغلب بدون برانگیختن احساس گناه درباره اطاعت از خداوند صحبت می‌شود. هر یک از ما باید مراقب باشیم که مبادا تردید درباره انگیزه‌های کسانی که با آنها تعامل داریم برای مان تبدیل به عادت شود. سوء ظن و بدگمانی خصلتی خطرناک است که ممکن است اراده ما برای عمل را نابود سازد. روش‌های ما در همراهی یکدیگر در مسیر خدمت باید عاری از سوءظن باشد.

## بخش چهارم

در قسمتی از پیام بیت‌العدل اعظم که در بخش پیش مطالعه شد اشاره شده که قابلیت همراهی یک دوست در مسیر خدمت از حالت یادگیری جداشدنی نیست. می‌توانیم حالت یادگیری را در دو سطح بررسی کنیم، سطح فردی و سطح جمعی.

۱. در سطح فردی، بیت‌العدل اعظم اشاره می‌فرماید که "یادگیری به صورت یک شیوه عمل" مستلزم آن است که "همگی تواضع و فروتنی در پیش گیرند." مشخص کنید کدام یک از گزاره‌های زیر نمایانگر افکاری است که ذهن فردی را که این حالت ضروری را اتخاذ کرده به خود مشغول می‌دارد:

\_\_\_\_\_ اگر به من گوش می‌کردند، خیلی سریع‌تر به نتیجه می‌رسیدیم.

\_\_\_\_\_ آنها درک نمی‌کنند؛ می‌روم و کارها را به روش خودم انجام می‌دهم.

\_\_\_\_\_ او توانمند است، اما هنوز جوان است. چیزی نیست که بشود از او یاد بگیرم.

\_\_\_\_\_ باید به دقت به آنچه دیگران برای گفتن دارند گوش کنم؛ همیشه چیزی برای یادگیری وجود دارد.

\_\_\_\_\_ شاید این رویکرد از آنچه من در ذهن داشتم بهتر است؛ بالاخره، ممکن است چند رویکرد وجود داشته باشد که در این وضعیت خوب عمل می‌کنند.

\_\_\_\_\_ قبلاً سعی کردم این ایده را عملی کنم و نتیجه نداد. هیچ کس دیگر نباید آن را امتحان کند.

\_\_\_\_\_ قبلاً سعی کردم این ایده را عملی کنم و نتیجه نداد. اما لازم نیست آن را به کسی بگویم؛ بگذار همه با تجربه کردن یاد بگیرند.

\_\_\_\_\_ قبلاً سعی کردم این ایده را عملی کنم و نتیجه نداد. شاید بتوانم درباره تجربه ام صحبت کنم و ببینم آیا به ما کمک می کند رویکرد مفیدتری بیابیم.

شاید بخواهید افکار دیگری به فهرست بالا اضافه کنید، چه افکاری که ممکن است ذهن فرد در حال یادگیری را به خود مشغول دارد و چه افکاری که او به آنها نمی پردازد. اینجا فضایی است که این موارد را یادداشت کنید.

---

---

---

---

---

---

---

۲. بیت العدل اعظم در پیام اشاره می فرماید همچنان که مفهوم "همراهی" در جامعه ریشه گرفته و در تفکر ما جای گرفته، فرهنگی که در آن "یادگیری به صورت یک شیوه عمل" است به شدت تقویت شده است. پس در سطح جمعی، حالت یادگیری باید خود را در ویژگی های خاصی که وجه تمایز فرهنگ جامعه است نشان دهد. مشخص کنید کدام یک از گزاره های زیر فرهنگ جامعه ای را منعکس می سازند که در آن می توان درباره نحوه مشارکت در بنای یک تمدن الهی یادگیری حاصل کرد:

\_\_\_\_\_ تلاش مستمر، هماهنگ و متمرکز درون هر حوزه فعالیت از نظر همگان ارزشمند است و از گرایش به شتاب زدگی اجتناب می شود.

\_\_\_\_\_ دانش گردآمده توسط گروه های متنوع که هر کدام در یک حوزه تلاش خاص به صورت سیستماتیک کار می کند محترم شمرده می شود و جامعه مستمراً از تجربه فزاینده آنها استفاده می کند.

\_\_\_\_\_ در میدان عمل، به رقابت گذاشتن یک رویکرد علیه دیگر شایع است.

نسخه پیش از چاپ - نسخه ۱.۲.۲.PP.PV (ترجمه مقدماتی) - برای توزیع نیست

\_\_\_\_\_ به اسم ارزیابی، هر تجربه با وسواس مورد موشکافی و انتقاد قرار می‌گیرد.

\_\_\_\_\_ از هیجان کوتاه‌مدت و ناامیدی لحظه‌ای که در نتیجه داشتن تعاریف محدود از مفاهیم "موفقیت" و "شکست" ایجاد می‌شود عموماً اجتناب می‌گردد.

\_\_\_\_\_ اجازه داده می‌شود این انتظار که هر فعالیتی باید در سطح آرمانی و به کمال انجام شود، مانع مشارکت عمومی شود.

\_\_\_\_\_ تعهد درازمدت به اقدام به یک هنجار تبدیل شده است.

\_\_\_\_\_ تأثیر مثبت و ترکیبی اقداماتی متنوع که تعداد فزاینده‌ای از افراد و گروه‌ها در یک چارچوب مشترک و فراگیر انجام می‌دهند مغتنم شمرده می‌شود.

\_\_\_\_\_ میل به تفحص و کسب بصیرت‌های تازه و پیشرفت عواملی هستند که مذاکرات میان افراد، گروه‌ها و مؤسسات را هدایت می‌کنند.

مانند تمرین قبل، شاید بخواهید چند گزاره دیگر به فهرست بالا اضافه کنید. فضایی در اینجا جهت انجام این کار برای‌تان فراهم شده است.

---

---

---

---

---

---

---

## بخش پنجم

پیش از آن که کاوش خود را درباره دو مفهوم مرتبط که نقطه تمرکز این واحدند ادامه دهیم، باید درنگ کنیم و بستری را که همه تلاش‌های مان در آن انجام می‌گیرد بررسی کنیم: یعنی ایجاد هسته آن تمدن شکوهمند که دورنمایش در آثار حضرت بهاءالله ترسیم شده است. می‌دانیم که سه شرکت‌کننده اصلی این مشروع فرد، مؤسسات و جامعه هستند و مجموعه جدیدی از روابط در میان آنها در حال شکل‌گیری است.

وقتی در پرتو خصایصی که قرار است مشخصه روابط این سه عامل باشد بنگریم، مفاهیمی که اینجا بررسی می‌کنیم، به ویژه مفهوم "همراهی کردن"، باز اهمیت بیشتری می‌یابند. بخش زیر از پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت‌العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای بصیرت‌های ارزشمندی در این زمینه به ما می‌دهد:

"درک ماهیت فرایندهای متعاملی که جمعاً ترویج و تحکیم امر الله را موجب می‌گردند برای اجرای موفقیت‌آمیز نقشه امری حیاتی است. به شما و اعضای هیئت معاونت توصیه می‌شود که در تلاش خود برای پیشبرد چنین درکی، مفهومی را که در شالوده مشروع جهانی جاری و در واقع در قلب هر مرحله از مراحل نقشه ملکوتی قرار دارد در نظر داشته باشید و آن مفهوم این است که پیشرفت از طریق توسعه سه شرکت‌کننده نقشه - افراد، مؤسسات و جامعه - حاصل می‌شود. در سراسر تاریخ بشر، تعامل بین این سه عامل همیشه با مشکلات همراه بوده است. فرد فغان آزادی‌خواهی به پا می‌کند، مؤسسات خواستار فرمان‌برداری هستند و جامعه مدعی اولویت می‌باشد. هر اجتماعی روابط پیونددهنده این سه عامل را به نوعی تعیین نموده و دوره‌هایی از ثبات و آشوب داشته است. امروزه در این عصر انتقال در حالی که بشریت در تلاش برای رسیدن به بلوغ جمعی خود می‌باشد، نه تنها این روابط، بلکه مفهوم فرد، مفهوم مؤسسات اجتماعی و مفهوم جامعه در معرض هجوم بحران‌های بی‌شمار است. بحران مرجعیت در سراسر جهان، خود دلیل کافی بر این ادعا است. سوء استفاده از قدرت مرجعیت آن‌چنان دردناک و بیزاری و سوء ظن حاصله در حال حاضر آن‌چنان عمیق است که جهان روز به روز بیشتر لگام‌گسیخته و غیر قابل اداره می‌گردد، وضعی که سست شدن پیوندها در سطح جامعه آن را بسیار وخیم‌تر نموده است.

"پیروان اسم اعظم همگی به خوبی می‌دانند که منظور از این ظهور اعظم ایجاد یک خلق جدید است. '...أول كلمة خرجت من فمه و أول نداء ارتفع منه بمشيئتك و ارادتك انقلبت الأشياء كلها و السماء و ما فيها و الأرض و من عليها...!' افراد، مؤسسات و جامعه، سه شرکت‌کننده نقشه ملکوتی، تحت تأثیر مستقیم قوای خلاقه ظهور حضرت بهاء‌الله در حال تقلیب هستند و مفهومی جدید از هر یک، متناسب با نیاز بشری که به مرحله بلوغ خود نزدیک می‌شود، در حال بروز است. روابطی که این سه شرکت‌کننده را به هم پیوند می‌دهد نیز در حال تحوّل عمیق می‌باشد و قوای تمدن‌سازی به عرصه وجود می‌آید که تنها با پیروی از تعالیم مبارک ایجاد می‌شود. خصایص مشخصه این روابط، همکاری و وابستگی متقابل که نمایان‌گر هم‌بستگی همه‌جانبه حاکم بر عالم خلقت است می‌باشد."<sup>۵</sup>

این بیان با توصیف برخی خصایص فرد، مؤسّسات و جامعه ادامه می‌یابد، ویژگی‌هایی که همگام با پیشرفت فرایند تمدّن‌سازی که با الهام از ظهور حضرت بهاء‌الله به پیش می‌رود پدیدار خواهند شد. آنچه می‌تواند در این زمان مفید باشد آن است که شما تصویری از جهانی که در آن تعاون و تعاضد مشخصه روابط میان سه شرکت‌کننده مورد بررسی است در ذهن خود شکل دهید. افکار زیر ممکن است در تأملات‌تان به شما کمک کند و شاید بخواهید اندیشه‌هایی دیگر را که از مشورت با دوستان حاصل شده، به این فهرست اضافه کنید.

- جهانی که در آن همه از دستاوردهای دیگران مسرور می‌شوند و حسادت و رقابت‌جویی جایی ندارد
- جهانی که در آن افراد می‌توانند از نظرات خود منقطع شوند و مشتاق یادگیری با دیگران هستند
- جهانی که در آن ترقی مادی و روحانی فرد و پیشرفت جامعه با هم در هماهنگی و توازن هستند
- جهانی که در آن ایمان به قابلیت هر فردی وجود دارد
- جهانی که در آن اقدامات از اشتیاق به خشنودی خدا و اطاعت از تعالیمش ناشی می‌شود، نه از شوق به مقام یا قدرت
- جهانی که در آن مؤسّسات ابتکار و اقدامات خودجوش فرد را می‌پروراند و هدایت می‌کنند و افراد در پیروی نکردن از تلقینات نفس‌شان از خود انضباط نشان می‌دهند
- جهانی که در آن اعضای مؤسّسات اشتیاقی به منفعت شخصی ندارند و با کفّ نفس، قوای خود را وقف تواندهی مردمی که به آنها خدمت می‌کنند می‌نمایند
- جهانی که در آن اعضای مؤسّسات اداره‌کننده اجتماع الگوی فروتنی و تواضع هستند
- جهانی که در آن کسانی که از آنها برای خدمت در مؤسّسات دعوت شده، شانه به شانه اعضای جامعه کار می‌کنند
- جهانی که در آن مؤسّسات منابع هدایت هستند و اطاعت صمیمانه قلبی از آنها یک شرط لازم برای پیشرفت سه شرکت‌کننده اصلی دانسته می‌شود



ب. جهانی که با افکار و عواطف بالا توصیف می‌شود با جهانی که امروز پیرامون خود می‌بینیم چقدر فاصله دارد؟

ج. از گروه فزاینده اما هنوز نسبتاً اندک افرادی که خود را وقف خدمت به امر مبارک کرده‌اند و برای کاهش فاصله جهان ما با آنچه حضرت بهاء‌الله ترسیم فرموده‌اند می‌کوشند چه چیزی انتظار می‌رود؟

## بخش ششم

مذاکرات ما در چند بخش پیش کمک کرده، هر چند مختصر، در معنای گسترده کلمه "همراهی" به‌خصوص در ارتباط با پیمودن یک مسیر خدمت کاوش کنیم. وقتی تلاش می‌کنیم که با حالت یادگیری به امر مبارک خدمت کنیم و همچنین دیگران را در تلاش‌های مشابه‌شان یاری کنیم، باید برخی صفات، منش‌ها و مهارت‌ها را در خود پرورش دهیم. بیایید داستانی را مطالعه کنیم که در خصوص پرورش این صفات، منش‌ها و مهارت‌ها بینش‌هایی ارائه می‌کند. این داستان که قسمت اول آن را در این بخش ارائه می‌کنیم، با کنار هم گذاشتن مشاهداتی از موقعیت‌های واقعی تنظیم شده و بنابراین تجربه‌ی دوستان بسیاری را حین کوشش‌های‌شان برای تبدیل آرمان‌ها به واقعیت باز می‌نمایاند.

مونیکا جوانی نوزده ساله از یک شهر کوچک است و در حال آغاز اولین سال از تحصیلات عالی خود در دانشگاهی در همان نزدیکی است. او برای کمک به مخارج خانواده‌اش شغل پاره‌وقتی نیز دارد. طی دو سال گذشته، به عنوان مشوق یک گروه یازده نفره از نوجوانان خدمت کرده، مسئولیتی که برایش عزیز است. او که تأثیرات برنامه را بر خود و دوستانش دیده، برای کمک به گروه در مطالعاتش، پروژه‌های خدمتی‌اش و فعالیت‌های دیگری که با انرژی دنبال می‌کند هر لحظه را غنیمت می‌شمارد. هرگاه به پیشرفتی که اعضا حاصل می‌کنند فکر می‌کند، از حس عمیق سرور سرشار می‌شود و احساس می‌کند چه لطفی شامل حالش شده که فرصت ایفای نقشی در فرایند تواندهی روحانی و عقلانی آنها یافته است. پیوند خودش با برنامه تواندهی روحانی نوجوانان به حدود هفت سال پیش بازمی‌گردد، وقتی که خود او از شرکت‌کنندگان یک گروه در محله‌شان بود. گفتگوهای بسیاری که با هم‌سن‌وسالانش درباره مضامین روحانی موجود در متون مورد مطالعه‌شان داشت و پروژه‌های خدمتی که با هم انجام دادند، طی آن سال‌های تعیین‌کننده و تکوینی حیاتش

تأثیر عمیقی بر او داشت؛ این فعالیت‌ها شوقی برای کمک به دیگران در ترقی روحانی‌شان در مونیکا برانگیخت.

امروز مونیکا مسئولیت جدیدی را پذیرفته است. در جلسه تأمل و بازنگری مشوقان، هماهنگ‌کننده نوجوانان در محدوده جغرافیایی، آندره، اعلام کرد گروهی از جوانان که به تازگی مطالعه کتاب ۵ را به پایان برده‌اند مشتاقند خدمت به عنوان مشوق را آغاز کنند. از آنجا که یکی از آنها، رودریگو، تقریباً نزدیک خانه مونیکا زندگی می‌کند، از مونیکا خواسته شد که اگر می‌تواند او را در تلاشش برای تشکیل یک گروه و کمک به اعضای گروه برای آغاز فعالیت‌های لازم در برنامه تواندهی روحانی نوجوانان همراهی کند. گرچه مونیکا به توانایی خود در انجام این وظیفه به نحو شایان، اطمینان کامل ندارد، تصمیم گرفته به خدا توکل کند و نهایت تلاش خود را در همراهی رودریگو در مسیر خدمتش بنماید. او در واقع رودریگو را از جلسه‌ای که چند ماه پیش برگزار شد به خاطر دارد، جلسه‌ای که در آن برای اولین بار از رودریگو و دوستانش دعوت شده بود تا در فعالیت‌های جامعه‌سازی محدوده جغرافیایی شرکت کنند.

مونیکا طی صحبت اولیه‌شان درمی‌یابد که رودریگو چند نوجوان در محله خود می‌شناسد که گاهی آنها را در پارک ملاقات می‌کند. رودریگو اشاره می‌کند که هنگام مطالعه کتاب ۵، درباره آنها فکر می‌کرده و می‌اندیشیده که چگونه می‌تواند برنامه را به نحوی توصیف کند که توجه آنها را برانگیزد. مونیکا رودریگو را تشویق می‌کند که این فکر را دنبال کند و پیشنهاد می‌کند برای ملاقات نوجوانان همراه او برود. روزی که قرار است به دیدار نوجوانان بروند، مونیکا و رودریگو یکدیگر را ملاقات می‌کنند تا در مورد آنچه می‌توانند به گروه بگویند صحبت کنند. آنها به بخش‌های مرتبط کتاب ۵ مراجعه می‌کنند و استعدادها بالقوه بی‌شمار نوجوانان و اهداف برنامه را آن‌طور که در کتاب ۵ توصیف شده به خود یادآوری می‌کنند. با هم چند مناجات تلاوت می‌کنند و به پارک محله می‌روند. نوجوانان در آنجا مشغول بازی فوتبال هستند.

بعد از بازی، رودریگو مونیکا را به جمعی متشکل از حدود ۸ نوجوان معرفی می‌کند و شروع به گپ زدن می‌کنند. خیلی زود، رودریگو با چهره‌ای بشاش و مسرور به آنها می‌گوید که اخیراً با برنامه‌ای آشنا شده که هدفش آزاد کردن قوای جوانان هم‌سن آنهاست. نوجوانان با دقت گوش می‌کنند، اما یکی از آنها به آرامی دور می‌شود. رودریگو درباره مفهوم یک گروه نوجوانان که مایل به کسب کمالات است، مضامینی که اعضایش درباره آن بحث می‌کنند و نوع فعالیت‌هایی که با هم انجام می‌دهند، صحبت می‌کند. لحظه‌ای در این میان، مونیکا احساس می‌کند اندیشه‌هایی که ارائه می‌شود ممکن است کمی انتزاعی به نظر برسد؛ پس وقتی رودریگو مکثی می‌کند، مونیکا به آنها درباره گروهی که



خودش با آن کار می‌کند می‌گوید، این که چطور گروه تشکیل شد، هر چند وقت یک بار ملاقات می‌کنند، و چه مطالبی را با اعضای گروه مطالعه می‌کنند. همچنین بعضی از پروژه‌های خدمتی را که گروه انجام داده توصیف می‌کند. در پایان درباره پیوندهای قوی دوستی که میان همه آنها شکل گرفته صحبت می‌کند و این که مطالعه، یادگیری و خدمت با یکدیگر چقدر برای همه سرورانگیز است.

این مثال کمک می‌کند دوستان جوان رودریگو ماهیت برنامه را درک کنند. رودریگو احساس می‌کند زمانش رسیده که از آنها بپرسد آیا مایلند گروهی تشکیل دهند. او شروع به صحبت می‌کند، اما رشته افکارش را از دست می‌دهد و مطمئن نیست چطور گفتگو را ادامه دهد. برای کمک گرفتن به مونیکا نگاه می‌کند. مونیکا با طبیعی‌ترین حالت به کمکش می‌شتابد. به اختصار توضیح می‌دهد که اولین ملاقات گروه خودش چقدر در شکل دادن و هدف بخشیدن به گروه مهم بوده. بقیه‌اش به آسانی پیش می‌رود. صحبت کوتاهی درباره بهترین زمان برای ملاقات می‌شود. رودریگو و مونیکا عمدتاً ساکت هستند. به زودی توافق حاصل می‌شود: یکی از نوجوانان پیشنهاد می‌کند برای اولین ملاقات به خانه او بیایند. آنها قرار می‌گذارند که روز بعد ساعت ۳ بعد از ظهر یکدیگر را در پارک ببینند و به خانه او بروند. چند نفر ابراز امیدواری می‌کنند که بتوانند یک یا دو نفر از دوستان خود را که فکر می‌کنند ممکن است به برنامه علاقه‌مند باشند با خود بیاورند.

مونیکا و رودریگو در راه بازگشت از پارک درباره این تجربه تأمل می‌کنند. بهتر از این نمی‌شد. مونیکا ابراز می‌دارد که رودریگو چقدر خوب برنامه را معرفی کرد و این که نوجوانان چطور به سبب خلوص و صمیمیت نظرات او جذب برنامه شدند. آنها بدون تجزیه و تحلیل بیش از حد، گفتگو می‌کنند که چطور می‌توانستند برخی اندیشه‌ها را واضح‌تر توضیح دهند. رودریگو از مونیکا می‌خواهد برای ملاقات اول به او بیوندد و او می‌پذیرد. آنها تصمیم می‌گیرند که شب، هر یک جداگانه، آن بخش از کتاب ۵ را که ماهیت جلسات اول گروه نوجوانان را بررسی می‌کند، مرور کنند.

۱. دور کلماتی که احساس می‌کنید مشخصه منش مونیکا بود خط بکشید:

مهربان	گشاده‌رو
انتقادی	مصنوعی
تشویق‌کننده	تحقیرکننده و سلطه‌جو
مثل رئیس	طبیعی

۲. مونیکا چگونه به رودریگو کمک کرد تا اطمینانش به قابلیت‌هایش که برای خدمت به عنوان مشوق دارد افزایش یابد؟

---

---

---

---

---

---

---

۳. اگر مونیکا هر یک از افکار زیر را داشت، نتیجه ملاقات چه تفاوتی حاصل می‌کرد؟

الف. من چقدر ماهرم! می‌توانم ببینم که واقعاً دارم به او کمک می‌کنم.

ب. نگاهش کن. او واقعاً نمی‌داند چه می‌کند. خوب شد که آمدم.

ج. فقط در سکوت دعا خواهم کرد و می‌گذارم نیروهای روحانی او را هدایت کنند.

د. در این مرحله، فقط لازم است از دستورات من پیروی کند.

ه. باید مطمئن شوم که هر اشتباهی را همین حالا تصحیح می‌کنم، و الا اشتباه یاد می‌گیرد.

۴. و اگر رودریگو به هر یک از شیوه‌های زیر دربارهٔ مساعدت مونیکا فکر می‌کرد، نتیجه چه تفاوتی داشت؟

الف. من بی‌نیاز از دیگرانم. به کمک کسی نیاز ندارم.

ب. کسانی که به من پیشنهاد کمک می‌کنند، فکر می‌کنند از من بهتر هستند.

ج. هر کس به من پیشنهاد همراهی می‌دهد، می‌خواهد نحوهٔ کار من را ارزیابی کند.

د. نمی‌خواهم وقتی یک اقدام خدمتی انجام می‌دهم کسی همراهی‌ام کند؛ کافی است تجربه‌ام را در جلسات تأمل و بازنگری در میان بگذارم.

ه. هیچ کس بدون توقع جبران، پیشنهاد کمک نمی‌دهد.

و. نمی‌خواهم دیگران به من آموزش دهند که چگونه خدمت کنم.

ز. نمی‌خواهم دیگران درباره من قضاوت کنند.

۵. اهمیت صحبت مونیکا و رودریگو قبل از ملاقات با نوجوانان چقدر بود؟ اگر بدون آمادگی به پارک رفته بودند، چقدر کارآمد و مؤثر واقع می‌شدند؟ در گروه خود درباره ضررهای عدم آماده‌سازی و آماده‌سازی بیش از حد در چنین مواقعی گفتگو کنید.

---

---

---

---

۶. البته شرایط متعددی وجود دارد که منجر به تشکیل گروه نوجوانان می‌شود. با دوستان خود گفتگو کنید در هر یک از بسترهای زیر، چگونه برای کمک به مشوقی که برای بار اول در حال تشکیل گروه است اقدام می‌کردید:

الف. در محله‌ای که مشوق تعدادی نوجوان و خانواده‌هایشان را می‌شناسد

ب. در محله‌ای که مشوق هنوز با اعضای جامعه آشنا نیست

ج. میان نوجوانانی که عضو خانواده گسترده مشوق یا از دوستان نزدیک او هستند

د. در مدرسه‌ای که مدیرانش دانش کمی درباره برنامه نوجوانان دارند

---

---

---

---

---

---

---

---



خصیصه انسانی بصیرت‌هایی به دست آوریم، خوب است بصر باطنی خود را به سرچشمه نامحدود الهی معطوف داریم. در مورد ماهیت خصیصه دوستی، از دوست حقیقی خود درس‌های بسیاری یاد می‌گیریم.

درباره گزیده زیر از کلمات مبارکه مکنونه تأمل نمایید:

**"دوستان ظاهر نظر به مصلحت خود یکدیگر را دوست داشته و دارند و لکن دوست معنوی شما را لاجل شما دوست داشته و دارد بلکه مخصوص هدایت شما بلایای لا تحصی قبول فرموده."**

مظهر ظهور الهی، دوست حقیقی ما، ما را به خاطر خودمان دوست دارد. ما نیز دوستانمان را به خاطر خودشان دوست داریم و نه به خاطر مصلحت و خیری که به خودمان می‌رسد. با این که این اصلی واضح است، هرگاه سهواً در روابط خود از معیارهای دنیوی پیروی کنیم، به عمل درآوردن این اصل دشوار می‌شود. وقتی پیرامون خود را می‌نگریم چه می‌بینیم؟ می‌بینیم دوستی به کالایی قابل مذاکره تبدیل می‌شود و به تلویح یا تصریح، ارزش آن به نحوی فزاینده با میزان سودی که یک یا چند نفر از آن رابطه می‌برند اندازه‌گیری می‌شود. و چه بسا، احساسات زودگذر افراد را به دوست شدن با یکدیگر وادار می‌سازد و بعداً، همان احساسات آنها را به دور شدن از هم مجبور می‌کند. نصّ زیر را بخوانید و درباره آن تأمل کنید:

**"محبت میان قلوب احباب نظر به اتحاد حقیقی ارواح بوده. این حبّ به معرفت الهی حاصل شود تا انسان محبت الهی را در مرآت قلب ببیند. هر یک انعکاس جمال الهی را در دیگری مشاهده نماید؛ چون این شباهت را میان خود ببینند، به محبت مجذوب یکدیگر گردند. این محبت کل را امواج یک دریا کند، این محبت کل را نجوم یک آسمان و اثمار یک شجر نماید. این محبت اتفاق حقیقی را تحقق بخشد و بنیاد اتحاد واقعی گردد."**

**"اما محبتی که گاه میان دوستان وجود دارد محبت (حقیقی) نیست، چه که در معرض انقلاب است، جذبه صرف است. چون نسیمی بوزد، اشجار ضعیف تسلیم شوند. چون باد از جهت شرق باشد، درخت به غرب متمایل شود و چون از جهت غرب بوزد، درخت به شرق متمایل گردد. این محبت ریشه در شئون تصادفی حیات دارد. این محبت نیست، آشنایی صرف است، در معرض تغییر است."**

**"امروز می‌بینی دو نفس به ظاهر دوست صمیمی‌اند و فردا تغییر می‌کند. دیروز حاضر بودند در راه یکدیگر جان فدا کنند، امروز از مصاحبت هم در گریزند. این محبت نیست. تسلیم قلوب به**

## تصادفات زندگی است. چون علت مرتفع شود، محبت منقضی گردد. این به واقع محبت نیست.<sup>۷۳</sup> (ترجمه)

اندیشه ارائه شده در اینجا این است که عرصه خدمت گرچه تنها فضا نیست، اما فضایی مهم است که در آن این نوع دوستی که در بیاناتی مثل بیان فوق تحسین شده، می تواند شکل بگیرد. بیاید درباره این قضیه تأمل کنیم. افرادی که اهداف و آرمان های شان همگراست، به صورت طبیعی به سوی یکدیگر کشیده می شوند. طلب خالصانه خدمت به نوع انسان نیرویی است که افراد را گرد هم می آورد و اجازه می دهد با یکدیگر پیوندهای دوستی برقرار کنند. اما چنین پیوندهایی چقدر قوی و ماندگار است؟ به طور کلی، می توان به پیوندهای متنوعی اندیشید که سبب می شوند افراد دوست یکدیگر بمانند. تصمیم بگیرید کدام یک از موارد زیر، هرچند موجه، ضعیف ترین و کدام قوی ترین است، به بیان دیگر کدام یک احتمالاً بیشتر، در امتحانات و دشواری ها دوام می آورد:

- \_\_\_\_\_ منافع فردی مشترک
- \_\_\_\_\_ منافع خانوادگی مشترک
- \_\_\_\_\_ منافع مشترک بر اساس ایدئولوژی سیاسی
- \_\_\_\_\_ منافع مشترک بر اساس قومیت
- \_\_\_\_\_ منافع مشترک بر اساس ملیت
- \_\_\_\_\_ هدف مشترک برای ساختن اجتماعی جدید
- \_\_\_\_\_ محبت الله و عرفان یافتن بر هدف خداوند

گرچه در بستر خدمت، روابط عمق می یابند، باید مراقب باشیم که مبادا به اسم خدمت، مطالبات بیش از حد از دوستی داشته باشیم و موجب بیگانگی شویم. آنچه ما را به خدمت برمی انگیزد محبت الله است و آنچه به تلاش های ما جهت می دهد عرفان هدف خداوند برای نوع انسان است. درک فزاینده ای از این واقعیت به ما کمک می کند از تنش های غیرضروری بین شوق ملاحظه پیشرفت در یک حوزه خدمت از یک سو و اشتیاق مان به ایجاد پیوندهای دوستی بادوام از سوی دیگر، بپرهیزیم. ممکن است این تنش ها مثلاً زمانی که نیازمندی های خدمت و نیازهای دوستی حقیقی را متمایز و جدا از هم بینیم ایجاد شوند. درباره اقدام خدمتی که فرد می تواند به عنوان راهنمای یک حلقه مطالعه یا مشوق بر عهده گیرد بیندیشید. این که برای شرکت کنندگان یک حلقه یا اعضای یک گروه نوجوانان دوست حقیقی باشیم مستلزم آن است که خصایص لازم برای خدمت خالصانه و عاری از نفس پرستی به امر الهی را به دست آوریم. و خدمت خالصانه به امر مبارک نیازمند محبت حقیقی به کسانی است که اشتیاق خدمت به ایشان را داریم. این دو نیاز را نباید

از یکدیگر جدا کرد. توضیح دهید چگونه عوامل زیر، گرچه همیشه ملازم خدمت نیستند، دوستی بین کسی که به عنوان راهنما عمل می‌کند و شرکت‌کنندگان حلقهٔ مطالعه یا کسی که به عنوان مشوق خدمت می‌کند و اعضای یک گروه نوجوانان را به امتحان می‌اندازند:

الف. انتظارات نابجا: \_\_\_\_\_

---

---

---

ب. بی‌صبری از سرعت مطالعهٔ شرکت‌کنندگان: \_\_\_\_\_

---

---

---

ج. بی‌توجهی به شرایط دشواری یکی از شرکت‌کنندگان: \_\_\_\_\_

---

---

---

د. دل‌بستگی به رویه‌ها و نتایج ثابت و از پیش تعیین شده: \_\_\_\_\_

---

---

---

## بخش هشتم

با در نظر داشتن افکار بالا دربارهٔ رابطهٔ بین دوستی و خدمت، می‌توانیم ماهیت تعاملات بین کسانی را که در نقش‌های گوناگون خود به پیشرفت یکدیگر کمک می‌کنند در نظر بگیریم. بیایید ابتدا مثال رودریگو را که می‌کوشد یک گروه نوجوانان تشکیل دهد بررسی کنیم. او بدون شک می‌خواهد برای هر یک از اعضای گروه یک دوست حقیقی شود. او همچنین انگیزهٔ خدمت به عنوان مشوق را دارد تا بتواند در پیشرفت

جامعه‌اش سهیم گردد. اما وقتی وارد این حوزه خدمت می‌شود، باید مطمئن شود فوریتی که برای مشارکت در تحوّل اجتماع حس می‌کند سبب نشود که انتظار نتایج سریع داشته باشد و به این ترتیب روابط دوستی که سعی در پرورش‌شان دارد به خطر افتند. در عین حال، او باید مراقب باشد که مبادا به خاطر حفظ دوستی، از معیارهای روحانی که باید راهنمای اعضای گروه باشند غفلت کند. تأمل بر موقعیت‌های زیر در گروه‌تان به وضوح این طرز فکر کمک خواهد کرد.

الف. نحوه تعامل رودریگو با نوجوانان در چند جلسه اول به آنها کمک می‌کند هدف برنامه را درک کنند و محدوده مناسبی برای نحوه تعامل‌شان با یکدیگر و با رودریگو تعیین کنند. به نظر شما، کدام یک از موارد زیر آنچه را که رودریگو باید در چند جلسه اول انجام دهد، به بهترین نحو به تصویر می‌کشد؟  
\_\_\_\_\_ گذاشتن قوانین سخت که هر عضو گروه باید از آن پیروی کند.

\_\_\_\_\_ هدایت بحثی در میان نوجوانان درباره مفهوم کمال و نحوه کوشش آنها در جلسات گروه برای رسیدن به کمال.

\_\_\_\_\_ منتقل کردن این حس به اعضا که چون او دوست آنهاست، وقتی با او هستند آزادند هر طور می‌خواهند رفتار کنند.

ب. چندین نفر از نوجوانان به طور منظم در جلسات گروه شرکت نمی‌کنند. کدام یک از پاسخ‌های زیر نشان می‌دهد که رودریگو هنوز به آنها محبت دارد و دوست آنهاست؟

\_\_\_\_\_ او با بی‌صبری با آنها رفتار می‌کند و فکر می‌کند که آنها وقت او را تلف می‌کنند.

\_\_\_\_\_ او غیبت آنها را نادیده می‌گیرد و هر بار حاضر می‌شوند، وانمود می‌کند همه چیز خوب است.

\_\_\_\_\_ او با خانواده‌های‌شان ملاقات می‌کند تا با یادگیری بیشتر درباره محیط زندگی آنها و چالش‌هایی که با آن روبرویند، علل حضور نامرتب‌شان را کشف کند.

ج. با وجود پیشرفتی که اعضای گروه کرده‌اند، موانعی وجود دارد، به ویژه گاهی در نحوه رفتار آنها. کدام یک از واکنش‌های زیر نشان می‌دهد که رودریگو هم از ارزش خدمتی که می‌کند و هم دوستی که با نوجوانان شکل می‌دهد آگاه است؟

\_\_\_\_\_ او هر بار مانعی جدی به وجود می‌آید دلسرد می‌شود و به ترک گروه می‌اندیشد.



\_\_\_\_\_ او به این نتیجه می‌رسد که با ارائه برنامه به نوجوانان، وظیفه خود را انجام داده و مسئولیتی در قبال نحوه واکنش آنها به برنامه ندارد.

\_\_\_\_\_ او می‌داند که محیط اجتماعی می‌تواند اغلب تأثیری منفی بر نوجوانان داشته باشد. اگرچه مطمئن است درکی که آنها به تدریج از مفاهیم روحانی کسب می‌کنند و سرور عمیقی که از انجام پروژه‌های خدمتی در جامعه تجربه می‌کنند زندگی‌های آنها را به نحوی مثبت تغییر خواهد داد.

حال بیایید به موزیکا و رودریگو برگردیم و درباره ماهیت دوستی‌هایی مانند دوستی آنها تأمل کنیم. می‌توان تصور کرد که موزیکا آرزوی بهروزی و پیشرفت دوست خود را دارد. او همچنین آگاه است که قابلیت رودریگو به عنوان مشوق در عمل پرورش می‌یابد. او بین دوستی با رودریگو و همراهی او در پیمودن مسیر خدمت تناقضی نمی‌بیند. با این حال، تصورات اشتباه از مطالبات دوستی و خدمت می‌تواند موجب ایجاد دوگانگی شود که برای هر دو مضر است. سعی کنید برای هر یک از افکار زیر که ممکن است به ذهن موزیکا خطور کنند و دال بر وجود یک دوگانگی بین دوستی و خدمت به امر مبارک هستند جایگزینی بنویسید.

الف. اگر قرار است به رودریگو در خدمت به عنوان مشوق کمک کنم، باید همه چیز را درباره رودریگو بدانم.

---

---

---

---

ب. من و رودریگو باید مرتب با جوانان دیگر بیرون برویم و خوش بگذرانیم. کافی نیست که فقط با هم خدمت کنیم.

---

---

---

---

ج. اگر رودریگو خدمت به عنوان مشوق را رها کند، دوستی ما پایان می یابد.

---

---

---

---

د. تنها در صورتی می توانم رودریگو را همراهی کنم که او بدون آن که از تحت تأثیر چالش های احتمالی زندگی اش قرار گیرد، به خدمت ادامه دهد.

---

---

---

---

ه. اگر درباره خدمت رودریگو به عنوان مشوق به او توصیه هایی کنم دوستی ما خدشه دار خواهد شد. بهتر است فقط او را تحسین کنم.

---

---

---

---

و. ما دوست هستیم و من می توانم هر چه درباره رودریگو و نحوه خدمتش به ذهنم می آید به او بگویم.

---

---

---

---

تا آنجا که تعاملات بین مونیکا و رودریگو از آن نوع محبتی که در بیان زیر توصیف شده آکنده باشد، دوستی آنها که با پیمودن مسیر خدمت به امر مبارک در کنار یکدیگر رشد می‌یابد، عالی‌ترین اثمار را به بار خواهد آورد. اگر این بیان را پیش‌تر از بر نکرده‌اید، شاید بخواهید آن را به خاطر بسپارید:

"باید یاران الهی مجذوب و مفتون یکدیگر باشند و جانفشانی در حق یکدیگر کنند اگر نفسی از احباً به دیگری برسد مانند آن باشد که تشنه لبی به چشمه آب حیات رسد و یا عاشقی به معشوق حقیقی خود ملاقات کند زیرا از اعظم حکمت الهی در ظهور مظاهر مقدسه این است که نفوس مأنوس یکدیگر گردند و قوه محبت الله جمیع را امواج یک دریا نماید و ازهار یک بوستان کند و نجوم یک آسمان نماید اینست حکمت ظهور مظاهر مقدسه. چون این موهبت عظمی در بین قلوب احباً جلوه نماید عالم طبیعت منقلب گردد ظلمات امکان زائل شود نورانیت آسمانی حصول یابد آنوقت جمیع جهان جنت ابهی گردد و هر یک از احبای الهی شجره مبارکه شود و اثمار بدیعه به بار آرد."<sup>۸</sup>

## بخش نهم

برای آن که درباره ظرافت‌های بسیاری که در همراهی یک دوست در مسیر خدمت وجود دارد بصیرت‌های دیگری به دست آوریم، بیایید به ادامه داستان رودریگو و مونیکا بازگردیم.

بعد از ظهر روز بعد، مونیکا و رودریگو چند دقیقه پیش از ساعت ۳ به پارک می‌رسند و می‌بینند دو نفر از نوجوانان، پائولا و رکسانا، آنجا هستند. مونیکا و رودریگو با آن دو احوال‌پرسی می‌کنند و سراغ بقیه را می‌گیرند. پائولا توضیح می‌دهد سرجیو که قرار بوده ملاقات در خانه او انجام گیرد باید برای مادرش کارهایی انجام می‌داده و این که از بقیه خبر ندارد. رودریگو که انتظار داشت اکثر دوستان جوانش را ملاقات کند، احساس دلسردی می‌کند و نمی‌داند چه بگوید. از طرف دیگر، مونیکا از تجربه گذشته‌اش به یاد می‌آورد که وقایع اغلب آن طور که امیدوار هستی پیش نمی‌روند و از دیدن پائولا و رکسانا ابراز خوشحالی می‌کند.

پائولا می‌گوید: "ما آمدیم چون کنجکاو بودیم ببینیم شما و رودریگو می‌آید یا نه." رکسانا می‌پرسد: "حالا باید چه کنیم؟" وقتی رودریگو اشتیاق دو نوجوان و برخورد سرور انگیز مونیکا با آنها را می‌بیند، ناامیدی‌اش به سرعت از بین می‌رود. در ادامه گفتگوها، این چهار دوست بهتر یکدیگر را می‌شناسند.

رودریگو و مونیکا درمی یابند این دختران جوان که خانه های شان مجاور هم است، با خانواده های شان درباره ملاقات قبلی در پارک صحبت کرده اند و در واقع مادر پائولا خانواده رودریگو را می شناسد. او در مدرسه ابتدایی که برادر کوچک تر رودریگو در آن درس می خواند معلم است. مونیکا این فرصت را غنیمت می شمارد و پیشنهاد می کند به ملاقات والدین پائولا بروند. دختران موافقت می کنند. وقتی می رسند، مادر پائولا، خانم رامیرز، به گرمی از آنها استقبال می کند. او با دقت به صحبت رودریگو درباره دوره آموزشی که اخیراً در آن شرکت کرده گوش می کند. به ویژه علاقه دارد توضیحات رودریگو را درباره نقشی که جوانان بزرگسال تر می توانند در آزاد نمودن توان بالقوه نوجوانان داشته باشند بشنود. وقتی صحبت به توصیف برنامه تواندهی روحانی نوجوانان می رسد، برنامه ای که آن دو مشتاقند پائولا و رکسانا در آن شرکت کنند، رودریگو از مونیکا می خواهد که صحبت کند. مونیکا گروهی را که خود در آن مشغول به خدمت است، نحوه تشکیل گروه، هدف برنامه و فعالیت هایی که نوجوانان انجام می دهند، و این که او چگونه شاهد پرورش یافتن قوای روحانی و عقلانی آنها بوده را توصیف می کند. خانم رامیرز از تجربه غنی مونیکا و پایداری و ثبات او در پرورش گروهی از جوانان برای مدتی بیش از دو سال تحت تأثیر قرار گرفته. او رفته رفته به این دو جوان که خلوص و حس قوی هدفمندی شان را مثال زدنی می یابد اعتماد می کند. پیشنهاد می کند در صورتی که در دایر کردن این برنامه با چالشی روبرو شدند به آنها کمک کند، برنامه ای که به نظر او وجودش در محله شان ضروری است.

مونیکا و رودریگو از گفتگوی شان با خانم رامیرز دلگرم می شوند. طی هفته آینده که مصادف با مرحله ترویج دوره کنونی فعالیت ها در محدوده جغرافیایی است، گاه با کمک پائولا و رکسانا و گاه به تنهایی با تعداد زیادی نوجوان ملاقات می کنند. همچنین به طور سیستماتیک خانواده های اکثر این نوجوانان را ملاقات می کنند و از مساعدت چند عضو بزرگسال تر جامعه که در فعالیت های مرحله ترویج مشارکت دارند بهره می گیرند. رودریگو درمی یابد که جمع کردن حدود ده تا دوازده نوجوان و کمک به آنها در تشکیل گروه تلاش زیادی می طلبد. در آغاز باید با چندین و چند نفر صحبت کنی. بسیاری به برنامه ابراز علاقه می کنند، اما همه آنها وارد آن نخواهند شد. از میان کسانی که وارد می شوند، بعضی فقط در چند جلسه شرکت می کنند. اما اگر با اشتیاق و سرور پشتکار داشته باشی، خیلی طول نمی کشد تا گروه محکم و ثابتی تشکیل شود. مونیکا به رودریگو اطمینان می دهد که حضور مرتب در جلسات گروه عادی است که نوجوانان به تدریج کسب خواهند کرد. با کمک پائولا و رکسانا که همچنان مشتاق هستند، به زودی چند نوجوان علاقه مند پیدا می کنند. رودریگو روز به روز نسبت به موقعیت های مختلف با حکمت بیشتری واکنش نشان می دهد. همه والدین به اندازه خانم رامیرز پذیرنده و مشوق نیستند. با این که همه مؤدبانه رفتار می کنند، اما به نظر می رسد چند نفر

بی‌علاقه هستند یا وقت پرداختن به گفتگو درباره مضامین مرتبط به تواندهی روحانی نوجوانان را ندارند. در یک مورد که پدر یکی از نوجوانان درباره ارتباط برنامه با دینی که او با آن آشنا نیست شبهه دارد، مونیکا به رودریگو کمک می‌کند با اعتقاد راسخ و به وضوح به سؤالات این پدر درباره امر مبارک پاسخ گوید. بعداً آن دو درباره آن ملاقات به خصوص تأمل می‌کنند و صحبت می‌کنند که چطور مواد آموزشی ملهم از دیانت بهائی در گسترش حیطه گفتگو با والدین، مدیران مدارس، معلمان و دیگر اعضای جامعه کمک می‌کند.

الگوی فعالیت در این مدت چنان فشرده بوده که رودریگو احساس می‌کند ماه‌ها کار کرده‌اند. اما در واقع تنها ده روز پس از برخورد اول در پارک، هشت نوجوان هستند که مشتاقانه منتظرند اولین جلسه‌شان تشکیل شود. و در بین خودشان این هدف را گذاشته‌اند که به زودی دوازده نفر شوند. مساعدتی که خانم رامیرز کرد، به ویژه گفتگوی مفصلش با مادر سرجیو که قرار است گروه در خانه آنها تشکیل شود، برای این دستاورد حیاتی بوده.

۱. لازم است حین پیمودن مسیر خدمت دوستان‌مان را تشویق کنیم، به ویژه وقتی با دشواری‌هایی روبرو می‌شوند. چند کلمه درباره این که چگونه مونیکا در داستان بالا هم با کلام و هم با اعمالش رودریگو را تشویق کرد بگویید.

---

---

---

---

---

---

---

۲. تشویق زمانی کارآمد و مؤثر است که فرد پذیرای آن باشد. برای مثال، رودریگو توانست ناامیدی خود را به سرعت کنار گذارد و در گفتگویی سرورانگیز با پائولا و رکسانا مشارکت کند. اگر قرار است از ناامیدی‌هایی که ناگزیر در مسیر خدمت با آنها روبرو می‌شویم فراتر رویم، چه نگرش‌ها و منش‌هایی لازمند؟

---

---

---

---

---

---

۳. آیا می‌توانید بیان کنید که در داستان بالا، چطور فراتر رفتن از اتفاقات خاص و تمرکز بر استعداد و واقعیت روحانی به ایجاد سرور و انگیزه برای خدمت منجر شد؟

---

---

---

---

۴. داستانی که روایت کردیم درباره تشکیل گروه نوجوانان است، اما این داستان تنها راه شکل‌گیری چنین گروهی نیست. در شرایط متنوعی که در جهان وجود دارد، باید رویکردهای متنوعی نیز برای برپایی کلاسی جهت آموزش روحانی کودکان و ایجاد یک حلقه مطالعه وجود داشته باشد. در تمرینات بخش ششم، درباره نحوه مساعدت فردی که در موقعیت‌های مختلف، مشتاق به تأسیس یکی از این سه فعالیت است، به کاوش پرداختید. همان طور که داستان‌مان پیش رفته، روشن شده که فراتر از گام‌های اولیه برای ملاقات افراد، تلاش بسیاری جهت تحکیم هر یک از این سه فعالیت لازم است. بدون شک تجربه شما این مسئله را تأیید می‌کند. پس ممکن است مفید یابید که در زمینه تأسیس فعالیت‌های زیر بر اساسی محکم، درباره تجارب متنوعی که از آنها مطلع هستید در گروه خود گفتگو کنید.

الف. یک کلاس کودکان: \_\_\_\_\_

---

---

---

---

---

ب. یک گروه نوجوانان:

---

---

---

---

---

---

ج. یک حلقه مطالعه:

---

---

---

---

---

---

۵. در داستان، مونیکا و رودریگو درباره مواد آموزشی ملهم از تعالیم بهائی صحبت می‌کنند. در گروه خود بحث کنید که این مفهوم برای شما چه معنایی دارد. چگونه درک کافی از این مفهوم به ما در گسترش حیطه گفتگوها با والدین، مدیران مدارس، معلمان و دیگر اعضای جامعه کمک می‌کند؟

---

---

---

---

## بخش دهم

به واسطه مؤسسه آموزشی که مواد درسی، افکار، شرح تجارب و منابع انسانی لازم را فراهم می‌کند، قابلیت رو به رشدی جهت پاسخ به اشتیاق تعداد فزاینده‌ای از افراد در دهکده‌ها، شهرهای کوچک و محله‌های شهرهای بزرگ در سراسر جهان برای مشارکت در یک فرایند تعلیم و تربیت روحانی ایجاد می‌شود. البته افراد و گروه‌ها در مراحل متفاوتی از زندگی به فرایند آموزشی مؤسسه وارد می‌شوند. برخی در کودکی وارد آن می‌شوند، در حالی که بعضی دیگر مانند پائولا و رکسانا در داستان ما، در آغاز نوجوانی وارد این فرایند

می‌شوند. بعضی دیگر نیز که مجذوب بینش حضرت بهاء‌الله برای اجتماع آینده و فرصت خدمت به نوع بشر می‌شوند، در جوانی و بزرگسالی به فرایند می‌پیوندند.

همه ما به این حقیقت واقفیم که تعلیم و تربیت وقتی بیشترین تأثیر را دارد که از کودکی، حتی از نوزادی، شروع شود و تا بزرگسالی ادامه یابد. این آرمانی است که در آینده جامعه بهائی آن را برای جمعیت‌های بزرگی از مردم متحقق خواهد ساخت. با این حال، در این برهه، با توجه به مرحله کنونی توسعه جامعه، امکان وارد شدن در کل فرایند آموزشی، از کودکی به بعد، صرفاً برای تعداد نسبتاً اندکی وجود دارد. برای مدتی طولانی، ما باید تلاش‌هایمان را بر هر سه نقطه ورود به فرایند، یعنی کودکی، اوایل نوجوانی، و جوانی و بزرگسالی، متمرکز نماییم. برای آن که بتوانیم از نظام تعلیم و تربیتی که در جاهای مختلف یکی پس از دیگری تأسیس و پرورش می‌یابد، بهره کامل بریم، باید بتوانیم درباره این سه نقطه ورود و فعالیت‌های مربوط به آنها، از دو دیدگاه مکمل تأمل کنیم: گاه به صورت یک فرایند آموزشی واحد و گاه به شکل سه فرایند متمایز اما به هم مرتبط.

به عنوان تمرین اول، در گروه خود گفتگو کنید که گزاره‌های زیر چگونه به ما کمک می‌کند سه فعالیت - کلاس‌های کودکان، گروه‌های نوجوانان و حلقه‌های مطالعه - را به عنوان یک فرایند آموزشی واحد در نظر آوریم:

الف. مطالعه کلمه‌الله در قلب این فرایند است.

---

---

---

---

ب. تأکید بر درک مفاهیم روحانی به تراوش سرچشمه‌های انگیزه در شرکت‌کنندگان کمک می‌کند.

---

---

---

---



ج. زیربنای همه مراحل فرایند آموزشی، فرضیات مشترکی درباره ماهیت انسان و پیشرفت اجتماع است.

---

---

---

---

شاید بخواهید در زیر، چند گزاره دیگر بنویسید و مفاهیم ضمنی آنها را بررسی نمایید.

د.

---

---

---

---

ه.

---

---

---

---

و.

---

---

---

---

تمرین بالا به مزایایی اشاره دارد که در عمل از درک تلاش‌های مؤسسه آموزشی به صورت یک فرایند آموزشی واحد ناشی می‌شوند. یک چارچوب واحد تفکر و اقدام این فرایند را از چندپارگی محافظت می‌کند. سه فعالیت آموزشی در رقابت با یکدیگر دیده نمی‌شوند؛ این امکان فراهم می‌شود که منابع جامعه به کارآمدترین شکل به کار گرفته شوند و توسعه یابند. حال بیایید به دیدگاه مکمل آن بازگردیم، این دیدگاه که سه فعالیت فرایندهایی متمایز اما به هم مرتبط هستند، آنچه بیت‌العدل اعظم "سه نیاز آموزشی" خوانده‌اند. در زیر پرسش‌هایی در این زمینه وجود دارد. شاید بخواهید در اینجا به عنوان تمرین دوم، آنها را در گروه خود به گفتگو بگذارید.

الف. هر یک از فرایندهای آموزشی، یعنی تربیت روحانی کودکان، تواندهی روحانی نوجوانان و توسعه منابع انسانی از طریق حلقه‌های مطالعه و کمپین‌های فشرده، در مجهودات جامعه‌سازی ما چه نقش متمایزی دارند؟

---

---

---

---

---

ب. در حالی که همه منابع انسانی جامعه، از جمله جوانانی با پیشینه‌های متفاوت و تجارب گوناگون، مادران جوان و اعضای سالخورده‌تر، می‌توانند در پیش‌برد سه فرایند آموزشی مشارکت کنند، هر بخش از جمعیت اغلب به اهداف یک فرایند مشخص به شکلی خاص خدمت می‌کنند. می‌توانید مثال‌هایی از چنین مشارکت‌های متمایزی بیاورید؟

---

---

---

---

---

ج. چه نوع عواملی می‌توانند مؤسسات و نهادهایی را که در یک محدوده جغرافیایی خدمت می‌نمایند در تشخیص این امر یاری دهند که در مراحل مختلف رشد یک محدوده جغرافیایی، بر هر یک از نقاط ورود به فرایند آموزشی چقدر باید تأکید شود؟ به ویژه، با توجه به ماهیت خاص اوایل نوجوانی در زندگی یک فرد و استقبال خارق‌العاده اکثر جمعیت‌ها از برنامه تواندهی روحانی نوجوانان - حتی در مدارس، که علاقه روزافزونی به بخش ملهم از تعالیم بهائی برنامہ نشان می‌دهند - چه راهبردهایی تحقق یافتن امکانات بالقوه این فعالیت را امکان‌پذیر می‌سازد؟

---

---

---

---

---

د. برخی مفاهیمی که لازم است در ملاقات‌های زیر مورد بحث قرار گیرند چیست؟

- ملاقات خانواده‌های کودکان: \_\_\_\_\_

---

---

---

- ملاقات خانواده‌های نوجوانان: \_\_\_\_\_

---

---

---

- ملاقات خانواده‌های جوانانی که مشتاقند سلسله اصلی دروس را مطالعه کنند و خود را برای اقدامات خدمتی آماده سازند: \_\_\_\_\_

---

---

---

۵. چرا مهم است جلسات تأمل و بازنگری جداگانه‌ای برای راهنمایان، مشوقان و معلمان کلاس‌های کودکان وجود داشته باشد؟

---

---

---

---

شاید بخواهید چند سؤال مشابه درباره این دیدگاه دوم نسبت به کار مؤسسه آموزشی مطرح کنید و آنها را بررسی نمایید.

و.

---

---

---

ز.

---

---

---

ح.

---

---

---

تمرینی که اکنون انجام دادید، بعضی از محاسن این دیدگاه را که تلاش‌های مؤسسه را به صورت سه فرایند متمایز اما به هم مرتبط ببینیم نشان می‌دهد. در اینجا سهم خاص هر یک از این سه فرایند را در مجهودات جامعه‌سازی که در همه جا در جریان است، می‌توان ملاحظه نمود. هر فرایند با پیشرفت ترویج و تحکیم امر مبارک، توجه مقتضی را بر اساس واقعیت‌های یک جمعیت خاص دریافت می‌کند. بنابراین مثلاً این حقیقت که قابلیت خدمت به عنوان معلمان کارآمد کودکان در تعداد فزاینده‌ای از افراد ایجاد می‌شود اهمیت متناسب خود را می‌یابد. به همین ترتیب با این که به ایجاد ترتیبات لازم برای عبور کودکان نزدیک به یازده و دوازده سالگی از برنامه تربیت روحانی کودکان به برنامه تواندهی روحانی نوجوانان و کسب یادگیری لازم در این زمینه اهمیت داده می‌شود، موفقیت برنامه تربیت کودکان تنها بر مبنای ورود کودکان به برنامه نوجوانان ارزیابی نمی‌شود. به همین شکل، اشتیاق به پیوند دادن این دو برنامه سبب نمی‌شود این واقعیت که هزاران هزار نوجوان اکنون مشتاق ورود به این فرایند آموزشی هستند، فرایندی که زندگی آنها را تغییر خواهد داد و آنها را توانا خواهد ساخت تا در تحول اجتماع به نحوی هدفمند مشارکت کنند، از نظر پوشیده ماند. و تا آنجا که به مطالعه تسلسل اصلی دروس مربوط است، هرگز فراموش نمی‌شود که وجود تعداد فزاینده‌ای از افراد که مسیر خدمت را با یکدیگر می‌پیمایند، و خود را با بینش حضرت بهاءالله برای نوع بشر همسو می‌دانند، چقدر ارزشمند است؛ این درک وجود دارد که تسجیل در هر نقطه‌ای از این مسیر می‌تواند رخ دهد و نباید به عنوان شرطی برای پیمودن مسیر در نظر گرفته شود.

## بخش یازدهم

بیت العدل اعظم در پیام مورخ ۹ ژانویه ۲۰۰۱ خود خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای می‌فرماید:

**"بدیهی است که کارآموزی به خودی خود الزاماً تحرکی خاص در فعالیت تبلیغی به وجود نمی‌آورد. در همه رشته‌های خدمت، احباً به تشویق مداوم نیازمندند."**<sup>۹</sup>

دوستان همچنان که در مسیر خدمت به پیش می‌روند، یکدیگر را هم با کلام و هم با عمل تشویق می‌کنند. البته کلام تشویق‌آمیز همانند تعریف و تمجید تصنعی که در درازمدت خسته‌کننده می‌شود، ساختگی بوده آن درک می‌شود و به سرخوردگی می‌انجامد نیست. همچنین اعمال تشویق‌آمیز را نمی‌توان به این فروکاست که "دست نوازشی به پشت کسی" کشیده شود یا هر چند وقت یک بار هدیه‌ای به کسی داده شود. برای آن که بتوانیم اطرافیان خود را تشویق کنیم و به ایجاد یک محیط سرشار از حمایت و تشجیع کمک کنیم، باید نسبت به منابعی که سرچشمه تحرک و انرژی روحانی هستند هشیار باشیم. لازم است از خود بپرسیم: نیروهایی که ما را به جدّ و جهد هر چه بیشتر در میدان خدمت برمی‌انگیزند چه هستند و روحیه‌ای که با کمک آن در مقابل مشکلات می‌کوشیم چطور احیا می‌شود؟ بیاناتی که در زیر نقل می‌شود، که از مطالعه دوره‌های درسی پیشین با برخی از آنها آشنا کنید، درباره سرچشمه‌ها و ریشه‌های روحانی تشویق به ما بصیرت می‌دهند. پس از تأمل بر آنها با اعضای گروه خود، در فضایی که در پایان این بخش فراهم شده، برخی از افکار خود را در این زمینه بنویسید.

حضرت عبدالبهاء به ما می‌فرماید که از طریق اشعه شمس حقیقت است که ما پرورش می‌یابیم، تربیت می‌شویم و تشویق می‌گردیم:

**"آفتاب جسم هم مخلوق ارضی را حیات می‌بخشد. بدون حرارت آفتاب مخلوقات ممکن نیست ترقی کنند، راهی برای ترقی نیابند و دچار فنا و زوال گردند. نفوس انسانی نیز به همین قسم محتاج پرتو شمس حقیقتند تا رشد نمایند و نمو یابند و شادمان گردند. به همان قسم که آفتاب جسم انسان را ترقی بخشد، به همچنین شمس حقیقت روح انسانی را تعالی و ترقی عطا کند."**<sup>۱۰</sup> (ترجمه)

شمس حقیقت همیشه حاضر و اشعه آن همیشه ساطع است. آگاهی از این واقعیت نمی‌گذارد تاریکی و نومیدی در قلوب ما جای بگیرد. ما هرگز نباید فراموش کنیم که مواهب خداوند مستمراً بر ما می‌بارد

و باید همیشه، حین پیمودن مسیر خدمت، آماده دریافت آنها باشیم. حسّ امیدى که از دانستن و عرفان بر این مطلب به دست مى آوریم، به روح ما نیروی تازه مى دهد و ما را به اقدام برمی انگیزد. حضرت عبدالهء ما را تشویق مى فرمایند که این گونه دعا کنیم:

"در شبان تیره نومیدی دیده ام به صبح امید الطاف بی نهایت روشن و باز و در سحرگاهی این جان و دل پژمرده به یاد جمال و کمالت خرم و دمساز."<sup>۱۱</sup>

همچنان که در خدمت به امر مبارک مى کوشیم، در کنار حس پابرجای امید، ایمان ما به آینده ای روشن و روحیه خوش بینی برخاسته از آن منابع قدرتمند انرژی ما هستند.

"قلوب خود را از تعلق به شئون حالیه فارغ نمائید و به آینده به چشم ایمان بنگرید. امروز بذر کاشته شد، دانه بر زمین افتاد به روزی ناظر باشید که تبدیل به درختی شود و شاخه هایش پر ثمر گردد. مسرور و خوشحال باشید که چنین صبحی دمیده، قدرت آن را ادراک نمائید البته که بی نظیر است!"<sup>۱۲</sup>

"یوم نورا نزدیک گشته. اساس خلقی بدیع ظاهر شود و منادی رایت عدالت بین ملل جلوه نماید و درختان امید سبز و خرم گردد و مس ذلت و استهزاء به ذهب عزت و ثنا مبدل گردد. صحرای جرز جهالت به بساتین ملتفه دانش بدل گردد و غمام هولناک مرتفع شود و انجم ایمان و احسان در آسمان عرفان بدرخشد."<sup>۱۳</sup>

"... چون امور مادی در جهان هر چه وخیم تر گردد، بنا به جبر تقابل، اعتماد و خوش بینی و محبت و امید احباً چون فانوس درخشان تر از همیشه بتابد و مردم را به صراط حق هدایت کند، راهی که خدا مقرر فرموده و به تنهایی می تواند آنها را به بشارت آینده رهنمون باشد."<sup>۱۴</sup> (ترجمه)

برای حفظ روحیه خوش بینی، باید تعامل پویای بین بحران و پیروزی را در پیشروی امر مبارک درک کنیم:

"باید همواره به خاطر داشت که فتوحات اهل بهاء از طریق بلایا و امتحانات به دست می آید. بحران را با بهره گیری از امکاناتی که جهت اثبات قوه فائقه مبادی آئین الهی و قابلیت اجرایی آن فراهم می سازد به وسیله پیشرفت امر الله تبدیل می کنیم. در سیر تکامل امر الهی بحرانها و پیروزیها همواره از پی هم آمده و مایه ترقی بوده است."<sup>۱۵</sup>

بینشی از عظمت این یوم و قوای نهفته در آن ما را حتی در برابر سهمگین‌ترین موانع پایدار نگاه می‌دارد، زیرا می‌دانیم به یاری جنود ملأ اعلیٰ، دستاوردهایی که در گذشته قابل تصور نبود، اکنون ممکن شده است:

"امروز بابتی مفتوح است اوسع از سموات و ارض و لحاظ فضل مقصود عالمیان متوجه کلّ عمل بسیار جزئی در مرآت علم الهی اکبر از جبل مشاهده می‌شود. یک قطره آب اگر در سیلش داده شود در آن مرآت دریا دیده می‌شود. چه که این یوم یومی است که در جمیع کتب حقّ جلّ جلاله انبیا و اصفیای خود را به آن بشارت فرموده." ۱۶

حالا شاید بخواهید در فضای زیر برخی افکار خود را درباره منابع روحانی که در میدان خدمت از آنها بهره می‌گیریم بنویسید.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## بخش دوازدهم

بیاناتی مانند آنچه در بالا نقل شد، به ما کمک می‌کنند نسبت به منابع روحانی که همه ما می‌توانیم در ایجاد و حفظ اشتیاق برای خدمت به امر مبارک از آنها بهره بریم درک عمیق‌تری پیدا کنیم. حال که بر

این بیانات تأمل کرده‌ایم، می‌توانیم وارد این بحث شویم که دوستان چگونه حین پیمودن مسیر خدمت با هم، یکدیگر را تشویق می‌کنند. در زیر برخی عادات و الگوهای رفتاری که ممکن است وجه تمایز تعاملات آنها باشد فهرست شده است. برای هر یک، به موقعیت‌های متفاوتی که با آن مواجه بوده‌اید فکر کنید و به اختصار یک یا دو مورد از آنها را که نمونه‌های مناسبی از تشویق می‌دانید توصیف کنید. سعی کنید به طور خاص درباره موقعیت‌هایی فکر کنید که در آنها یک دوست با تجربه‌تر در کنار دیگری کار می‌کند. برای کمک به شما، مثال‌هایی برای دو مورد اول در زیر آمده. این مثال‌ها مبتنی بر تجربه دوستان در محدوده‌های متفاوت است.

الف. از کوچک‌ترین پیشرفتی که یکی از دوستان در یک اقدام خدمتی کسب کرده آگاه شدن و به نحو طبیعی درباره آن در بستری بزرگ‌تر صحبت کردن

هماهنگ‌کننده‌ای در یک محدوده جغرافیایی هنگام دیدار از کلاسی که یکی از دوستان معلم آن بود، متوجه شد که کودکان مناجات‌ها را به آسانی و با اشتیاق تلاوت می‌کنند. او که به یاد داشت آن معلم ابتدا نگران مشکلات کودکان در این زمینه بود، در صحبت با این دوست خود، به این پیشرفت به ظاهر کوچک اشاره کرد. آنها در ادامه درباره مواهبی که عادت دعا و مناجات وارد زندگی فرد می‌کند صحبت کردند.

---

---

---

---

---

ب. تمرکز بر نقاط قوت و مقابله با تمایل به تمرکز بر ضعف

مشوقی که مشتاق بود برای اولین بار یک گروه نوجوانان تشکیل دهد، نمی‌دانست چگونه برنامه را به والدین معرفی نماید. تمام کاری که می‌کرد آن بود که به خانه‌ای می‌رفت و می‌پرسید "شما اینجا فرزند دوازده ساله دارید؟" هماهنگ‌کننده که می‌دانست او با جوان‌ترها راحت‌تر است، تصمیم گرفت در تلاش‌هایش برای ملاقات با نوجوانان و برقراری پیوندهای دوستی با آنان به او کمک کند. این کار کمک کرد تا



نسخه پیش از چاپ - نسخه ۱.۲.۲.PP.PV (ترجمه مقدماتی) - برای توزیع نیست

اطمینان کسب کند و به زودی، او توانست گروهی تشکیل دهد. با گذر زمان، او همچنین یادگرفت با والدین درباره برنامه صحبت کند.

---

---

---

---

---

ج. خوش بینی و امید دادن هنگامی که یکی از دوستان در مسیر خدمت با مشکل مواجه است

---

---

---

---

---

د. با یک دوست درباره ماهیت مشارکت‌هایش تأمل کردن، ضمن توجه به این که نفس فرد را تقویت نکنیم

---

---

---

---

---

ه. با دقت گوش کردن هنگامی که یکی از دوستان از تجربه خود سخن می‌گوید

---

---

---

---

---

---

و. تقویت عادت شناسایی اصول روحانی مرتبط با هر موقعیت

---

---

---

---

---

ز. اطمینان به مساعدت همیشگی ملاً اعلی را به یک دوست اظهار نمودن و انتقال دادن

---

---

---

---

---

ح. کمک به یک دوست در اجتناب از احساس ناامیدی زمانی که نتایج با انتظارات اولیه هم‌خوانی ندارند و در عوض مسرور شدن از نفس اقدام خدمتی

---

---

---

---

---

ط. کمک به یک دوست در این که موانع را وسیله‌ای برای پیشرفت ببیند

---

---

---

---

---

---

---

ی. کمک به یک دوست در این که به دنبال انسجام ابعاد روحانی و مادی زندگی اش باشد

---

---

---

---

---

---

ک. انتقال بینشی از پیشرفت که تعامل بحران و پیروزی در آن در نظر گرفته شده

---

---

---

---

---

---

ل. خدمت سرشار از سرور در کنار یک دوست

---

---

---

---

---

---

تا اینجا درباره اهمیت تشویق در رابطه دو دوست که با یکدیگر مسیری از خدمت را دنبال می‌کنند تفکر کرده‌ایم. حال باید آنچه را که در بخش اول این واحد خواندیم به یاد آوریم، این که چنین مسیری قرار نیست صرفاً توسط یک یا دو نفر تجربه شود، بلکه افراد بی شماری آن را می‌پیمایند. زیرا مسیر متعلق به جامعه است. این مطلب به این نکته دلالت دارد که جامعه نیز باید دغدغه مسئله تشویق را داشته باشد. بدین معنی که باید محیطی ایجاد شود که در آن هر عضو تشویق می‌شود به بهترین شکلی که می‌تواند خدمت کند. برای

این منظور نیز، اگر قرار باشد بعضی عادات معین ناخواسته در جامعه شکل بگیرند، هشیاری همگانی مورد نیاز است. در زیر مثال‌هایی از چنین عادات و تمایلاتی آمده است. شاید بخواهید چند مورد دیگر را نیز پیدا کنید. تمایل به

- تمرکز بر کاستی‌ها
- انتقاد از کوچک‌ترین اشتباهات
- ایجاد قوانین بیش از حد
- کم‌ارزش نمایاندن یک اقدام به سبب مقایسه آن با اقدامی دیگر
- مطرح کردن یک تجربه منفی از گذشته هرگاه اشتیاق به انجام اقدامی رو به افزایش می‌گذارد
- زیبا و بزرگ جلوه دادن روش‌های گذشته
- تسلیم بی‌تفاوتی و انفعال شدن
- 
- 
- 
- 

از جمله عاداتی که همه ما باید اجتناب از آنها را یاد بگیریم، عاداتی هستند که پدرمآبی به بار می‌آورند، خصیصه‌ای که هم فرد و هم جامعه ممکن است داشته باشد. بنابراین هر جامعه باید توجه کند که مبدا به اسم تشویق، پدرمآبی به یکی از ویژگی‌های فرهنگ آن تبدیل شود. پدرمآبی با تشویق آغاز می‌شود، اما به توان‌زدایی افراد می‌انجامد. در گروه خود گفتگو کنید که این مسئله چگونه رخ می‌دهد.

---

---

---

---

---

بسیار مفید خواهد بود اگر این بررسی درباره ماهیت تشویق را با تأمل بر بخش زیر از پیامی مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ از بیت‌العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای به پایان برید:

"تمهیدات آموزشی البته به تنهایی موجب پیشرفت نمی‌شود. اگر با فوریت ترتیباتی برای همراهی افراد در میدان خدمت صورت نگیرد مساعی در راه قابلیت‌سازی بی‌نتیجه می‌ماند. حمایت کافی به مراتب از کلمات تشویق‌آمیز فراتر می‌رود. کار کردن در کنار شخصی باتجربه در حین آماده شدن برای انجام وظیفه‌ای ناآشنا موجب افزایش آگاهی نسبت به امکانات موجود می‌شود. اطمینان به وجود کمک‌های عملی شهادت‌بخش فردی است که برای اولین بار مبادرت به شروع یک فعالیت می‌کند. به این ترتیب نفوس با کمک یکدیگر درک خود را افزایش می‌دهند، هر یک با فروتنی بینش‌های آموخته در هر زمان را با دیگران در میان گذاشته مشتاق یادگیری از همراهان خویش در طریق خدمت می‌شوند؛ تردید زایل و قابلیت حاصل می‌شود تا جایی که فرد می‌تواند مستقلاً به فعالیت پردازد و به نوبه خود دیگران را در همان مسیر همراهی کند."<sup>۱۷</sup>

## بخش سیزدهم

چند روز قبل از اولین جلسه نوجوانان که حالا تعدادشان به ده رسیده، مونیکا و رودریگو با یکدیگر ملاقات می‌کنند تا درباره دستاوردهایی که گروه در چند جلسه اول خود می‌تواند کسب کند، با هم صحبت کنند. رودریگو هیجان‌زده اما نگران است؛ او می‌خواهد تمام جزئیات جلسه اول را برنامه‌ریزی کند. او اشاره می‌کند که "مادربزرگم دوست دارد این جمله را همیشه تکرار کند که آماده نشدن یعنی آماده شدن برای باخت." مونیکا البته اهمیت تهیه یک برنامه سنجیده را درک می‌کند. در عین حال، از نیاز به انعطاف‌پذیری نیز آگاه است: در مرحله اولیه ایجاد یک گروه، عوامل غیرقابل پیش‌بینی بسیار زیادی وجود دارند و باید همان‌طور که پیش می‌آیند به آنها پاسخ دهیم. او یاد گرفته است که برنامه‌ریزی و اقدام را نمی‌توان کاملاً از یکدیگر جدا کرد. اقدام از درک مناسب مفاهیمی که آن را هدایت می‌کنند سرچشمه می‌گیرد و با کسب تجربه پیشرفت می‌کند. مونیکا پیشنهاد می‌دهد: "بیا کمی در این مورد فکر کنیم که امیدواریم در سه یا چهار جلسه اول به چه چیزی دست یابیم." رودریگو آنچه در کتاب ۵ مطالعه کرده به یاد می‌آورد و پاسخ می‌دهد: "مکالمات مان ما را قادر خواهند ساخت تا با اعضای گروه، استعدادهای‌شان، طبع و تمایلات‌شان، امیدها و اندیشه‌های‌شان آشنا شویم. و به آنها کمک خواهد کرد فعالیت‌هایی را که آغاز می‌کنند در یک کل منسجم در ذهن‌شان سازمان‌دهی کنند." مونیکا اضافه می‌کند: "پس باید مکالمات را طوری هدایت کنیم که به این هدف دست یابیم." او در ادامه اهداف مهم دیگری را ذکر می‌کند: ایجاد بینشی

مشترک و ساختن محیطی سرشار از محبت و احترام متقابل که مشخصه جلسات آینده گروه نوجوانان خواهد بود.

مونیکا و رودریگو تصمیم می‌گیرند بخشی در انتهای کتاب ۵ را با یکدیگر بررسی کنند، آن بخش که برخی مفاهیم مهم برای این مکالمات، مانند "کمال" و "خدمت"، را به اختصار بیان می‌کند و به رویکردهای ثمربخشی که خوب است مشوق اتخاذ کند اشاره دارد. آنها ضمن این بررسی، درباره اهمیت مضامین توصیه‌شده به دقت مذاکره می‌کنند. همچنین یک تصویر ذهنی از این که جلسه اول چطور پیش خواهد رفت تجسم می‌کنند. طی مشورت، مونیکا متوجه می‌شود که رودریگو روی جزئیات ریز تمرکز کرده. رودریگو مدام فکر می‌کند که نوجوانان چه سؤالاتی ممکن است بکنند و او چطور به آنها پاسخ خواهد داد؛ فهرستی از فعالیت‌ها تهیه می‌کند و سعی می‌کند برای هر یک زمانی ثابت مشخص کند. مونیکا نیازی نمی‌بیند که درباره این تمایل حتی به طور کلی، چیزی بگوید، زیرا نمی‌خواهد از اشتیاق رودریگو بکاهد. او می‌داند که با کسب تجربه، رودریگو بر نگرانی خود غلبه خواهد کرد و به وضوح ذهنی لازم برای مساعدت نوجوانان در رسیدن به پتانسیل کامل هر موقعیتی که با هم هستند دست خواهد یافت. قسمت آخر گفتگوی‌شان درباره تدارکات و مواد درسی مورد نیاز است. رودریگو تصمیم می‌گیرد یک تخته، تکه‌های بزرگ کاغذ و خودکار با خود ببرد. مونیکا پیشنهاد می‌کند که نسخه‌هایی از نسائم تأیید و خوراکی بیاورد. قبل از خداحافظی، برای نوجوانان و خانواده‌های‌شان دعا و مناجات می‌خوانند.

روز بعد، رودریگو و مونیکا به خانه سرجیو می‌روند و مورد استقبال او و والدینش قرار می‌گیرند. به زودی بقیه نوجوانان از راه می‌رسند. همه خوشحال هستند که می‌بینند پائولا با دو دوست جدید آمده؛ آنها به هدف دوازده نفر رسیده‌اند. این اولین باری است که این نوجوانان به عنوان یک گروه دور هم گرد آمده‌اند. رودریگو به گرمی به آنها خوش آمد می‌گوید و از آنها می‌خواهد فعالیت ساده‌ای انجام دهند تا مطمئن شوند که همه یکدیگر را می‌شناسند. او به هر نفر یک تکه کاغذ با تعدادی سؤال مقدماتی می‌دهد و همه پاسخ‌های‌شان را می‌نویسند؛ هر نفر کاغذ را به دوستی که سمت چپش نشسته می‌دهد و آن دوست او را به کل گروه معرفی می‌کند.

رودریگو و مونیکا با یادآوری مضامینی که هنگام دعوت هر نوجوان به گروه درباره‌شان صحبت کرده بودند جلسه را ادامه می‌دهند. رودریگو مسرور است که می‌بیند نوجوانان درباره مضمون تعالی و کمال این قدر حرف برای گفتن دارند؛ آنها درباره کاربرد این مفهوم در زندگی‌شان، یعنی در خانه، مدرسه و جامعه، مشورت و تعمق می‌کنند. مذاکره درباره این موضوع راه را برای صحبت درباره فعالیت‌هایی که دوست دارند با یکدیگر انجام دهند باز می‌کند. رودریگو همه اندیشه‌ها را روی یک

برگه کاغذ بزرگ می نویسد تا همه ببینند. مونیکا توضیح می دهد که در همه این فعالیت ها آنها برای رسیدن به کمال در جنبه های متنوع زندگی شان - جسمانی، عقلانی، هنری و روحانی - خواهند کوشید. همچنان که جلسه پیش می رود، مونیکا متوجه می شود که اعتماد به نفس رودریگو بیشتر می شود. او انتظار نداشت نوجوانان با چنین جدیتی درباره موضوعات عمیق گفتگو کنند. رودریگو احساس می کند اکنون می تواند آنها را با نوع مواد درسی که مطالعه خواهند کرد آشنا سازد. چند دقیقه ای درباره کتاب اول و مفهوم تأیید صحبت می کند. گروه به مطالعه نسانم تأیید علاقه نشان می دهد؛ رودریگو نسخه ها را توزیع می کند و در ادامه، درس اول را به سرعت و با سرور مطالعه می کنند.

زمان سریع گذشته است. رودریگو و مونیکا متوجه می شوند که نوجوانان گرچه متمرکز هستند، اما قدری خسته شده اند. به آنها خوراکی تعارف می کنند و طولی نمی کشد که برای بازی فوتبال به پارک می روند. در راه پارک، رودریگو به مونیکا خاطرنشان می کند که گروه نرسیدند تعدادی از فعالیت هایی را که او برنامه ریزی کرده بود انجام دهند. مونیکا دستاوردهای آن روز را که به هیچ وجه کم نبودند به او یادآوری می کند. او با شوخ طبعی می گوید: "تو باید جلسه اول گروه من را دو سال پیش می دیدی. عملاً هیچ چیز آن طور که امید داشتم پیش نرفت و مطمئن بودم دیگر هیچ یک از نوجوانان در جلسات حاضر نخواهد شد، اما بعد اوضاع بهتر و بهتر شد."

۱. در داستان گفته شد اقدام از درک صحیح مفاهیمی که آن را هدایت می کنند سرچشمه می گیرد. بنابراین برای پرورش قابلیت خدمت، باید بصیرت هر چه بیشتری نسبت به مفاهیم و باورهای عمیقی که به هر اقدام خدمتی شکل می دهند به دست آوریم. برخی اندیشه هایی را شناسایی کنید که درک آنها برای فردی که مسئولیت هر یک از موارد زیر را قبول می کند ضروری است:

الف. یک جلسه دعا: \_\_\_\_\_

---

---

---

ب. یک کلاس کودکان: \_\_\_\_\_

---

---

---

ج. یک گروه نوجوانان:

---

---

---

---

---

د. یک حلقه مطالعه:

---

---

---

---

---

۲. رودریگو در طول حیات خود، به طرق بسیاری به امر مبارک خدمت خواهد کرد. در این برهه از زمان، او خود را به مدت سه سال به پیشرفت یک گروه نوجوانان متعهد ساخته است؛ ضرورت دارد که او تعهدش را جدی بگیرد و انرژی لازم را بر این اقدام خدمتی متمرکز سازد. با بی میلی به خدمت مشغول شدن ثمری نخواهد داشت. در جهانی که در آن مردم به آسانی تمرکز خود را از دست می دهند و از شاخه ای به شاخه دیگر می پرند، مونیکا چطور به رودریگو کمک خواهد کرد با اشتیاق و در حد کمال، اقدام خدمتی را که انتخاب کرده انجام دهد؟ در گروه خود، برخی اندیشه هایی را که این دو می توانند در این زمینه بررسی کنند به گفتگو بگذارید و به یاد داشته باشید که مونیکا درباره اهمیت تعهد برای او سخنرانی نخواهد کرد.

---

---

---

---

---

---

---

---

۳. برخی توانایی ها، عادات و منش هایی که رودریگو در این سه سال در خود پرورش خواهد داد که او را برای یک زندگی سراسر خدمت به امر مبارک آماده خواهند کرد، چه هستند؟



---

---

---

---

---

---

---

---

۴. فرض کنید به عنوان راهنمای گروهی از دوستان که کتاب اول سلسله اصلی دروس را مطالعه می‌کنند مشغول به خدمت شده‌اید. برخی روش‌های "بودن" و "عمل کردن" را که با گذر زمان، همچنان که به خدمت در این نقش ادامه می‌دهید، درونی خواهید کرد چه هستند؟

---

---

---

---

---

---

---

---

۵. فرض کنید یک سال را به تعلیم دروس کلاس اول به گروهی از کودکان متعهد شده‌اید. برخی خصائلی که به خاطر کلاس کودکان به دست خواهید آورد یا در خود تقویت خواهید کرد چه هستند؟

---

---

---

---

---

---

---

---

۶. به نظر می‌رسد مونیکا در همراهی کردن رودریگو، قابلیت تفکر در سطح مفاهیم و اصول در عین توجه به جزئیات را به کار می‌برد. در گروه خود بحث کنید که چرا پرورش این قابلیت این قدر برای مثلاً یک هماهنگ‌کننده متمرکز بر هر یک از سه نیاز آموزشی نقشه‌های جهانی کنونی مان، یعنی کلاس‌های کودکان، گروه‌های نوجوانان و حلقه‌های مطالعه، مهم است. پیامدهای ماندن در سطح انتزاع و ارتباط ندادن اندیشه‌ها با مقتضیات واقعیتی که اقدام در آن صورت می‌گیرد چه هستند؟ اگر آن قدر دغدغه جزئیات را داشته باشیم که مکالمه فرصت نیابد به سطح مفهومی ارتقا یابد، چه پیامدهایی خواهد داشت؟

---

---

---

---

---

---

---

---

## بخش چهاردهم

در مطالعه کتاب‌های مختلف مؤسسه روحی، سعی کرده‌ایم از روابط عمیقی که "بودن" و "عمل کردن" را به هم پیوند می‌دهند غافل نشویم. وقتی هنگام یادگیری در عمل یکدیگر را همراهی می‌کنیم، باید دائماً به هر یک از این دو بُعد هر اقدام خدمتی توجه داشته باشیم. این که چه می‌کنیم و چطور یک اقدام خاص انجام می‌شود مهم است؛ برنامه‌ریزی خوب و اجرای ماهرانه به وضوح ضرورت دارند. اما به خوبی می‌دانیم که کارایی و اثربخشی یک خدمت به آنچه ممکن است کیفیات اقدام بنامیم نیز وابسته است. بنابراین همچنان که مسیر خدمت را با یکدیگر می‌پیماییم، باید همیشه هشیار باشیم که اقدام باید سرشار از محبت باشد. اقدام باید پاک باشد، هم انگیزه‌های آن و هم نفس عمل. اقدام نیازمند شهامت است. فرد باید بکوشد با حالت انقطاع اقدام را انجام دهد. بدون پشتکار دستاوردهای اندکی حاصل می‌شود. این موارد و دیگر خصایص اقدام را اغلب مورد مشورت قرار داده‌ایم. گزیده زیر از پیامی از بیت‌العدل اعظم خطاب به یک کنفرانس جوانان، تنها یکی از بیانات بسیاری است که به ما در تلاش برای زینت دادن اقدامات مان به این خصایص الهام می‌بخشد:

"اگر صداهایی که با هر نوع اشاره‌ای به امکان تغییر بنیادین مخالفند مجهودات شما را آرمان‌گرایانه تلقی کنند و مورد بی‌اعتنایی قرار دهند، مأیوس مشوید. به توان این نسل در رها کردن خود از آشفتگی‌های یک اجتماع متفرق اعتماد کنید. برای ادای مسئولیت‌های‌تان، باید شهادت نشان دهید، شهادت کسانی که به معیارهای درستکاری پایبندند، کسانی که حیات‌شان به پاکی فکر و عمل مخصّص است و عشق و ایمانی چیره‌ناپذیر هدایتگر هدف‌شان است. چون خود را وقف درمان جراحات مردمان خود کنید، قهرمانان شکست‌ناپذیر عدالت خواهید شد." (ترجمه)

در این بخش، در تعدادی از آثار مبارکه که به بحث فعلی ما مربوط هستند، به دنبال بصیرت‌های جدیدی خواهیم بود. در سوره هیکل می‌خوانیم:

"ان یا رَجُلٌ هَذَا الْهَيْكَلُ اَنَا خَلَقْنَاكَ مِنَ الْحَدِيدِ اَنْ اسْتَقَمَّ عَلٰى اَمْرِ رَبِّكَ عَلٰى شَأْنٍ تَسْتَقِيمُ بِهِ اَرْجُلُ الْمُنْقَطِعِينَ عَلٰى صِرَاطِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ. اَيَّاكَ اَنْ تَتَحَرَّكَ مِنْ عَوَاصِفِ الْبَغْضَاءِ وَ قَوَاصِفِ هُوْلَاءِ الْاَشْقِيَاءِ اَنْ اَثْبَتَ عَلٰى الْاَمْرِ وَ كُنْ مِنَ الثَّابِتِينَ. اَنَا بَعَثْنَاكَ بِاسْمِنَا الَّذِيْ بِهِ اسْتِقَامَ كُلُّ ذِي اسْتِقَامَةٍ وَ بِكُلِّ اسْمٍ مِنْ اَسْمَانِنَا الْحَسَنِيْ بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِيْنَ سَوْفَ نَبْعَثُ مِنْكَ اَرْجُلًا مُسْتَقِيمَةً يَقُومُنَّ عَلٰى الصِّرَاطِ وَ لَا يَزُلُّنَّ عَنْهُ وَ لَوْ يَحَارِبُ مَعَهُمْ جُنُودٌ يَعَادِلُ جُنُودَ الْاَوَّلِيْنَ وَ الْاٰخِرِيْنَ." (مضمون به فارسی: ای پای این هیکل، به درستی که ما تو را از آهن آفریدیم. بر امر پروردگارت مستقیم بمان، به شأنی که از استقامت تو پاهای منقطعان بر صراط پروردگار عزیز حکیمت مستقیم ماند. مبادا از طوفان‌های بغضا و حملات شدید این اشرار بلغزی. بر امر ثابت بمان و از ثابتان باش. ما تو را به اسم خود مبعوث فرمودیم، به اسمی که هر صاحب استقامتی به آن مستقیم ماند و به همه نام‌های نیک خود بین آسمان‌ها و زمین‌ها. به زودی از تو پاهای مستقیمی مبعوث خواهیم کرد که بر [پیمودن] صراط ما قیام می‌کنند و از آن نمی‌لغزند حتی اگر سپاهیان معادل سپاهیان اولین و آخرین با آنها بجنگند.)

در گروه خود درباره این که استقامت چگونه ممکن است حین همراهی یکدیگر در مسیر خدمت ظاهر شود تأمل کنید.

---

---

---

---

---

---

---

در تذکرةالوفاء، حضرت عبدالبهاء روایت زیر را نقل می‌کنند:

"روزی جناب آقا سید یحیای وحید شخص فرید روح المقربین له الفدا حاضر شدند و در بیرون نشسته جناب طاهره و رای پرده نشسته و من طفل بودم و در دامن او نشسته بودم جناب وحید آیات و احادیثی نظیر در فرید از دهان می افشاند آیات و احادیث بسیار در اثبات این امر روایت فرمود بغتة طاهره به هیجان آمد گفت یا یحیی فأت بعمل إن كنت ذا علم رشید، حالا وقت نقل روایات نیست وقت آیات بیناتست وقت استقامت است وقت هتک استار اوهام است وقت اعلاء کلمة الله است وقت جانفشانی در سبیل الله است عمل لازم است عمل."<sup>۲۰</sup>

وقتی عزم یاری یکی از دوستان را در مسیر خدمت می‌کنیم، باید آماده جانفشانی و فداکردن چه چیز (هایی) باشیم؟

---

---

---

---

---

---

---

---

حضرت بهاءالله توضیح می‌دهند:

"بیانش آفاق را به نور اتفاق منور فرماید ذکرش نار محبت برافروزد و سبحات مانعه و حجابات حائله را بسوزد یک عمل پاک عالم خاک را از افلاک بگذراند و بال بسته را بگشاید و قوت رفته را باز آرد."<sup>۲۱</sup>

درباره این که چه چیز عمل پاک محسوب می‌شود چند کلمه بگویید. چگونه ممکن است خود برترینی آن را ضایع کند؟ آیا می‌توانید مثالی از یک عمل پاک بیاورید که قوت رفته را باز آرد؟

---

---

---

---

---

---

---

---

اگر یک عمل ساده می‌تواند چنین قدرتی پیدا کند، می‌توانیم از خود بپرسیم که از طریق خطوط عمل پایدار و متمرکزی که مسیر خدمت مورد نظر ما در این واحد را تعریف می‌کنند چه قدرتی می‌تواند آزاد شود؟ حضرت عبدالبهاء به ما می‌فرمایند:

"مانند آفتاب که در مرآت مسطح تأثیر تام ندارد ولی چون در مرآت مقعر یا در مرآت محدب تجلی نماید جمیع حرارت در نقطه جمع شود و آن نقطه از آتش حرقش بیشتر است پس باید فکر را در نقطه جمع کرد تا قوه نافذه گردد."<sup>۲۲</sup>

بیت العدل اعظم در پیام رضوان ۲۰۰۸ می‌فرمایند:

"رشد پایدار در هر یک از محدوده‌های جغرافیایی منوط به خصایصی است که خدمات شما به مردم جهان را متمایز می‌سازد. افکار و اعمال شما باید آنچنان عاری از هرگونه تعصب اعم از نژادی، مذهبی، اقتصادی، ملی، قبیله‌ای، طبقاتی و یا فرهنگی باشد که حتی بیگانه نیز شما را دوست مهربان انگارد. معیار فضایل اخلاقی شما باید به قدری متعالی و زندگی شما آنچنان به پاکی و تقوی مزین باشد تا بتوانید نفوذ معنوی عمیقی بر وجدان جامعه بشری داشته باشید. فقط با اتصاف به حسن رفتار و راستی و درستی که در آثار مبارکه همگان به آن متذکر شده‌اند قادر خواهید بود در برابر مفساد بی‌شماری که آشنا و پنهان، بنیان جامعه بشری را منهدم می‌سازد ایستادگی نمایید. تنها اگر بتوانید در وجود هر انسان، اعم از غنی و فقیر، اصالت و شرافت ملاحظه نمایید قادر خواهید بود که مدافعان عدل و عدالت باشید."<sup>۲۳</sup>

در متن بالا، به برخی از نیازهای کمال و تعالی روحانی که باید در همه اقدامات مان در طلبش باشیم اشاره شده است. در گروه خود گفتگو کنید که اگر قرار است همراهی یکدیگر در مسیر خدمت یک عنصر

ریشه‌دار در فرهنگ جامعه بهائی باشد، چرا حیاتی است که در وجود هر انسان، اصالت و شرافت ملاحظه نماییم.

---

---

---

---

---

---

---

---

بیت العدل اعظم در پیامی خطاب به جوانان بهائی می‌نویسند:

"اقوال و افعال و نگرش‌ها و فقدان تعصب و شرافت شخصیت و احساس والای خدمت به دیگران، به طور خلاصه صفات و اعمالی که نقطه تمایز یک بهائی است باید به نحوی قصورناپذیر وجه مشخصه حیات درونی و رفتار بیرونی آنها و تعاملاتشان با دوست و دشمن باشد.

"باشد که از جلوه‌های پست میان‌مایگی فراتر روند و قلیل متعالی کمال را در هر آنچه آرزوی انجامش را دارند فتح کنند. باشد که بتوانند جوی را که در آن حرکت می‌کنند ارتقا دهند، چه جو کلاس‌های مدرسه و تالارهای آموزش عالی باشد، چه جو کار، چه تفریحات، چه فعالیت‌های بهائی و چه خدمات اجتماعی."<sup>۲۴</sup> (ترجمه)

در تأمل بر مفهوم تعالی و کمال، مفید خواهید یافت که درباره ماهیت میان‌مایگی کمی تفکر کنید. در بستر همراهی یکدیگر، پرهیز از میان‌مایگی نمی‌تواند به این معنا باشد که از خودمان و دیگران انتظار کامل بودن داشته باشیم و از این حقیقت چشم‌پوشیم که اقدامات ما، با اندوختن تجربه، هر چه کارآمدتر می‌شوند. کمال و تعالی روحانی صلیبت نمی‌پذیرد. به این ترتیب، میان‌مایه نبودن در پیمودن مسیر خدمت به همراه دیگران به چه معناست؟

---

---

---

---

---

---

---

---

در مناجاتی که به مناسبت نوروز نازل شده، گواهی می‌دهیم:

"انت الذي بك نصبت راية انت المحمود في فعلك و ارتفعت اعلام انت المطاع في امرك عرف  
يا الهي عبادك هذا المقام ليعلموا شرف كل امر بامرك و كلمتك و فضل كل عمل باذنك و ارادتك و  
ليروا زمام الاعمال في قبضة قبولك و امرك." ۲۵۰ (مضمون به فارسی: تو کسی هستی که پرچم "امر،  
امر تو است" به وسیله تو برافراشته شد و علم‌های "حکم از آن توست" به تو بلند شد. الها، این مقام را  
به بندگان بشناسان تا بدانند شرافت هر امری به امر تو و کلمه توست و فضل هر عملی به اجازه و  
اراده توست و تا ببینند زمام اعمال در قبضة قبول تو و امر توست.)

در پایان این بخش، از شما می‌خواهیم درباره این حقیقت عمیق که اقدام معنا و ارزش واقعی خود  
را از رضا و اذن و اراده الهی می‌گیرد تعمق نمایید. اقدامات خدمتی از محبت الله و اشتیاق به اطاعت او امر او  
سرچشمه می‌گیرند. تأمل بر این حقیقت به ما در درک این امر کمک می‌کند که "عمل بسیار جزئی در مرآت  
علم الهی اکبر از جبل مشاهده می‌شود یک قطره آب اگر در سبیلش داده شود در آن مرآت دریا دیده  
می‌شود."

## بخش پانزدهم

همراهی یکدیگر در مسیر خدمت تنها فرایندی نیست که از طریق آن، حین عمل و تأمل بر اقدام،  
دروسی آموخته می‌شود. یک ابزار کارآمد دیگر برای یادگیری، جلسه تأمل و بازنگری گروهی از دوستان است  
که در یک حوزه فعالیت یکسان به خدمت می‌پردازند.

گروه نوجوانان رودریگو تا کنون چهار بار ملاقات داشته. در طول این چهار جلسه، مونیکا او را مساعدت کرده و همزمان، خودش نیز یادگیری زیادی حاصل کرده است. مونیکا، طی گفتگویی درباره پیشرفت فردی و گروهی نوجوانان، رودریگو را در جریان یک جلسه تأمل و بازنگری می‌گذارد که همه مشوقان محدوده جغرافیایی، چه جدید و چه قدیمی، به آن دعوت هستند. رودریگو از این که می‌تواند از تجربه جوانان دیگر مانند خودش یادگیری کسب کند هیجان‌زده است.

از یک هفته قبل، آندره، هماهنگ‌کننده برنامه نوجوانان محدوده جغرافیایی، با مونیکا، لتیسیا و لوسیانو که هر یک با همراهی یک یا چند مشوق، در هماهنگ‌سازی به او کمک می‌کنند ملاقات می‌کند تا درباره محتوای جلسه تأمل و بازنگری مشورت کنند. پس از دعا و مناجات، او وضعیت کنونی همه فعالیت‌های اساسی در محدوده جغرافیایی را به اختصار توصیف می‌کند و اشاره می‌کند که برنامه تواندهی روحانی نوجوانان در ادوار اخیر پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است. سپس این چهار نفر درباره پیشرفت همه گروه‌ها، یک به یک، صحبت می‌کنند.

حین تفکر درباره محتوای جلسه، آندره به دوستان خود یادآوری می‌کند که ملاقات والدین یکی از حوزه‌های یادگیری جاری است. در واقع، یکی از دستاوردهای مرحله ترویج در دوره فعالیت کنونی، تعداد زیاد مکالمات عمیقی بوده که نه تنها با والدین نوجوانان، بلکه با والدین خردسالانی که در کلاس‌های کودکان شرکت می‌کنند و والدین جوانانی که فعالیت‌های اساسی را انجام می‌دهند، صورت گرفته است. همه آنها موافقت کردند که بخش اول جلسه باید به مشورت درباره تجربه به دست آمده در این حوزه فعالیت اختصاص داده شود، زیرا به نفع همه مشوقان خواهد بود، صرف نظر از این که گروه آنها در چه مرحله‌ای باشد. آندره می‌داند که لتیسیا، چندین مشوق را همراهی کرده و درباره ماهیت مکالمه با والدین یادگیری زیادی داشته، و از او می‌خواهد مشورت درباره این موضوع را تسهیل نماید.

سپس فهرست شرکت‌کنندگان را بررسی می‌کنند. حین این کار، متوجه می‌شوند که می‌توان مشوقان را بر اساس طول دوره تجربه‌شان، در سه گروه سازمان‌دهی کرد. آنها موضوع مرتبطی را برای هر یک از سه گروه شناسایی می‌کنند: پویایی گروه نوجوانان در مراحل اولیه شکل‌گیری، مطالعه نور/مید و به *اعداد بیندیشیم*، و پروژه‌های خدمتی. هر یک از این سه هم‌کار، مشورت درباره یکی از موضوعات را در یکی از گروه‌ها تسهیل خواهند کرد و آندره در گروه‌های مختلف حاضر خواهد شد. حدود یک ساعت پیش از پایان جلسه، گروه‌های کوچک گرد هم خواهند آمد تا بصیرت‌های‌شان را با هم در میان گذارند. آندره از لوسیانو می‌خواهد بخش نیایش جلسه را ترتیب دهد، زیرا لوسیانو عضو یک



گروه ساخت و گردآوری سرود است، سرودهایی که ماهیت جنبش روحانی در محدوده جغرافیایی را منعکس می‌سازند.

طی مشورت‌شان، فروتنی و محبت آندره سبب می‌شود مشارکت و بیان دیدگاه‌ها برای سه هم‌کار آسان شود. مونیکا توجه می‌کند که چگونه آندره از دستورالعمل دادن به آنها خودداری کرده. او مشاهده می‌کند که آندره با چه توجهی به هر کلمه که آنها به زبان می‌آورند گوش می‌دهد و با چه توانایی مشورت‌ها را هدایت می‌کند: به آنها کمک می‌کند نمادهایی را که به آن رسیده‌اند ببینند، محتواهای یادگیری را شناسایی کنند و گام‌های بعدی را که باید برداشته شود در نظر آورند.

جلسه تأمل و بازنگری با مشارکت بیش از بیست مشوق برگزار می‌شود. جلسه عمدتاً به همان صورتی که برنامه‌ریزی شده بود پیش می‌رود. روح حاکم بر جمع متعالی است و مانند آنچه همیشه در چنین جلساتی رخ می‌دهد، افزایشی چشم‌گیر در ادراک جمعی حاصل می‌شود. در پایان، آندره تاریخ مطالعه فشرده دو روزه را که به تحلیل چندین متن مورد استفاده در برنامه نوجوانان اختصاص دارد اعلام می‌کند. وقتی همه آماده رفتن می‌شوند، مونیکا فرصتی می‌یابد تا با رودریگو گفتگو کند. او از شنیدن بصیرت‌هایی که رودریگو از مشورت بین مشوقان به دست آورده خوشحال است. در راه بیرون رفتن از جلسه، آندره نزد مونیکا می‌آید و از او می‌پرسد که آیا می‌تواند زمان بیشتری برای توسعه برنامه نوجوانان در محدوده بگذارد و علاوه بر رودریگو، دو مشوق دیگر را نیز که به تازگی وارد این عرصه خدمت می‌شوند همراهی کند. او با سرور می‌پذیرد.

۱. در برنامه‌ریزی جلسه تأمل و بازنگری، آندره و هم‌کارانش بر مبنای دانش دست‌اول خود از پیشرفت گروه‌های نوجوانان در محدوده جغرافیایی‌شان عمل می‌کنند. بدون چنین دانشی که تنها از طریق همراهی تک تک مشوقان محدوده می‌شد به آن دست یافت، این جلسه چقدر می‌توانست کارآیی داشته باشد؟

---

---

---

---

---

---

---

---

۲. یک جلسهٔ تأمل و بازنگری، وقتی به خوبی برنامه‌ریزی شود، فضایی فراهم می‌کند که در آن درس‌هایی که تعداد فزاینده‌ای از افراد مشغول به خدمت در یک حوزهٔ فعالیت مشترک یاد می‌گیرند با هم می‌آمیزد؛ هر شرکت‌کننده به پیشرفت جمعی در ادراک کمک می‌کند. راه‌های دیگری نیز برای کسب دانش وجود دارد. برای مثال، آندره می‌توانست از هر یک از هم‌کاران بخواهد که گزارشی تهیه کنند و هر هم‌کار نیز می‌توانست از مشوقان مرتبط با خود بخواهد گزارش‌های فردی بنویسند. همهٔ این دانسته‌ها را می‌شد متعاقباً با طرح خاصی با هم آمیخت. گزارش‌ها و توضیحات مکتوب البته در یک فرایند یادگیری جای خود را دارند. اما آیا برای مثال یک گزارش مکتوب از رودریگو به مونیکا می‌توانست جایگزین مناسبی برای مکالمات آنها باشد؟ آیا گردآوری و مطالعهٔ گزارش‌ها می‌تواند جای جلسات تأمل میان مشوقان را بگیرد؟ چه چیزی در ماهیت یک جلسهٔ تأمل و بازنگری وجود دارد که آن را به چنین ابزاری ضروری برای یادگیری تبدیل می‌کند، ابزاری که می‌تواند در متن هر یک از سه نیاز آموزشی به کار رود؟

---

---

---

---

---

---

---

---

۳. برخی از مضامین مشورت در جلسات تأمل و بازنگری برای معلمان کلاس‌های کودکان در محدودهٔ جغرافیایی شما چه بوده است؟

---

---

---

---

---

---

---

---

۴. برخی از مضامین مشورت در جلسات تأمل و بازنگری برای کسانی که به عنوان راهنمای سلسله اصلی دوره‌های مؤسسه در محدوده جغرافیایی شما خدمت می‌کنند چه بوده است؟

---

---

---

---

---

---

---

---

۵. برای یادگیری باید یک یا چند موضوع داشته باشیم. گفتن این که "می‌خواهیم یاد بگیریم" معنای چندانی ندارد، مگر آن که موضوع یا حداقل حوزه یادگیری را معین کنیم. برای هر یک از فعالیت‌های زیر، حوزه‌های یادگیری معینی اشاره شده و از شما دعوت می‌شود به این فهرست مواردی اضافه کنید:

الف. در رابطه با تربیت روحانی کودکان، لازم است یاد بگیریم که

- معلمان شناسایی کنیم
  - معلمان آموزش دهیم
  - حمایت مداوم برای معلمان فراهم کنیم
  - کلاس‌ها را بر اساس پایه‌های درسی سازمان‌دهی کنیم
- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 

ب. در رابطه با تواندهی روحانی نوجوانان، لازم است یاد بگیریم که

- جوانان را در مکالماتی وارد کنیم که به آنها انگیزه خدمت به عنوان مشوق را بدهد
- کیفیت آموزش ارائه شده به مشوقان را افزایش دهیم

- در سترهای متفاوت، گروه‌های نوجوانان تشکیل دهیم

- گروه‌های نوجوانان را به مدت سه سال حفظ کنیم

- حمایت مداوم برای مشوقان فراهم کنیم

- پروژه‌های خدمتی را به یک ویژگی جدایی ناپذیر برنامه تبدیل کنیم

ج. در رابطه با مطالعه سلسله اصلی دوره‌های مؤسسه، لازم است یاد بگیریم که

- تعداد فزاینده‌ای از افراد را به پیوستن به حلقه‌های مطالعه دعوت کنیم

- حلقه‌های مطالعه را با کمپین‌های مؤسسه تکمیل کنیم

- کیفیت مطالعه هر کتاب مؤسسه را افزایش دهیم

- به شرکت‌کنندگان در انجام تمریناتی که در هر کتاب پیشنهاد شده کمک کنیم

- حمایت مداوم برای راهنمایان فراهم کنیم

۶. یادگیری در حوزه‌های اشاره‌شده در بالا در سطوح مختلف صورت می‌گیرد. در سطح محدوده جغرافیایی، گروهی از دوستان متعهد که به اقدام فشرده مشغول‌اند یادگیری فزاینده‌ای کسب می‌کنند. آنها در پرتو تعالیم و هدایات بیت‌العدل اعظم مستمراً درباره اقدام خود تأمل می‌نمایند و به تدریج درس‌هایی را که آموخته‌اند با وضوح فزاینده ابراز می‌کنند. در این بستر می‌توان گفت که "محدوده جغرافیایی در حال یادگیری است". اما باید به یاد داشته باشیم که با پیشرفت این فرایند، هر فرد جدیدی که مسئولیت فعالیت را بر عهده می‌گیرد باید "آنچه محدوده جغرافیایی می‌داند یاد بگیرد" و در عین حال به یادگیری بیشتر کمک کند. فرهنگی که در آن افراد یکدیگر را در میدان خدمت همراهی می‌کنند و گروه‌ها در فواصل منظم در جلسات تأمل و بازنگری گرد هم می‌آیند، پیشرفت

مستمر فرایند را ممکن می‌سازد. مانند همیشه، کارآیی فرایند به خصایص فرد، جامعه و مؤسسات وابسته است. برای مثال، فردی که هر گاه نمی‌تواند کاری را انجام دهد می‌گوید "این کار را نمی‌توان کرد"، موانعی در مسیر یادگیری ایجاد می‌کند. به همین ترتیب، اگر مؤسسه‌ای چنان غرق تفکر نظری انتزاعی شود - گرچه این نوع تفکر در مشورت بهائی در سطوح مختلف، جایگاهی دارد - که نیازهای یک فرد را در آغاز پیمودن مسیر خدمت فراموش کند، در بسیج کردن منابع انسانی لازم برای رشد دائمی جامعه به مشکل برخورد خورد. همین‌طور، جامعه‌ای که در آن نشانی از پدرمآبی وجود داشته باشد، توجه کمی به صداهای افرادی که در ابتدای راه هستند خواهد کرد و در نتیجه، جریان دانش را سد خواهد کرد. این سه مثال منفی صرفاً به این دلیل آورده شد تا بر لزوم اتخاذ عادات و رویکردهای مناسب تأکید شود، تا به این ترتیب دانش گردآمده در میان سه معجری نقشه در یک محدوده جغرافیایی جریان یابد. شاید تصمیم بگیری که در گروه خود برخی خصایص مثبتی که این جریان را ممکن می‌سازد شناسایی و درباره‌شان گفتگو کنید.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

۷. البته باید به خاطر داشته باشیم که فرایند یادگیری مورد نظر ما منحصر به سطح محدوده جغرافیایی نیست. مؤسسات منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی، در سطوح مربوطه، دانش تولید شده در میان مردم را سیستماتیک می‌نمایند. متعاقباً، دوستان در هر محدوده جغرافیایی از یادگیری‌هایی که در سطح جهانی حاصل می‌شود بهره می‌برند. شاید گروه شما بخواهد اکنون به حوزه‌های یادگیری که در تمرین ۵ شناسایی شد بازگردد و چند کلمه در این باره صحبت کند که محدوده جغرافیایی که شما با آن آشنا هستید، در این لحظه، درباره هر یک از آن حوزه‌ها چه چیز "می‌داند".

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## بخش شانزدهم

داستان ما تا اینجا دو نوع موقعیت را که در آن فرهنگ یادگیری خود را ظاهر می‌سازد به تصویر کشیده‌است: به شکل همراهی دو دوست با یکدیگر در میدان عمل و گروهی از افراد مشغول به خدمت در یک حوزه فعالیت که برای تأمل و بازنگری درباره تجربه خود گرد هم می‌آیند. در این بخش، مسئله یادگیری را در یک بستر خیلی عام بررسی خواهیم کرد و می‌دانیم که بعداً در این واحد به این مضمون بازخواهیم گشت. در دهه‌های اخیر، بیت‌العدل اعظم در زمینه حالت یادگیری که باید وجه مشخصه جامعه حین دنبال کردن نقشه‌های جهانی متوالی باشد، هدایات بسیاری به عالم بهائی عنایت کرده‌اند. بیایید چند بند از یکی از پیام‌های بیت‌العدل اعظم خطاب به بهائیان ایران را که پویایی یادگیری را در بستر کلی اصلاح عالم و کمک به تأسیس یک تمدن همواره رو به پیشرفت توصیف می‌کند بررسی کنیم:

"بنا بر این مشغله ذهنی جامعه جهانی بهائی آنست که چگونه می‌تواند به بهترین وجه به فرایند تمدن‌سازی کمک کند. این جامعه دو بُعد در کار خود مشاهده می‌کند: بُعد اول مربوط به رشد و تکامل خود و بُعد دوم مربوط به کیفیت تعاملش با اجتماع می‌باشد.

"در زمینه رشد و تکامل جامعه خود، بهائیان در شرایط اجتماعی مختلف در سراسر جهان خاضعانه تلاش می‌کنند تا الگویی برای فعالیت و ساختارهای اداری مربوطه فراهم آورند که اصل وحدت نوع بشر و معتقدات زیربنایی این اصل را تجسم می‌بخشد. برای روشن شدن موضوع در اینجا فقط چند فقره از این اعتقادات بیان می‌گردد: روح انسانی عاری از جنسیت، نژاد، قومیت و طبقه می‌باشد و این حقیقتی است که هر نوع تعصب را غیر قابل قبول می‌نماید مخصوصاً تعصب نسبت به زنان که آنان را از پرورش استعدادهای ذاتی خود و از اشتغال پا به پای مردان در میدان گوناگون باز می‌دارد؛ ریشه اصلی تعصب جهل است که به کمک فرایندهای آموزشی می‌تواند بر طرف گردد، فرایندهایی که دانش را در اختیار تمامی نوع بشر قرار می‌دهد و آن را کالایی منحصر به اقلیتی مرفه نمی‌داند؛ علم و دین دو نظام مکمل دانش و عمل‌اند که انسان از طریق آنها دنیای اطراف خود را درک می‌کند و به وسیله آنها تمدن را به پیش می‌برد؛ دین بدون علم به سرعت به سطح خرافات و تعصبات تنزل می‌یابد و علم بدون دین به ابزاری برای مادی‌گرایی خشک تبدیل می‌گردد؛ مادام که مصرف‌گرایی به منزله افیون روح انسان عمل می‌نماید دسترسی به رفاه واقعی که ثمره انسجامی پویا بین نیازهای مادی و معنوی زندگی است روز به روز دشوارتر خواهد شد؛ عدالت که یکی از قوای روح انسان است فرد را قادر به تشخیص حقیقت از دروغ می‌سازد و جستجوی واقعیت را هدایت می‌کند، جستجویی که برای رهایی از عقاید خرافی و سنت‌های پوسیده‌ای که راه یگانگی را مسدود می‌سازند ضروری است؛ عدالت وقتی که به نحوی صحیح در مسائل اجتماعی اعمال گردد مهم‌ترین وسیله برای ایجاد وحدت و یگانگی است؛ هر کسب و کاری که با روح خدمت به هم‌نوع انجام شود به منزله عبادت و ستایش خداوند است. تبدیل این قبیل آرمان‌ها به واقعیت، ایجاد تقلیب در افراد و پی‌ریزی ساختارهای اجتماعی مناسب مطمئناً کار کوچکی نیست. با این حال جامعه بهائی یک فرایند یادگیری درازمدت را که لازمه این مشروع عظیم است با جدیت تمام دنبال می‌کند، مشروعی که مشارکت تعداد فزاینده‌ای از مردم از هر طبقه و از هر گروه بشری را استقبال می‌نماید."<sup>۲۶</sup>

در قسمت زیر، بیت‌العدل اعظم برخی از سؤالاتی را که فرایند یادگیری باید به آنها پردازد شناسایی می‌فرماید:

"البته بسیاری مسائل که این فرایند یادگیری که اکنون در جوامع مختلف بهائی در هر گوشه از جهان در جریان است باید به آنها پردازد از جمله: گردهم‌آوری مردمانی از پیشینه‌های مختلف در

محیطی دور از خطر مداوم نفاق و اختلاف، محیطی که به روح ستایش و نیایش متمایز است، ترک ذهنیت تفرقه‌اندازی را تشویق می‌کند، موازین بالاتری از وحدت فکر و عمل را ترویج می‌دهد و صمیمیت و هم‌کاری قلبی را سبب می‌گردد؛ توان‌دهی به گروه‌های فزاینده‌ای از مردان و زنان به نحوی که از خمودت و بی‌تفاوتی به در آیند و به فعالیت‌هایی اشتغال ورزند که به پیشرفت روحانی، اجتماعی و فکری‌شان منجر می‌شود؛ اداره امور جامعه‌ای که عاری از وجود طبقه روحانیون مدعی برتری و امتیاز است؛ کمک به جوانان تا در عبور از این مرحله حساس و پرمخاطره زندگی راه خود را بیابند و توانمند شوند تا انرژی سرشار خود را در مسیر پیشبرد تمدن به کار برند؛ ایجاد فضایی سازنده و منسجم در محیط خانواده تا به رفاه مادی و معنوی بیانجامد، در کودکان و جوانان احساس بیگانگی نسبت به 'دیگران' القا نشود و فکر بدرفتاری با 'دیگران' تقویت نگردد؛ فراهم ساختن تمهیداتی برای یک فرایند مشورتی که در آن تصمیم‌گیری از افکار و آرای متنوع بهره‌مند گردد، فرایندی که در نقش اقدامی جمعی در جستجوی واقعیت و فارغ از دل‌بستگی به دیدگاه‌های شخصی، اطلاعات مبتنی بر تجارب عملی را ارج نهد، آنچه را که صرفاً یک نظر و یک رأی است به مقام واقعیت ارتقا ندهد و حقیقت را وجه المصالحة توافقی بین گروه‌های مخالف ذی‌نفع نسازد. برای بررسی بهتر این مسائل و موضوع‌های بی‌شمار دیگری که مسلماً پیش خواهد آمد، جامعه بهائی شیوه عمل معینی اتخاذ کرده است که ویژگی آن اقدام، بازنگری، مشورت و مطالعه‌ای است که نه تنها مراجعه مداوم به آثار امری بلکه تجزیه و تحلیل علمی الگوهای حاصله را نیز در بر می‌گیرد. سؤالاتی نیز از قبیل اینکه چگونه می‌توان یک چنین روش یادگیری در حین عمل را ادامه داد، چگونه می‌توان مشارکت تعداد فزاینده‌ای از افراد را در تولید و به کارگیری دانش مربوطه تضمین نمود، و چگونه می‌توان ساختارهایی برای استفاده سیستماتیک از تجربیات حاصله در سراسر جهان و برای ارائه و انتقال درس‌های آموخته شده طرح نمود، از جمله مسائلی است که مورد کاوش و تحقیق مستمر جامعه بهائی می‌باشد.<sup>۲۷</sup>

شایسته است دو قسمتی که در بالا نقل شد مورد تأملاتی مستمر قرار گیرد. برای کاوش و بررسی امروزمان، این دو بار دیگر در گروه خود بخوانید؛ سپس برخی از نکات اصلی را شناسایی و درباره‌شان گفتگو کنید. وقتی احساس کردید درک خوبی از محتوای این دو قسمت دارید، به قسمت دوم مراجعه کنید و دوباره به سؤالاتی که بیت العدل اعظم به عنوان مثال‌هایی از موضوعات یادگیری در این سطح از عمومیت ارائه می‌فرمایند نگاه کنید، سؤالاتی که بهائیان "در شرایط اجتماعی مختلف" در سراسر جهان "خاضعانه" مورد کاوش و تحقیق قرار داده و می‌دهند. فرایند یادگیری‌ای را در نظر بگیرید که حال در محدوده جغرافیایی



نسخه پیش از چاپ - نسخه ۱.۲.۲.PP.PV (ترجمه مقدماتی) - برای توزیع نیست

محل سکونت شما یا محدوده‌ای که با آن به خوبی آشنا هستید در جریان است. در این محدوده چطور به هر یک از سؤالات پرداخته می‌شود

- در زمینه گردهم‌آوری مردمانی از پیشینه‌های مختلف: \_\_\_\_\_

---

---

---

---

- در زمینه اداره امور جامعه: \_\_\_\_\_

---

---

---

---

- در زمینه تواندهی جوانان: \_\_\_\_\_

---

---

---

---

- در زمینه فضایی سازنده و منسجم در محیط خانواده: \_\_\_\_\_

---

---

---

---

- در زمینه تصمیم‌گیری: \_\_\_\_\_

---

---

---

---

## بخش هفدهم

در هفته‌های پس از جلسه تأمل و بازنگری مشوقان، اوضاع به نحو غیرمنتظره‌ای تغییر می‌کند. ابتدا، رودریگو که سرشار از اشتیاق است، انرژی زیادی را صرف گروه نوجوانانی که با آن کار می‌کند و حالا به خوبی مستقر شده می‌نماید. پنج جلسه با حضور همه گروه در سه هفته برگزار می‌شود و او ترتیبی می‌دهد که مکالماتی غیررسمی با تقریباً همه اعضای گروه داشته باشد و پیوندهای عمیق‌تر دوستی را تقویت کند. مطالعه نسائم تأیید به سرعت پیش می‌رود و گروه شروع به تنظیم یک پروژه خدمتی می‌کنند. سپس ناگهان رودریگو یکی از جلسات گروه را لغو می‌کند و جلسه بعدی را هم از دست می‌دهد. مونیکا که نگران دوستش است سعی می‌کند او را ببیند، اما رودریگو بهانه‌ای می‌آورد تا از دیدن او سر باز زند. مونیکا دلواپس است و ذهنش پر از افکار ناخوشایند شده. "باید این روز را می‌دیدم. چطور توانستم خام آن صحبت‌های مشتاقانه شوم؟ شاید او فقط جذب این فکر شده بود که کار جدیدی بکند و حالا هیچ‌جانش از بین رفته. یا شاید من اشتباهی کردم. خیلی به او سخت گرفتم؟ نه، برعکس، نتوانستم حس وظیفه‌شناسی او را تقویت کنم. اما نکند او اصلاً استعداد خدمت کارآمد به عنوان مشوق را نداشته؟ باید زودتر نشانه‌ها را تشخیص می‌دادم. آیا کاملاً درباره میزان خلوص او اشتباه می‌کردم؟" افکاری مانند این به ذهنش می‌آیند، انگار از جایی نامعلوم؛ اما او در برابر این افکار برای خود استدلال می‌آورد و نهایت سعی خود را می‌کند تا همان لحظه که چنین افکاری ایجاد می‌شوند آنها را دور بریزد. شواهد بسیاری از خلوص رودریگو و شوقش به خدمت وجود دارد. گفتگویی با آندره به او اطمینان دوباره می‌دهد؛ او عزم کرده اعتمادش را به دوستش از دست ندهد. دعا و مناجات کمک می‌کند، بنابراین مونیکا دعا می‌کند و دعا می‌کند.

یک هفته می‌گذرد. طی این هفته مونیکا چندین بار سعی می‌کند با رودریگو ملاقاتی کند و یک مکالمه صمیمانه داشته باشد. یک هفته دیگر می‌گذرد و رفتار رودریگو هنوز غیرصمیمانه است. پاسخ معمولش این است: "با دوستانم می‌گردم." بعد، این داستان به همان سرعتی که شروع شد، تمام می‌شود. یک روز، در بخش اجتماعی ضیافت نوزده روزه، مونیکا متوجه می‌شود که او دوباره همان رودریگوی قبلی شده است. او با اندکی تأسف، ولی نه خیلی آشفته به مونیکا می‌گوید: "من آماده‌ام." می‌گوید: "برایم خیلی بار سنگینی بود. نمی‌دانستم با این همه مسئولیت چه کنم. مدتی استراحت کردم. اما نگران نباش. حس می‌کنم دوباره قوی هستم." رودریگو که می‌بیند مونیکا خوشحال، اما گیج است، لبخند می‌زند و با روی خوش به او یادآوری می‌کند: "می‌دانی که، من فقط هفده سال دارم."

بحران‌هایی از این نوع، وقتی مسیر خدمت را در همراهی دیگران می‌پیمایم، به احتمال قوی در زندگی مان رخ می‌دهند. در بخش بعدی، سعی می‌کنیم ماهیت برخی نیروها - از جمله سوءظن و بیگانگی - را که احتمالاً در چنین زمان‌هایی بروز می‌کنند و قوایی که باید آنها را بی‌اثر سازد بررسی کنیم. در اینجا، بیاید به چند سؤال مربوط به تلاش‌های هماهنگ‌کنندگان مؤسسه و هم‌کاران‌شان در کمک به دوستان‌شان برای انجام خدمات پردازیم.

۱. همان‌طور که انتظار می‌رفت، مونیکا حین مواجهه با بحرانی که پیش‌بینی نکرده بود، نزد آندره رفت و از او مشورت خواست. فکر می‌کنید آندره چه توصیه‌ای کرد که به او اطمینان دوباره داد؟

---

---

---

---

---

۲. برای مساعدت دیگری، باید بتوانیم خود را به جای او بگذاریم. برای همه ما، مسئولیت‌گاه طاقت‌فرسا می‌شود. در این مورد، رودریگو به نحوی توانست به تنهایی بحران را پشت سر بگذارد. اگر به مونیکا اعتماد می‌کرد، او می‌توانست کمکش کند. اگر این موقعیت پیش آمده بود، مونیکا احتمالاً به او چه می‌گفت؟

---

---

---

---

---

۳. مونیکا حکیمانه عمل کرد و رودریگو را در تنگنا قرار نداد. او از رودریگو خواست با هم ملاقات داشته باشند، اما او را مجبور به سؤال و جواب نکرد. وقتی یکدیگر را همراهی می‌کنیم، باید ایمان داشته باشیم که هر یک از ما اشتیاق و توانایی غلبه بر بحران‌ها را داریم. در عین حال، مواقعی هستند که به حمایت و پندهای یک دوست نیاز داریم. با اعضای دیگر گروه خود بررسی کنید چطور

باید تصمیم بگیریم که آیا دوست خود را تنها بگذاریم تا مشکلات شخصی خود را حل کند یا به او پیشنهاد هم‌صحبتی و مساعدت بدهیم.

---

---

---

---

---

۴. کاملاً طبیعی است که در آغاز هر اقدام خدمتی، هیجان زیادی احساس کنیم. اما برای استمرار اقدام آنچه نیاز است تعهدی مبتنی بر درک هر چه عمیق‌تر از بینشی است که حضرت بهاءالله برای نوع انسان دارند. در این داستان، مرد جوانی را می‌بینیم که با غلبه بر یک بحران کوچک، تعهد خود را مستحکم می‌کند. در پیمودن مسیر خدمت با هم‌دیگر، چگونه می‌توانیم به هم کمک کنیم تا هیجان اولیه به تعهدی مستحکم تبدیل شود؟

---

---

---

---

---

۵. در تلاش‌های مان برای کمک به یک دوست در انجام یک اقدام خدمتی، باید از انواع مشکلاتی که ممکن است به آسانی رخ دهند آگاه باشیم. یک نظر منفی از یکی از والدین ممکن است فردی را که به عنوان معلم کودکان خدمت می‌کند دل‌سرد کند، رفتار تنها یک نوجوان می‌تواند یک مشوق را آشفته سازد و یک راهنما ممکن است از دیدن به ظاهر عدم اشتیاق یک یا دو شرکت‌کننده حلقه مطالعه دل‌سرد شود. در گروه خود بحث کنید که برخی از جنبه‌های چالش‌انگیزتر هر یک از اقدامات خدمتی زیر چه می‌تواند باشد:

الف. تعلیم یک کلاس کودکان:

---

---

---

---

---

---

ب. خدمت به عنوان مشوق یک گروه نوجوانان: \_\_\_\_\_

---

---

---

---

---

ج. خدمت به عنوان راهنمای یک حلقه مطالعه: \_\_\_\_\_

---

---

---

---

---

۶. احتمالاً موافقید که نحوه مواجهه مونیکا با رودریگو در پایان قسمت بالا اهمیت بسیاری خواهد داشت. در چند جمله بنویسید که به نظر شما چه واکنشی مناسب است.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## بخش هجدهم

وقتی با یکدیگر مسیر خدمت را می‌پیماییم، قلوبمان باید از احساسات رقیقه نسبت به یکدیگر سرشار باشد. این که ما درباره‌ی دوستانمان چه فکر می‌کنیم بر آنها تأثیر دارد، حتی اگر افکارمان به صراحت در کلام یا عمل بروز نکند. بنابراین تلاش مداوم لازم است تا ذهن را از کوچک‌ترین نشانه‌های سوءظن و مکر، حقارت و اهانت، میل به سلطه و نیز از هر شائبه‌ی پدرمآبی پاک کنیم. در داستانی که در بخش قبل بیان شد، گاهی سوءظن به ذهن مونیکا می‌آمد، اما او هر بار توانست این حس را به سرعت از خود دور کند. در این بخش بیاید از حوزه‌ی داستان فراتر رویم و برخی از افکار و احساساتی را که حین همراهی یکدیگر در میدان خدمت تجربه می‌کنیم به طور کلی بررسی نماییم.

حضرت عبدالبهاء به ما آموخته‌اند که در طریق محبت و همکاری حرکت کنیم و معیاری که ایشان پیش روی ما می‌گذارند به واقع والاست. آن حضرت ضمن یادآوری این بیان حضرت بهاءالله که همه ما بار یک داریم و برگ یک شاخسار، توضیح می‌فرمایند:

"پس باید یکدیگر را در نهایت قوت نگهداری نمایند و حیات جاودانی طلبند پس احبای الهی باید در عالم وجود رحمت ربّ ودود گردند و موهبت ملیک غیب و شهود."<sup>۲۸</sup>

حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات خود، به مفهوم یگانگی نوع انسان این‌گونه اشاره می‌فرمایند:

"هر انسانی بنده‌ی خداوند است. همه با قدرت و مرحمت الهی خلق شده و پرورش یافته‌اند؛ همه از مواهب یک شمس حقیقت بهره‌مندند، همه از چشمه‌ی رحمت بی‌منتهای الهی سرمستند و همه در نظر محبت او برابر و بندگان اویند. او به همه بخشنده و مهربان است، پس نباید نفسی بر دیگری فخر فروشد، نباید در برابر دیگری غرور و برتری از خود نشان دهد. نباید به نظر حقارت و اهانت به دیگری بنگرد و نباید هم‌نوع خود را محروم و مظلوم دارد."<sup>۲۹</sup> (ترجمه)

بنابراین باید به یاد داشته باشیم که ما مستغرق در بحر رحمت الهی، با یکدیگر مسیر خدمت را می‌پیماییم. در این مسیر، از ما خواسته شده "رحمت پروردگار" باشیم و "موهبت آمرزگار". از ما انتظار می‌رود "معین هر مظلومی" باشیم و "مجیر هر محروم". باید "به حقیقت مهربان" باشیم "نه به ظاهر و صورت"؛ "به اعراض و انکار" اهمّیت ندهیم؛ حتی به "استکبار و ظلم و عدوان" اعتنا نکنیم. حضرت عبدالبهاء ما را تشویق می‌فرمایند که "سبب محبت آسمانی [گردیم] و الفت روحانی [بخشیم]". این است نصیحت ایشان به همه ما که "دوستان را جانفشانی کنند و دشمنان را کامرانی خواهند".

وقتی برای دستیابی به چنین حالتی از بودن و زیستن می‌کوشیم، البته از نیروهای مخالفی که از هر سو به ما حمله می‌کنند آگاهیم. حضرت عبدالبهاء وقتی احباً را به قلّه‌های شرافت فرا می‌خواندند، متوجه این نیروها بودند. ایشان فرمودند: "جهان را ظلام عناد فرا گرفته و گردباد بغضا احاطه نموده". در بیان دیگری اشاره فرمودند: "ظلمت جفا احاطه نموده و نورانیت وفا پنهان گشته". در نامه‌ای از بیت‌العدل اعظم به یک محفل روحانی ملی آمده که علت اصلی رنج "که می‌توان در هر سو مشاهده نمود، فساد اخلاق انسانی و شیوع تعصب، سوء ظن، نفرت، خیانت در امانت، خودخواهی و جور و استبداد در میان مردمان است." (ترجمه) پس در عرصه خدمت، باید نهایت تلاش خود را بکنیم تا در برابر بسیاری از عادات ذهنی و قلبی که در اجتماع امروز شایع هستند مقاومت کنیم.

شاید این هشدار حضرت عبدالبهاء را به یاد داشته باشید که می‌فرمایند افراد به بیگانگی تمایل دارند: "نفوس استیحا ش دارند". ایشان درباره بیگانگی به ما می‌فرمایند که:

"تنافر و تخالف اشیا سبب انقلاب و اضمحلالست از تآلف و تجاذب جمیع کائنات ذی حیات مثل نبات و حیوان و انسان تحقق یابد و از تخالف و تنافر انحلال حاصل گردد و اضمحلال رخ بگشاید."<sup>۳۰</sup>

درباره علل بیگانگی، به فرموده حضرت عبدالبهاء، آنچه به جدایی می‌انجامد "منبعث از اغراض نفس" است. (ترجمه) و برای غلبه بر این حالت، به ما فرموده‌اند:

"اگر محبة الله نبود اختلاف و انشقاق بدل به ائتلاف نمیگشت اگر محبة الله نبود بیگانگی به بیگانگی منتهی نمیشد اگر محبة الله نبود اغیار یار نمیشد و محبت عالم انسانی اشراقی از محبة الله و جلوه ای از فیض موهبة الله است."<sup>۳۱</sup>

با در نظر داشتن این نصوص، شاید اکنون گروه شما بخواهد به بحثی درباره علل بیگانگی میان دوستان پردازد. چرا روابط صمیمانه الفت و دوستی به ناگاه به سردی تخالف تبدیل می‌شوند؟ برخی از گام‌های عملی که از "دور افتادگی" دوستان جلوگیری می‌کند چه هستند؟

---

---

---

---

---

---

بیگانگی اغلب با سوءظن همراه است. نصیحت حضرت بهاءالله به ما چنین است: "اجعلوا اقوالکم مقدسه عن الزیغ و الهوی و اعمالکم منزهه عن الریب و الریا" (مضمون به فارسی: اقوال خود را مقدس از شبهات و هوی و اعمال خود را منزّه از شک و ریا نمایید). البتّه از ما نمی‌خواهند ساده‌لوح باشیم و به راحتی طعمه نیرنگ شویم. چشم روحانی باید بتواند حقیقت را از دروغ تمییز دهد. اما همواره شک کردن به انگیزه‌های افراد، دیدن تمایلات خودخواهانه وقتی به واقع وجود ندارد، احساس این که آلت دست قرار گرفته‌ایم در حالی که به واقع مساعدت محبت‌آمیز و خالصانه دریافت می‌کنیم، همه این‌ها نشانه‌های یک فرهنگ شکاکیت است که حتی امکان پاکی و خلوص و از خودگذشتگی را انکار می‌کند. شاید گروه شما بخواهد ماهیت برخی افکار و احساسات را که ذهن را پذیرای سوءظن‌های بی‌اساس می‌کنند بررسی کند. برای مثال می‌توانید از خود بپرسید که آیا این تمایل در افراد انسانی وجود دارد که برخی مقاصد نامطلوب خود را به دیگران نسبت دهند؟ سؤال دیگری که می‌توانید بپرسید آن است که چطور خودمحقق بینی قضاوت‌های غلط یک ذهن شکاک را تقویت می‌کند.

---

---

---

---

---

---

---

مشورت‌های مان در این بخش باید شما را متقاعد کند که در همراهی یکدیگر در مسیر خدمت، باید خود را از خطرات بیگانگی و سوءظن حفظ کنیم، نه فقط به صورت انتزاعی، بلکه در شیوه ارتباط و مرادمان با یکدیگر. باید بکوشیم به دنبال نکات منفی نباشیم و روی آنها تمرکز نکنیم. درمان تلخی، شیرینی فراوان است. پس چشم به آینده جامعه‌ای که سعی در بنایش داریم می‌دوزیم و در این باور محکم می‌مانیم که با رحمت خدا، قوای نهفته هر یک از بندگان‌ش تحقق خواهد یافت. بیان زیر از بیت العدل اعظم اشاره می‌کند که چه چیز نیاز است:

"ایمان به توانمندی هر فرد مشتاق به خدمت از طرف کسانی که مایلند احبّا را به مشارکت جدی در اجرای نقشه ترغیب نمایند حائز اهمیت بسیار خواهد بود. محبت بدون قید و شرط و فارغ از



حس برتری برای کسانی که می‌خواهند به احباً کمک کنند تا تردید را به شهادت ناشی از ایمان به خدا و هیجان‌طلبی را به تعهد نسبت به اقدام درازمدت تبدیل نمایند از ضروریات خواهد بود.<sup>۳۲</sup>

بیان زیر از حضرت بهاء‌الله در روح ما طنین‌انداز است:

"از حق جلّ جلاله بخواهید که به لذت اعمال در سبیل او و خضوع و خشوع در حبّ او مرزوق شوید از خود بگذرید و در سایرین نگرید منتهای جهد را در تربیت ناس مبذول دارید امری از حق پوشیده نبوده و نیست اگر به رضای حق حرکت نمایند به فیوضات لا تنهایی فائز خواهند شد اینست کتاب مبین که از قلم امر ربّ العالمین جاری و ظاهر شد تفکروا فیما نزل فیہ و کونوا من العالمین.<sup>۳۳</sup>"

## بخش نوزدهم

دفعه بعدی که آندره با مونیکا و دو هم‌کار نزدیک دیگر خود دیدار می‌کند، آنها را به جلسه‌ای دعوت می‌کند که لوآ، هماهنگ‌کننده مؤسسه برای کلّ منطقه، در حال سازمان‌دهی آن است. هماهنگ‌کننده کلاس‌های کودکان و هماهنگ‌کننده حلقه‌های مطالعه محدود جغرافیایی نیز همراه چند تن از هم‌کاران خود حاضر خواهند بود. هدف جلسه مشورت درباره پیشرفت مجهود جمعی‌شان است. از آنجایی که محدوده آنها یکی از چند محدوده مرتبط با یک جایگاه نشر یادگیری درباره برنامه نوجوانان در آن حوالی است، از فرد کاردان، آلفارو، نیز دعوت شده به آنها بیوندد. این جایگاه تا امروز به مدت چند سال است که مشغول فعالیت بوده و آندره و دیگر هماهنگ‌کنندگان مسئول برنامه نوجوانان که در محدوده‌های دیگر منضم به این جایگاه خدمت می‌کنند، گاه در سمینارهایی آموزشی در آنجا شرکت می‌کنند. مونیکا از شرکت در این جلسه با لوآ و آلفارو هیجان‌زده است، زیرا از مکالماتی که اخیراً با آندره داشته می‌داند که این نشانه آن است که محدوده آنها آماده پیشرفت مهم دیگری است.

جلسه با صبحانه ساده‌ای شروع می‌شود. سپس، لوآ شرکت‌کنندگان را که بعضی از آنها برای اولین بار با یکدیگر ملاقات می‌کنند معرفی می‌کند و حوزه خدمتی را که هر یک به آن می‌پردازند به اختصار توصیف می‌کند. او آلفارو را پس از همه معرفی می‌کند و از او دعوت می‌کند درباره تجربه جایگاه نشر یادگیری صحبت کند.

آل فارو این گونه آغاز می‌کند: "وقتی محدوده جغرافیایی ما توسط دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی برای خدمت به عنوان یک جایگاه نشر یادگیری شناسایی شد، ما در واقع فقط تعداد کمی گروه نوجوانان داشتیم. اما در سراسر سال گذشته، انرژی‌های خود را روی یادگیری نحوه حفظ آنها متمرکز ساخته بودیم و تا آن موقع قابلیت این کار را به دست آورده بودیم. البته مطالعه کتاب ۵ ما را نسبت به توان بالقوه افراد دوازده تا پانزده ساله مطمئن ساخته بود. با این حال، باید این واقعیت را با چشمان خود می‌دیدیم. ما باید یاد می‌گرفتیم با آنها به روش مقتضی صحبت کنیم و مانند کودک با آنها رفتار نکنیم. کتاب‌های نوجوانان خیلی به ما کمک کردند و زبان مناسب و مثال‌هایی از برخی مفاهیم مربوطه را در اختیار ما قرار دادند. آندره، شاید به یاد داشته باشی در اولین سمیناری که شرکت کردی، بصیرت‌هایی که به دست آورده بودیم با شرکت‌کنندگان در میان گذاشتیم."

آندره پاسخ می‌دهد: "بله، به یاد دارم. جالب است بعضی کارها به نظر خیلی سخت می‌آیند تا وقتی تجربه کافی گردآوری شود و مورد تأمل قرار گیرد. حالا مساعدت مشوقان در حفظ گروه‌های نوجوانان‌شان برای ما مثل نفس کشیدن عادی شده است."

آل فارو ادامه می‌دهد: "به عنوان یک جایگاه نشر یادگیری، چالش افزایش قابل توجه تعداد گروه‌های نوجوانان در شبکه محدوده‌های جغرافیایی مرتبط با جایگاه به ما داده شد. به زودی پی بردیم هر منابع انسانی که داشتیم به اندازه کافی مستحکم نبود؛ ما به تعدادی جوان نیاز داشتیم که بتوانیم آنها را به عنوان مشوق تعلیم دهیم و از این طریق، به پذیرش بی‌اندازه نوجوانان نسبت به برنامه به طور شایسته پاسخ گوئیم. برای مشوقان بالقوه باید به اجتماع بزرگ‌تر توجه می‌کردیم و همچنان که یاد گرفتیم جوانانی با پیشینه‌های متفاوت را وارد مکالماتی درباره تعدادی از مضامین مهم نماییم، مشوقان بالقوه را یافتیم. مفهوم هدف اخلاقی دوجانبه، محوریت خدمت در دستیابی به هدف‌مان، ضرورت همسو کردن افکار و اعمال‌مان با نیروهای سازنده در عین مقاومت در برابر نیروهای فروپاشی که تار و پود اجتماع را از هم می‌گسلند، ماهیت اوایل نوجوانی به عنوان دورانی تعیین‌کننده در زندگی فرد که باید طی آن یک نظام مناسب و هماهنگ از ارزش‌ها شکل بگیرد از جمله این مضامین بودند. ما متقاعد شدیم که بسیاری از جوانان آماده بودند تا انرژی خود را صرف نوعی خدمت نمایند. پس فهمیدیم که ایجاد قابلیت برای فراهم کردن آموزش و همراهی افواج فزاینده جوانان در میدان عمل باید در قلب فرایند یادگیری ما باشد."

کسانی از ما که تجربه کافی به عنوان مشوق گروه‌ها به دست آورده بودند در موقعیت مناسبی برای یادگیری درباره نحوه همراهی جوانان دیگر در مسیر مشابهی از خدمت قرار داشتند؛ اول همراهی یک یا دو نفر و بعد ده تا پانزده نفر. این قابلیت قابل تقلیل به کسب مهارت برای انجام مجموعه‌ای

از وظایف که باید به صورت مکانیکی انجام شود نبود. مشخص شد که درک فزاینده‌ای از برخی مفاهیم که در کتاب ۵ مطالعه شده بود اما حال با دانش حاصل از تجربه واقعی همراه شده بود، برای هماهنگ‌سازی کارآمد ضروری هستند؛ دوستی حقیقی، تشویق، اعتماد متقابل و ایمان به قوای نهفته انسان کم‌کم ادراک ما را از روابطی که یک هماهنگ‌کننده باید با گروهی از مشوقان به وجود آورد و در میان آنها پرورش دهد شکل داد. بدون آن که یک حالت کمال بی‌نقص را طلب کنیم، یاد گرفتیم به کیفیت اقدام، استمرار اقدام، تأمل و بازنگری بر اقدام به صورت منظم، بیان بصیرت‌های حاصل از اقدامات بسیاری که در بسترهای متنوع انجام می‌شود توجه کنیم.

چالش‌های دیگری وجود داشت که باید با آنها مواجه می‌شدیم. برای مثال، وقتی دوستان در جایگاه نشر یادگیری در سمینارهای منظم شرکت می‌کردند، تمرین‌هایی انجام می‌دادند و به محدوده‌های جغرافیایی خود بازمی‌گشتند، برنامه‌روشنی از آنچه خودشان قرار بود انجام دهند در ذهن داشتند، اما همیشه آسان نبود که دورنمایی را که در ذهن خودشان تنظیم کرده بودند با برنامه‌های محدوده‌های جغرافیایی خود ادغام کنند. باید یاد می‌گرفتیم دانشی را که در سراسر جایگاه نشر یادگیری تولید می‌شد به شکلی منتشر سازیم که نهادهای محدوده جغرافیایی بتوانند آن را در تفکر خود بگنجانند و جوامع بتوانند مالکیت برنامه‌ای را عهده‌دار شوند که دقیقاً به این دلیل که موضوع یادگیری سیستماتیک است، با آهنگی پرشتاب رشد می‌کند. مثلاً لوآ و من از محدوده‌های جغرافیایی دیدار کردیم و به تقویت وحدت فکر میان دوستانی که در نقش‌های مختلف خدمت می‌کردند کمک کردیم. وحدت فکر بیشتر - مبتنی بر قرائت مشترکی از واقعیت اجتماعی و روحانی محدوده در بستر بزرگ‌تر بنای تمدنی جدید - به هم‌کاری نزدیک‌تر میان هماهنگ‌کنندگان مربوط به سه نیاز آموزشی انجامید."

لوآ می‌افزاید: "و در سطح منطقه‌ای، باید اهمیت این مسئله را درک می‌کردیم که به دوستان هماهنگ‌کننده برنامه نوجوانان در این محدوده‌های جغرافیایی اجازه داده شود انرژی‌های خود را برای حداقل سه سال بر این حوزه خدمت متمرکز سازند. به خاطر نیازهایی که با ازدیاد فعالیت‌ها در منطقه همواره پدیدار می‌شدند، این گرایش وجود داشت که هماهنگ‌کنندگان به جهت‌های مختلف کشیده شوند و از آنها خواسته شود که این کار و آن کار را انجام دهند. البته با گذر زمان نیز به صورت فزاینده واضح شد که تلاش‌ها برای وارد ساختن تعداد بیشتری از جوانان در مکالمات معنادار، و متعاقب آن، آموزش و حمایتی که باید به آنها ارائه می‌شد، مسئولیت‌هایی بودند که باید بین همه نهادهای محدوده تقسیم می‌شدند و نه فقط مؤسسه آموزشی."

آل فارو می‌گوید: "مرز یادگیری بعدی برای ما ماهیت حمایتی است که باید به صدها جوان شرکت‌کننده در فرایند مؤسسه بسط داده شود، جوانانی که در نقش مشوق گروه‌های نوجوانان، معلم کلاس‌های کودکان و سرانجام راهنما و هماهنگ‌کننده خدمت می‌کنند. ما لازم است توجه خود را بیشتر معطوف آن‌گونه قابلیت‌سازیم که این جوانان به منظور مواجهه با چالش‌های خویش باید در خود پرورش دهند، چالش‌هایی که ضمن تلاش‌های‌شان برای تصمیم‌گیری درباره تحصیلات، کار، ازدواج و خانواده، و در عین حال، حفظ انسجام بین جنبه‌های مادی و روحانی زندگی‌شان، با آنها مواجه می‌شوند."

چند لحظه سکوت برقرار است و همه درباره اندیشه‌هایی که آل فارو و لوآ در میان گذاشتند تفکر می‌کنند. انیدیا، هماهنگ‌کننده محدوده جغرافیایی مربوط به مطالعه دوره‌های متسلسل اصلی، سکوت را می‌شکند: "گاهی خوب است تاریخچه این که چطور به اینجا رسیدیم را بشنویم. امروز بدون هم‌کاری نزدیک و کار کردن به گونه‌ای که گویی یک روح در چند بدن هستیم غیرممکن است حتی بتوانیم به پیشرفت در فرایند یادگیری‌مان فکر کنیم، اما تلاش بسیاری شد تا به سطحی از وحدت فکر که الان از آن بهره‌مندیم برسیم."

آل فارو اضافه می‌کند: "این الگوی هم‌کاری که یک نتیجه طبیعی افزایش وحدت فکر و عمل است، در قلب طرح هماهنگ‌سازی ما قرار دارد و باید آن را بیشتر گسترش دهیم. اگر قرار است منابع انسانی خود را مدام افزایش دهیم و در برابر تمایل به بستن درها به روی خود حفظ شویم، قابلیت هماهنگ‌سازی باید دائماً تقویت شود. برای مثال، ابتدا ما تلاش‌های‌مان را بر یادگیری نحوه افزایش قابلیت برای هماهنگ‌سازی برنامه نوجوانان فقط در کسانی متمرکز ساختیم که به عنوان هماهنگ‌کننده منتصب شده بودند یا در شرف آن بودند. آنچه در ذهن داشتیم طرحی بود که در آن یک هماهنگ‌کننده بیست تا سی مشوق را همراهی می‌کند. فکر کردیم وقتی یاد بگیریم که هماهنگ‌کنندگان را به نحو کارآمد آموزش دهیم، با آموزش هماهنگ‌کننده به نسبت افزایش تعداد مشوقان، قابلیت بیشتر و بیشتری ایجاد خواهیم کرد. در حالی که این خط فکری از اعتبار برخوردار است، کشف کردیم که دنبال کردن آن به طور انعطاف‌ناپذیر، امکانات ما را محدود می‌کرد. باید اجازه می‌دادیم ساختار هماهنگ‌سازی در پاسخ به واقعیت محدوده‌های جغرافیایی از نظر پیچیدگی تکامل یابد. نباید به یکی از طرح‌هایی که کارآمدی آن در برخی محدوده‌ها در یک مرحله خاص ثابت شده بود وابسته می‌ماندیم. چند تن از هماهنگ‌کنندگان شروع به شناسایی مشوقان باتجربه‌ای کردند که می‌توانستند در همراهی دیگر کسانی که تجربه کمتری داشتند و معمولاً در محله‌ها یا دهکده‌های خودشان بودند به آنها کمک کنند. همچنان که افراد برای پرداختن به کارهای مختلف

هماهنگ‌سازی شروع به کار گروهی کردند، امکانات جدیدی پدید آمد و قدرت بیشتری برای دستیابی به اهداف مان به دست آمد. پس از مطالعه پیامی که در آن بیت‌العدل اعظم اشاره کردند تعیین دستیار برای هماهنگ‌کنندگان مؤسسه آموزشی<sup>۱</sup> و 'اعزام گروه‌هایی از احبای باتجربه برای حمایت از دیگران' از جمله نوآوری‌های ارائه شده به منظور پاسخ دادن به نیازهای 'طرح‌های سازمان‌دهی' در 'سطحی پیچیده‌تر' هستند، احساس اطمینان کردیم که در مسیر درست قرار داریم.

لوا می‌گوید: "و با توجه به وابستگی متقابل همه فعالیت‌های اساسی، بصیرت‌هایی که تا حال درباره قابلیت لازم برای حفظ ده‌ها گروه نوجوانان به دست آورده‌ایم، در تقویت هماهنگ‌سازی دو فرایند آموزشی دیگر در کل منطقه به ما کمک کرده. امروز بسیاری از شما که در این جلسه حاضرید، با همراهی کردن دوستان خود در یک مسیر خدمت، به هماهنگ‌کنندگان سه فعالیت آموزشی در این محدوده کمک می‌کنید. حتی محدوده‌هایی که در مرحله ابتدایی تری از رشد هستند، از تجربه غنی تولید شده در جایگاه نشر یادگیری بهره می‌برند. آنچه اهمیت خاصی دارد درک عمیق و در عین حال عملی ماهیت هماهنگ‌سازی است. 'همراهی' معنایی روحانی دارد که تعداد فزاینده‌ای از دوستان در عمل آن را درک می‌کنند. نخست این واژه به مساعدت یک فرد به دیگران در خدمت اشاره دارد، اما همچنان که فرایند به پیش می‌رود، می‌توانیم تحول را در سطح فرهنگ ملاحظه کنیم. کل جامعه محیطی فراهم می‌کند که دوستان را در غلبه بر چالش‌های شان و تداوم خدمت‌شان به امر مبارک، در همکاری مهرآمیز و در مسرور شدن از دستاوردهای همکاران‌شان تواندهی می‌نماید. در برخی از محدوده‌های جغرافیایی پیشرفته‌ای که من و آلفارو ملاقات کرده‌ایم، متوجه شده‌ایم که محافل روحانی محلی به چه طرز شگفت‌انگیزی این فضا را در جوامعی که تعداد فعالیت‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای رشد کرده پرورش داده‌اند."

آلفارو می‌گوید: "نکته دیگری هست که مایل‌م به آن اشاره کنم. طی سال‌ها، دیده‌ایم که چطور در چند محدوده جغرافیایی مرتبط با جایگاه ما، الگوی رشد قوت یافته و قابلیت مشارکت در فرایند یادگیری جمعی به نحوی متمایز افزایش پیدا کرده است. ما درمی‌یابیم که لازم است حالا توجه بسیاری به فضای مشترک یادگیری که ایجاد شده معطوف کنیم تا نهادها و منابع انسانی در هر یک از این محدوده‌ها بتوانند در محدوده‌های دیگر این منطقه به طرق خاصی مساعدت کنند." او به مونیکا و دوستانش نگاه می‌کند و اشاره می‌کند: "محدوده‌ای که شما در آن ساکن هستید به سرعت در حال ایجاد چنین قابلیت‌هایی است."

اندیشه‌هایی که آلفارو و لوا مطرح می‌کنند مشورت بسیار مفیدی را میان شرکت‌کنندگان برمی‌انگیزد؛ هر یک از شرکت‌کنندگان تجربه اخیر خود را در کار دوشادوش با دوستان در میدان خدمت، چه در

نقش معلم کلاس‌های کودکان، چه مشوق و چه راهنمای حلقه، بازگو می‌کند. گستره بصیرت‌های ایجاد شده در جلسه واقعاً چشم‌گیر است. مونیکا احساس شعف می‌کند. او درمی‌یابد ضمن همراهی کردن رودریگو در تلاش‌هایش، در فرایندی شگفت‌انگیز شرکت داشته که ده‌ها، صدها و سرانجام هزاران نفر را در پیمودن مسیر خدمت با یکدیگر توانا خواهد ساخت.

در قسمت بالا از داستان‌مان، روایت آلفارو را از تجربه دوستان در یک محدوده جغرافیایی که به عنوان جایگاهی برای نشر یادگیری درباره برنامه نوجوانان خدمت می‌کند می‌خوانیم. این تجربه نشان می‌دهد که چطور کار کردن در حالت یادگیری به ایجاد راهبردها و ساختارهای سازمانی پیچیده متناسب با رشد می‌انجامد. در فرایند یادگیری که آلفارو و لوآ توصیف کردند، برخی ویژگی‌هایی وجود دارد که دوستان جایگاه یادگیری را قادر ساخت چنین پیچیدگی‌ای را مدیریت کنند. شاید گروه شما بخواهد درباره برخی از این ویژگی‌های برجسته مانند ماهیت سیستماتیک این مجهود و انعطاف‌پذیری رویکرد و مشخصه‌های دیگری که شناسایی خواهید کرد تأمل کند و توضیح دهد که این ویژگی‌ها چطور بروز یافتند.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## بخش بیستم

در داستان بخش قبل، آلفارو از قابلیت‌ی سخن به میان می‌آورد که در محدوده‌های مرتبط با جایگاه نشر یادگیری در حال ایجاد است، قابلیت‌ی در زمینه مساعدت محدوده‌های دیگر منطقه، برای سرعت دادن به فرایند رشد. برای کسب بصیرت بیشتر درباره فرهنگ چنین محدوده جغرافیایی، بیایید سعی کنیم یک گام به

عقب برگردیم و نگاهی به تصویر کلی فعالیت‌ها در یک محدوده نسبتاً پیشرفته مانند محدوده داستان‌مان بیندازیم. چه خواهیم دید؟

برای شروع، قطعاً متوجه خواهیم شد تعداد افرادی که وارد مسیر خدمت شده‌اند به طور منظم و یکنواخت افزایش یافته است. مطالعه کتاب ۱ در رابطه با قدرت دعا و مناجات آگاهی به وجود آورده. جلسات دعای متعددی هر هفته برگزار می‌شود. ملاقات‌های خانگی جهت مکالمه درباره موضوعات مهم روحانی، پیرو الگوی پیشنهادی کتاب ۲، به یکی از عناصر فرهنگ جامعه تبدیل شده‌اند. لجنه تبلیغ ناحیه‌ای توانسته وقت و انرژی بسیاری را به تقویت این عنصر فرهنگ و ترویج محیطی سرشار از روح نیایش و خدمت اختصاص دهد.

همچنین در ادامه متوجه این نیز خواهیم شد که افرادی که مسیر خدمت را می‌پیمایند، توانسته‌اند از ساختار آن سود برند و در عین حال از انعطاف ذاتی آن بهره‌مند شوند. برای مثال، در مورد کتاب ۳، بسیاری مطالعه آن را به پایان رسانده‌اند و تمرین آن را انجام داده‌اند، اما انتخاب‌شان این بود که معلم کودکان نشوند؛ با این حال، درصد مشخصی خود را به مدت چندین سال وقف این اقدام خدمتی نموده‌اند، در حالی که مطالعه کتاب‌های دیگر سلسله دروس را ادامه داده‌اند و در فعالیت‌های متنوع دیگری در محدوده جغرافیایی شرکت کرده‌اند. کسانی نیز هستند که وقتی حدود شانزده سال داشتند یک یا دو سال را وقف تعلیم دروس پایه اول به کودکان کردند و سپس به اقدامات خدمتی دیگر مشغول شدند. به عنوان مثالی دیگر، در مورد کتاب ۵، ملاحظه می‌کنیم که جوانان بسیاری از طریق مکالماتی که بر نقش آنها در آموزش نسل جوان تأکید دارند، با امر مبارک مرتبط شده‌اند، کتاب‌های مؤسسه را خارج از ترتیب معمول مطالعه کرده‌اند و اول کتاب‌های ۱ و ۵ و کمی پس از آن کتاب‌های دیگر را با ترتیب معمول گذرانده‌اند. برخی از آنها که به کتاب ۷ و بالاتر رسیده‌اند، تصمیم گرفته‌اند گروه‌های نوجوانانی را که به مدت سه سال هدایت کرده‌اند ادامه دهند و به عنوان راهنمای آنها برای دوره‌های متسلسل اصلی خدمت کنند و به این ترتیب خدمت به عنوان مشوق را مدتی کنار گذارند. برخی دیگر انتخاب کرده‌اند که انرژی خود را وقف تواندهی روحانی نوجوانان نمایند و به عنوان مشوق گروه‌های نوجوانان، یکی پس از دیگری، خدمت کنند. به عنوان مثالی دیگر، افراد بسیاری نیز هستند که با پشتکار دوره‌های متسلسل اصلی را مطالعه کرده‌اند، تمرین‌های پیشنهادی هر یک را انجام داده‌اند و سپس به عنوان راهنمای حلقه‌های مطالعه وارد میدان خدمت شده‌اند. علاوه بر آن، در حوزه هماهنگ‌سازی، احتمالاً خواهیم دید شرایطی ایجاد شده که این امکان را برای چندین تن از دوستان فراهم می‌کند که به مدت چند سال مسئولیت‌های هماهنگ‌کننده را به صورت تمام‌وقت بر عهده گیرند، مسئولیتی که با تلاش‌های تعداد فزاینده‌ای از راهنمایان، مشوقان و معلمان کلاس‌های کودکان که در کارهای مرتبط و متنوع کمک می‌کنند مورد حمایت قرار می‌گیرد. شاید گروه شما بخواهد به چند موقعیت دیگر بیندیشد که

بدون تناقض داشتن با ساختار پایه‌ای مسیر خدمت - که بر اساس آن قابلیت‌ها مستمراً بر پایه هم بنا می‌شوند - انعطاف ذاتی فرایند مؤسسه را نشان دهند.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

همچنان که به بررسی اجمالی محدوده نسبتاً پیشرفته مورد نظرمان ادامه می‌دهیم، گرچه دشوار بتوان به صورت دست اول این مسئله را مشاهده کرد، ولی می‌توانیم فرض کنیم که مؤسسات و نهادهای در حال خدمت در محدوده، توجه لازم را به قابلیت حفظ یک ساختار مشخص که در عین حال در پاسخ به شرایط هر فرد منعطف و حساس است، مبذول داشته‌اند. البته مانند همیشه، توسعه این نوع قابلیت به دستاوردهای روحانی وابسته است. پس اگر از نزدیک‌تر نگاه کنیم، قطعاً متوجه خواهیم شد که دوستان واقعاً به یکدیگر اهمیت می‌دهند. در واقع، رشد ارگانیک یک محدوده جغرافیایی - از نظر اندازه جامعه و همچنین وسعت منابع انسانی، مالی و تشکیلاتی - در غیر این صورت رخ نخواهد داد. برای مثال، در نظر یک هماهنگ‌کننده برنامه نوجوانان، مشوقانی که در محدوده می‌کوشند صرفاً وجوداتی نیستند که در دسته منابع انسانی گنجانده شده باشند؛ هر یک از آنها دوست عزیزی است که باید در تلاش‌هایش در طلب آرزوهای شریفی که البته بر خدمت امر مبارک متمرکز هستند با سرور همراهی شود. خود هماهنگ‌کنندگان صرفاً به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف یک نقشه در نظر گرفته نمی‌شوند؛ شرایط چنان است که می‌توانند پس از به پایان رساندن یک دوره خدمت فشرده در یک حوزه خاص فعالیت، به مشارکت ارزشمند در پیشرفت امر مبارک ادامه دهند. دوستان در محدوده جغرافیایی دریافته‌اند که به طور خاص جوانان باید به جامعه‌ای تعلق داشته باشند که به رفاه مادی و روحانی‌شان توجه دارد. آیا می‌توانید مثال‌هایی بزنید که نشان دهد چطور روح ضروری حمایت و محبت، خود را در کلام و عمل افراد و مؤسسات و در پویایی حیات جامعه ظاهر می‌سازد؟

---

---



---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

ویژگی دیگر محدوده‌های نسبتاً پیشرفته مانند محدوده‌ای که در اینجا بررسی می‌کنیم، بلوغی است که در نحوه کار کردن دوستان با یکدیگر وجود دارد. برای مثال، هماهنگ‌کنندگان چنین محدوده‌های جغرافیایی ضمن تلاش برای همراهی راهنمایان، مشوقان و معلمان کلاس‌های کودکان، اهمیت هم‌کاری میان مؤسسات و نهادهای امر مبارک را درک می‌کنند. آنها می‌توانند با خضوع و با حالت یادگیری، با محافل روحانی محلی تعامل داشته باشند و از حکمت و مساعدت آنها سود برند. رابطه کاری نزدیک آنها با لجنة تبلیغ ناحیه‌ای مجهودات جمعی جامعه را از یک دوره فعالیت به دوره‌ای دیگر انسجام می‌بخشد. توانایی آنها در استفاده از حمایت جامعه برای این که مؤسسه قابلیت عمل به عنوان موتور رشد را داشته باشد ضروری است. آیا می‌توانید چند کلمه در این باره بگویید که چطور می‌توان در تعاملات میان مؤسسات و نهادهای یک محدوده جغرافیایی که رشد مداوم را تجربه می‌کند هم‌کاری را مشاهده کرد؟

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

سرانجام، در جلسه‌ای که در بخش قبل توصیف شد، لوآ اشاره می‌کند که چطور پویایی حاصله از همراهی یکدیگر در مسیر خدمت چنان تمام و کمال به خصیصه یک جامعه تبدیل می‌شود که فرهنگ جامعه سرشار از آن می‌گردد. در چنین فرهنگی، کلمه "همراهی" بدون دقت مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و عبارات نامناسبی مانند "من تو را همراهی می‌کنم" و "من فلان فرد را همراهی می‌کنم" رد و بدل نمی‌شوند. آگاهی از "یگانگی" مفهوم "دیگری" را زائل می‌کند. مساعدت یکدیگر، همکاری، مسرور شدن از دستاوردهای دیگری - این‌ها روش طبیعی بودن و زیستن هستند. آیا می‌توانید به بروزات دیگری از پویایی جامعه‌ای که این فرهنگ را پرورش داده بیندیشید؟

---

---

---

---

---

---

---

---

## بخش بیست و یکم

داستان بخش ۱۹ ما را با مفهوم جایگاه نشر یادگیری آشنا کرده است. فرصت خوبی است که درنگ کنیم و درباره ماهیت یادگیری در بستر نقشه‌های جهانی مان بیشتر فکر کنیم.

یادگیری در اینجا به معنای کسب بصیرت‌هایی فزاینده و به هم مرتبط درباره واقعیتی معین است که با آن تعامل داریم، با هدف مشارکت در تحول همه جانبه واقعیت مزبور، یعنی از جنبه‌های مادی، اجتماعی و روحانی. یادگیری به این معنا با پرورش مجموعه‌ای از مهارت‌ها یا کشف مجموعه‌ای از داده‌های واقعی مترادف نیست، گرچه هر دو لازم هستند. یادگیری مستلزم درک روبه‌رشدی از بسترهای انجام مجهودات مان و نیروهای مؤثر بر واقعیتی که در صدد تحولش هستیم می‌باشد. آن نوع یادگیری که دغدغه ماست معطوف به فرایندهایی است که مستمراً بروز و تکامل بیشتری می‌یابند. این یادگیری مستلزم شناسایی مسیرهایی است که ما را به تحقق قوای نهفته انسانی چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی نزدیک و نزدیک‌تر می‌کنند.

"بصیرت" مفهومی است که معنا کردنش ساده نیست. اما درک شهودی ما از آن برای اهداف ما کافی است؛ همچنان که سعی می‌کنیم یادگیری‌های خود را در یک حوزه کوشش مشترک به اطلاع یکدیگر برسانیم، می‌توانیم از آن استفاده کنیم. برای مثال، زمانی یک گروه از دوستان این بصیرت را به دست آوردند که برخلاف فرضیات و باورهای کنونی، نوجوانان به طور کلی بسیار نوع دوست هستند. بارها، با پیشرفت برنامه تواندهی روحانی نوجوانان، ثابت شد این بصیرت با واقعیت متناظر است و حالا این یک باور عمیق است که همه ما داریم. در گروه خود درباره برخی بصیرت‌های دیگری که جامعه بهائی در کار خود با نوجوانان به دست آورده گفتگو کنید.

---

---

---

---

---

حالا درباره برخی از بصیرت‌هایی که جامعه در حوزه تربیت روحانی کودکان به دست آورده گفتگو کنید.

---

---

---

---

---

و برخی از بصیرت‌هایی که جامعه با پیشرفت تعداد فزاینده‌ای از افراد در دوره‌های متسلسل اصلی به دست آورده چیست؟

---

---

---

---

---

سپس، در فضای زیربرخی از بصیرت‌هایی را بنویسید که از مطالعه بخش‌های متنوع این واحد درباره پویایی هماهنگ‌سازی در یک محدوده جغرافیایی که در یک پیوستار رشد حرکت می‌کند به دست آورده‌اید.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## بخش بیست و دوم

در زیر‌گزیده‌هایی از پیام‌های بیت‌العدل اعظم آمده است. خواندن آنها و انجام تمرین‌های پیشنهادی به شما کمک خواهد کرد درباره ماهیت فرایند یادگیری که به آن مشغولیم بیشتر تأمل کنید. بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۲۰۱۰ خود می‌فرماید:

”امر حضرت بهاءالله بی‌نهایت عظیم است و حصول تغییراتی عمیق را نه فقط در سطح فردی بلکه در ساختار اجتماع ضروری می‌شمارد. آن حضرت اعلام می‌فرمایند که 'مقصود از هر ظهور، ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرّاً و جهرّاً ظاهراً و باطناً'. کاری که امروز در اطراف و اکناف کرهٔ ارض در حال پیشرفت است نمایان‌گر مرحلهٔ اخیر مساعی مستمر جامعهٔ بهائی برای ایجاد هستهٔ تمدنی شکوه‌مند است که در تعالیم این ظهور اعظم مندمج می‌باشد، تمدنی که بنای آن مشروعی بی‌نهایت عظیم و پیچیده و به ثمر رساندن آن مستلزم قرن‌ها کوشش و تلاش نوع انسان است. در این مسیر نه راه میان‌بری وجود دارد و نه فرمولی. تنها با تلاش در جهت کسب بینش از امر اعظمش، با استفاده از دانش فزایندهٔ نوع بشر، با به کارگیری هشیارانهٔ تعالیمش در حیات

بشری و با مشورت در مسائلی که پیش می‌آید یادگیری مورد نیاز حاصل خواهد شد و توان‌مندی لازم به وجود خواهد آمد.<sup>۳۴</sup>

در پیام رضوان ۲۰۱۴ بیت‌العدل اعظم می‌خوانیم:

"از بسیاری جهات موفق‌ترین جوامع مسیری را طی می‌کنند که دیگران نیز مشتاق پیمودن آن می‌شوند. با این حال سطح فعالیت در یک محدوده جغرافیایی هر چه باشد، آنچه موجب تسریع پیشرفت می‌شود قابلیت یادگیری احبای محلی برای عمل در یک چارچوب مشترک است. هر فرد در این مجهد سهمی دارد و خدمات هر یک به غنی‌سازی کل کمک می‌کند. پویاترین محدوده‌ها آنهایی هستند که در آنها، فارغ از منابع موجود در جامعه و قطع نظر از تعداد فعالیت‌ها، احباً واقفند که وظیفه‌شان آنست که آنچه را برای نیل به پیشرفت لازم است تشخیص دهند - قابلیت نورسته‌ای که باید پرورش یابد، مهارت تازه‌ای که باید کسب شود، پیش‌گامان تلاش نوحاسته‌ای که باید همراهی گردند، فضای تفکر و تعمقی که باید ایجاد شود، مجهدی جمعی که باید هماهنگ گردد - و سپس راه‌های خلاقانه‌ی بیابند که از آن طریق بتوان وقت و منابع لازم را برای نیل به آن تأمین نمود. هر موقعیت خاصی چالش‌های مربوط به خود را داراست و وقوف بر این واقعیت، هر جامعه‌ای را قادر می‌سازد تا نه تنها از آنچه در دیگر نقاط عالم بهائی آموخته می‌شود بهره‌گیرد بلکه بر این دانش اندوخته شده نیز بیفزاید. آگاهی از این حقیقت شخص را از جستجوی بیهوده برای یافتن یک فرمول عملی انعطاف‌ناپذیر آزاد می‌سازد و در عین حال امکان آن را فراهم می‌سازد که بینش‌های کسب شده در محیط‌های گوناگون الهام‌بخش فرایند رشدی باشد که در هر محیط شکل خاصی به خود می‌گیرد. این رویکرد با تصورات کوتاه‌بینانه‌ای از مفاهیم 'موفقیت' و 'شکست' که مولد آشفتگی و یا فلج‌کننده اراده است کاملاً در تضاد می‌باشد. انقطاع لازم است؛ هرگاه که اقدام و فعالیت کلاً به خاطر رضای الهی انجام شود هر چه پیش‌آید به او تعلق دارد و هر پیروزی که به نام او حاصل گردد موقعیتی است برای ستایش او.<sup>۳۵</sup>

قسمت زیر از پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای بر فرایند یادگیری جمعی پرتو بیشتری می‌افکند:

"احباً با مشارکت روزافزون در امور تبلیغی و اداری، مشارکتی که با حالت یادگیری خاضعانه صورت می‌گیرد، هر وظیفه و هر تعاملی را باید فرصتی برای همکاری در جهت پی‌گیری پیشرفت و

موهبتی برای همراهی یکدیگر در میدان خدمت به امر الله بدانند. از این طریق گرایش به زیاده‌روی در تعلیم کاهش خواهد یافت و تمایل به تقلیل یک فرایند پیچیده تقلیب روحانی به چند گام ساده بر طبق مقررات یک دستورالعمل برطرف خواهد شد. اقدامات پراکنده در زمینه‌ای مشترک مرتبط می‌گردد و حتی کوچک‌ترین گام‌ها پرمعنا می‌شود. عمل‌کرد قوای روحانی در میدان خدمت به طور روزافزون نمایان می‌شود و پیوندهای دوستی که برای یک الگوی صحیح رشد جنبه حیاتی دارد مستمراً تقویت می‌گردد.<sup>۳۶</sup>

بیت العدل اعظم در پیام ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ خطاب به کلیه محافل روحانی ملی اشاره می‌فرمایند:

"سخن گفتن از 'تعلیم' معلم برای کلاس‌های کودکان و یا مشوق برای گروه‌های نوجوانان البته امری نادرست نیست. اما مؤسسات آموزشی باید مراقب باشند که مبادا به تدریج تصور نمایند که کارشان آموزش تکنیک‌ها است و مفهوم ایجاد قابلیت را که در کانون فرایند مؤسسه آموزشی جای دارد و مستلزم درک عمیقی از ظهور حضرت بهاءالله می‌باشد از نظر دور دارند."<sup>۳۷</sup>

و در پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ توضیح می‌فرمایند:

"کاهش در مشارکت، اختلال در ادوار فعالیت‌ها، شکاف موقت در پیوندهای اتحاد از جمله چالش‌های بی‌شماری است که باید احتمالاً با آن رو به رو شد. در بسیاری از موارد افزایش منابع انسانی یا توانایی استفاده از خدمات‌شان پاسخگوی نیازهای ترویج سریع نخواهد بود. ولی با تحمیل فرمولی بر این فرایند نیز یک الگوی رشد با توازن مطلوب حاصل نخواهد شد. عدم توازن در پیشرفت فعالیت‌های مختلف جزئی از طبیعت این فرایند است و با صبر و به مرور زمان می‌توان آن را تعدیل نمود. کاهش دادن یک فعالیت در حال شکوفایی بر اساس تصورات نظری در مورد چگونگی حصول رشد متعادل، غالباً نتیجه معکوس به بار می‌آورد. اگرچه ممکن است احبای یک محدوده جغرافیایی از تجارب کسانی بهره‌مند گردند که الگوی لازم برای عمل را در محدوده‌های دیگر پیاده کرده‌اند ولی تنها از طریق مشارکت خودشان در اقدام مستمر و تأمل و مشورت است که می‌آموزند قرائتی از واقعیات اطراف خود داشته باشند، امکانات خویش را تشخیص دهند، از منابع خود استفاده نمایند و به نیازهای ترویج و تحکیم در مقیاس وسیع پاسخ گویند."<sup>۳۸</sup>

همان‌طور که از بیانات بالا واضح است، پیچیدگی و عظمت مشروع ایجاد هسته تمدن شکوه‌مندی که دورنمای آن را حضرت بهاءالله به ما داده‌اند مستلزم قرن‌ها کوشش و تلاش است. بیت العدل اعظم به ما

هشدار می دهند که عادت جستجو به دنبال راه میانبر و فرمول می تواند توانایی کسب بصیرت نسبت به ابعاد متنوع این مشروع عظیم را مختل نماید. مثالهایی از برخی از این راه های میانبر و فرمول ها بیاورید و در گروه خود صحبت کنید که چرا نباید حین تلاش برای استقرار و اداره و ازدیاد کلاس های کودکان، گروه های نوجوانان و حلقه های مطالعه - فعالیت هایی که می دانیم در تغییر و تبدیل ارکان عالم نقش دارند - به این میانبرها و فرمول ها رو کرد.

---

---

---

---

دستاوردها همانند موانع می توانند به ما در درک بهتر پیچیدگی واقعیتی که در آن کار می کنیم کمک کنند؛ با تأمل بر آنها می توانیم رویکردهای مان را بهبود بخشیم. اما این تنها در صورتی ممکن است که با تمایل به نتیجه گیری شتاب زده از آنچه به نظر ما موفقیت و شکست محسوب است مقابله کنیم. برای مثال، ممکن است در یک محله با دو جوان صحبت کرده باشیم که هیچ یک از آنها علاقه ای به وارد گفتگو شدن درباره مضامین پیشنهادی ما نشان نداده اند. چقدر ساده ممکن است نتیجه گرفته شود که مضامین مهم اجتماعی و روحانی، مورد علاقه جوانان امروز نیست یا این که جوانان این محله مستعد نیستند. در گروه خود درباره مثال های دیگری مذاکره کنید که در آنها ممکن است بر اساس یک یا دو ماجرا به خصوص وقتی برداشت های کوتاه بینانه ای از موفقیت و شکست داریم، نتایج نابجایی گرفته شود.

---

---

---

---

وقتی درباره ماهیت یادگیری فکر می کنیم، باید به خاطر داشته باشیم که در یک چارچوب مشترک کار می کنیم. در واقع، به سختی بتوان تصور کرد که یک گروه از افراد بتوانند بدون داشتن باورها و عقاید و رویکردهای مشترک، با هم یادگیری حاصل کنند. منشأ چارچوبی که بر تفکر و عمل ما حاکم است، البته ظهور حضرت بهاء الله است. ما در هنگام به عمل در آوردن تمهیدات نقشه های جهانی مان، به این منشأ رو می کنیم و همچنین پیام های بیت العدل اعظم را که گام به گام عالم بهائی را در تحقق رسالت مقدس خویش هدایت می فرمایند با دقت مطالعه می کنیم. دوره های مؤسسه قابلیت افراد را در سراسر دنیا برای پیروی از این

هدایات در قالب عمل متحد افزایش می دهند. آنها درک ما را از حقایق عمیق روحانی تقویت می کنند و در عین حال به ما در تأمل بر تجربه کمک می کنند. اکنون زمان مناسبی است که برخی عناصر چارچوب مان را در نظر بگیریم، عناصری که به رویکرد ما به یادگیری در عمل مربوط هستند. چند مثال از چنین عناصری در زیر آورده شده است. در گروه خود در پرتو تجربه ای که اندوخته اید - تجربه ای که تا کنون بسیار زیاد شده است - درباره هر یک مذاکره کنید. همچنین باید بتوانید عناصر بسیار دیگری را به این فهرست بیفزایید.

- رویکرد اساسی ما به یادگیری درباره جامعه سازی اقدام، تأمل و بازنگری، مشورت و مطالعه است؛ خدمات در کانون این فرایند قرار دارند و مستلزم صرف بخش زیادی از زمان و انرژی ما هستند.

- ما تلاش های جامعه سازی مان را به عنوان تشخیص مشکلات و ارائه راه حل نمی بینیم؛ دغدغه ما پرورش قابلیت مشارکت در تحول اجتماع است.

- ما به یادگیری درازمدت حین عمل متعهد هستیم، گرچه در این فرایند، اهداف کوتاه مدتی تعیین می کنیم و برای دستیابی به آنها سخت می کوشیم.

- هدف یادگیری برای ما صرفاً گردآوردن اطلاعات و مهارت یافتن در تکنیک ها نیست، بلکه پیشرفت درک و کسب بصیرت هایی درباره مسائلی مانند الگوهای در حال پیدایش رشد، عملکرد نیروهای روحانی و روابط رو به تکامل میان سه شرکت کننده اصلی نقشه های جهانی مان است.

- ما از پیچیدگی مشروع جامعه سازی آگاهیم و سعی می کنیم وابستگی متقابل فرایندهای بسیاری را که باید با هم به پیش روند در نظر بگیریم.

---

---

---

---

---

---

---

---



---

---

---

---

---

---

موضوعات یادگیری مختلف روش‌های تفکر متفاوتی را از ما طلب می‌کنند. چیزهایی وجود دارد که یک بار و برای همیشه پس از یک دوران نسبتاً کوتاه یاد می‌گیریم؛ فقط لازم است درس‌های به دست آمده را با سعی و کوشش به کار بریم. برخی موضوعات دیگر یادگیری نیازمند تلاش درازمدت و ماندگار هستند و تنها به تدریج به دست می‌آیند. موضوعاتی نیز برای یادگیری وجود دارند که هرگز در کلیت‌شان قابل درک نیستند، اما وقتی حین عمل درباره آنها تأمل و بازنگری و مشورت می‌کنیم، شناخت ما نسبت به آنها رشد می‌یابد. باید مراقب باشیم با دو دسته اخیر مانند سنخ اول رفتار نکنیم، و الا احتمالاً رویه‌های ناموجهی ایجاد خواهیم کرد که به صورت مکانیکی باید انجام شوند. آیا می‌توانید بر اساس مشارکت خود در مساعی جامعه‌سازی، مثال‌هایی از این انواع متمایز از موضوعات یادگیری بیاورید؟

---

---

---

---

---

---

## بخش بیست و سوم

در روزهای بعد از جلسه هماهنگ‌کنندگان و هم‌کاران‌شان، موزیکا اغلب درباره جنبه‌های متنوع کار پیچیده‌ای که در محدوده جغرافیایی در حال انجام است فکر می‌کند. او وابستگی متقابل سه نیاز آموزشی به یکدیگر را واضح‌تر از همیشه می‌بیند و الگوی فعالیت زیبایی را که جامعه بهائی در حال

پدید آوردن آن است می‌ستاید. او حس احترام عمیقی نسبت به شکوه رسالتی که به جامعه سپرده شده دارد و بارها دعا کرده که ان‌شاءالله تأییدات الهی کسانی را که تلاش‌های تعداد رو به افزایشی از دوستان را در میدان خدمت هماهنگ می‌نمایند احاطه کند.

برای موزیک، یکی از اثمار این جلسه پیوند دوستی‌ای بوده که با کلارا، هماهنگ‌کننده کلاس‌های کودکان محدوده جغرافیایی، برقرار ساخته. در وقت تنفس آن جلسه، آندره که می‌دانست موزیک می‌خواهد درباره تربیت روحانی کودکان بیشتر بداند، پیشنهاد کرد که خوب است آنها با هم ملاقات کنند. چند نوجوان در گروه موزیک که به زودی برنامه را به پایان خواهند رساند و مطالعه سلسله اصلی دروس را آغاز خواهند کرد، به تعلیم کودکان علاقه نشان می‌دهند.

کلارا ترتیب ملاقات موزیک از یکی از کلاس‌های کودکان را می‌دهد تا او تصویری از نحوه کمک یک جوان چهارده یا پانزده ساله به یک معلم به دست آورد. موزیک از احترامی که کودکان حین دعا و مناجات از خود نشان می‌دهند تحت تأثیر قرار می‌گیرد و توجه می‌کند که آنها چقدر از سرود خواندن و از بر خواندن نصوص لذت می‌برند، با چه دقتی به داستان گوش می‌دهند، هنگام رنگ‌آمیزی چقدر تمرکز دارند و در بازی‌های مشارکتی، چه فعالانه شرکت می‌کنند. پس از این دیدار، دو دوست مدت زمانی با یکدیگر درباره تربیت کودکان صحبت می‌نمایند.

موزیک مشتاق است بداند که آیا همه کلاس‌های محدوده جغرافیایی به این خوبی منظم هستند. کلارا توضیح می‌دهد که مدتی وقت می‌برد تا یک معلم که برای بار اول کار را شروع کرده، روال عادی کلاس را برقرار نماید. حین مطالعه کتاب ۳، شرکت‌کنندگان تمرین می‌کنند که چگونه یک درس یا بخشی از آن را به چند کودک تعلیم دهند، اما به واقع پس از بر عهده گرفتن مسئولیت‌های یک معلم است که هر یک از آنها مهارت‌های ضروری را به تدریج در خود پرورش می‌دهند.

کلارا ادامه می‌دهد: "اغلب از یک معلم باتجربه‌تر می‌خواهم برای دو یا سه جلسه اول، فردی را که تازه شروع کرده همراهی کند. به طور کلی، معلمان از یکدیگر خیلی یاد می‌گیرند. وقتی گرد هم می‌آیند تا درباره تجربه‌شان تأمل کنند، درباره نحوه پرداختن به برخی چالش‌های مشترک مذاکره می‌کنند. هر معلم از طریق تجربه و مشورت با کسانی که در همان حوزه تلاش مشغول خدمت هستند، توانایی سازمان‌دهی کلاس و تبدیل آن به محیطی که به رشد صفات روحانی منجر می‌شود را به دست می‌آورد. دیدن این که معلمان می‌توانند چقدر کاردان باشند شگفت‌انگیز است. بسیاری از آنها در تکمیل عناصری که در درس آمده، مثلاً با نوشتن یک سرود یا اقتباس یک داستان یا بازی که ریشه در فرهنگ‌شان دارد، عناصر دیگری ایجاد می‌کنند. آنها این منابع را با هم به اشتراک

می‌گذارند. به این درک رسیده‌ام که نباید برخی معلمان را جدا کنم و آنچه را آنها انجام می‌دهند به عنوان مدل‌هایی که دیگران باید دنبال کنند ارائه نمایم. کوشش برای به کمال رسیدن برنامه ما برای تربیت روحانی کودکان یک مجهود جمعی است که هر معلم می‌تواند به آن کمک کند."

مونیکا می‌گوید: "از مطالعه کتاب ۳ به یاد دارم که درس‌ها به خوبی تعریف شده‌اند. معلمان با چه دقتی آنها را دنبال می‌کنند؟"

پاسخ کلارا چنین است: "اول، خیلی با دقت برنامه را دنبال می‌کنند. اما باید به یاد داشته باشیم که کتاب ۳ و دوره‌های منشعب از آن صرفاً مجموعه‌هایی از دروس نیستند. هدف آنها آموزش معلم است. برای این طراحی شده‌اند که به معلم در رسیدن به درک عمیقی از مفاهیم تربیتی و پرورش مهارت‌های لازم کمک کنند. همه کتاب‌های منشعب از این کتاب محتوایی غنی به معلم برای کلاس‌هایش ارائه می‌دهند. اما همان‌طور که معلمان در مطالعه مواد درسی از پایه‌ای به پایه بعدی پیش می‌روند، به نحوی فزاینده از آنها تقاضا می‌شود که محتوای هر فعالیت را سازمان‌دهی کنند و درباره نحوه اجرای آن تصمیم بگیرند. ضمن همراهی معلمان در محدوده جغرافیایی مان، دریافته‌ام که بسیار مفید است مواد درسی موجود برای پایه‌های مختلف را با آنها بررسی کنیم و درباره پیشرفتی که به عنوان معلم حاصل می‌کنند تأمل نمایم."

مونیکا می‌گوید: "این در مورد برنامه نوجوانان هم صادق است. مشوقان با کسب تجربه، خلاق‌تر می‌شوند."

کلارا توضیح می‌دهد: "و این دلگرم‌کننده است که معلمان خلاقیت را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها بدون هدف مشخص نمی‌دانند که به صورت دلخواهی به فعالیت‌های پیشنهادی کتاب‌ها اضافه شوند. این خلاقیت منضبطی است که در قالب مختصات برنامه کار می‌کند و متمرکز بر اهداف آن است. این را نیز باید ذکر کنم که مسیری که معلمان می‌پیمایند مستلزم کار و تلاش بسیار است، اما آنها تلاش لازم را با شادمانی انجام می‌دهند، زیرا عشق عمیقی به کودکان در قلوبشان دارند."

۱. برای هماهنگ‌سازی کارآمد فعالیت‌ها، که قرار است دایره‌شان مستمراً گسترش یابد، ضروری است آمادگی داشته باشیم که از اعضای جامعه بخواهیم کارهایی را مطابق توانایی‌ها و میل خود، در حمایت از حوزه‌های خاصی از خدمت به عهده بگیرند. سپردن مسئولیت چنین کارهایی، به همراه قدری مساعدت در ابتدای کار، به توسعه قابلیت‌ها برای انجام اقدامات خدمتی که به تدریج بر پیچیدگی‌شان افزوده می‌شود کمک می‌کند. افراد زیر را در نظر بگیرید و درباره این که چگونه

هماهنگ‌کنندگان می‌توانند شرایطی ایجاد کنند که این افراد را در برداشتن یک یا دو گام بعدی در مسیر خدمت توانا سازد، با هم مشورت کنید.

الف. عضوی از یک گروه نوجوانان که در شرف اتمام برنامه تواندهی روحانی است و به تدریس کلاس‌های کودکان علاقه دارد

---

---

---

---

ب. معلمی که به مدت تقریباً یک سال کلاسی را اداره کرده و روابط مبتنی بر اعتماد و احترام با والدین کودکان کلاسش برقرار نموده

---

---

---

---

ج. یک مشوق مشغول خدمت در محله‌ای که در آن چند گروه نوجوانان جدید به تازگی شکل گرفته؛ او مرتب در جلسات تأمل و بازنگری مشوقان در محدوده جغرافیایی شرکت می‌کند و اشتیاق زیادی برای برنامه تواندهی روحانی نوجوانان دارد

---

---

---

---

د. دو جوان که مشغول مطالعه کتاب ۲ هستند و آماده‌اند مسئولیت‌هایی فراتر از مشارکت در حلقه مطالعه بر عهده گیرند

---

---

---

---

۵. کسی که به عنوان راهنمای همه دوره‌های تسلسل اصلی دروس خدمت کرده و توانسته شرکت‌کنندگان را به انجام تمرینات مربوطه تشویق کند

---

---

---

---

۲. افزایش قابلیت خدمت زمان می‌برد و سرعت این رشد از فردی به فرد دیگر متفاوت است. اگر هماهنگ‌کننده مدل ثابتی از راهنمای خوب، مشوق خوب یا معلم کلاس کودکان خوب در ذهنش داشته باشد چه مشکلاتی ایجاد می‌شود؟ گاه درمی‌یابیم که تلاش‌های دیگران را با توجه به توانایی‌های خودمان ارزیابی می‌کنیم؛ از خود چنین جملاتی می‌شنویم: "ولی من بدون دردسر این کار را انجام دادم؛ چرا او نمی‌تواند؟" آیا مفید است که یک هماهنگ‌کننده مشارکت‌های افراد مشغول به خدمات را بر اساس دستاوردهای خودش بسنجد؟ آیا درک موقعیت، توانایی و دغدغه‌های فرد در هر نقطه از مسیر خدمت و کمک به او در برداشتن چند گام بعدی ضروری نیست؟ افکار خود درباره این سوالات را در فضای زیر بنویسید.

---

---

---

---

---

---

---

---

## بخش بیست و چهارم

مکالمه کلارا و مونیکا سپس به چالش‌های تشکیل کلاس‌هایی برای گروه‌های سنی متمایز در قسمت‌های مختلف محدوده جغرافیایی معطوف می‌شود.

کلارا توضیح می‌دهد: "یک حوزه یادگیری بسیار مهم آموزش معلم برای پایه‌های متوالی کلاس کودکان است. در عین حال، باید یاد بگیریم چطور کلاس‌های بیشتری تشکیل دهیم و آنها را حفظ کنیم. در چند دهکده و نیز یک محله در شهری که تعداد زیادی کودک در برنامه شرکت می‌کنند، توانسته‌ایم کلاس‌ها را در سه پایه درسی سازمان‌دهی کنیم. در مکان‌های دیگر، تمرکز ما بر شروع کلاس‌هایی برای حداکثر تعداد ممکن کودکان، اغلب با سنین متفاوت، بوده است. سؤالات بسیاری هستند که هنوز برای‌شان پاسخی نداریم. برای مثال، نمی‌دانیم آیا معلم‌ان تمایل خواهند داشت در سال‌های متوالی یک پایه یکسان را تدریس کنند یا با یک گروه از کودکان بمانند و آنها را به پایه‌های بالاتر برسانند. باید منعطف باشیم تا ببینیم چه الگوهای پدیدار می‌شوند. همان‌طور که می‌توانی تصور کنی، اگر قرار است یک نظام پایدار و در حال گسترش برای آموزش کودکان برقرار سازیم، چند سال کار سخت پیش روی ماست."

مونیکا می‌گوید: "این موضوع، این سؤال من را به ذهن متبادر می‌سازد که نوجوانان در پایان برنامه تواندهی روحانی چه نقشی در آموزش روحانی کودکان می‌توانند داشته باشند؟"

کلارا پاسخ می‌دهد: "خود مسیر خدمتی که مؤسسه آموزشی به روی هر فرد باز می‌کند، بسیار منعطف است. بعضی کتاب ۳ را مطالعه می‌کنند، تمرین لازم را انجام می‌دهند، اما انتخاب‌شان تدریس به کودکان نیست؛ آنها به طرق دیگری از برنامه حمایت می‌کنند. همان‌طور که تجربه خودت تأیید می‌کند، کار با کودکان برای بسیاری از شرکت‌کنندگان در برنامه نوجوانان جذابیت دارد. همین که به عنوان یک جوان سه کتاب اول سلسله دروس را می‌گذرانند، اکثر آنها اگر بخواهند آماده تدریس یک کلاس کودکان هستند. عموماً وقتی حدود شانزده ساله هستند این حالت پیش می‌آید. جوانان دیگری در این سن هستند که در نتیجه مکالمات منظمی که در محدوده جغرافیایی صورت می‌گیرد، جذب مساعی جامعه‌سازی ما می‌شوند و برخی از آنها نیز انتخاب می‌کنند که به عنوان معلم کلاس‌های کودکان خدمت کنند. خدمتی که همه این جوانان می‌کنند برای ترویج این حوزه فعالیت نقش حیاتی دارد. با این حال، یاد گرفته‌ایم که شرایط زندگی آنها ممکن است به سرعت تغییر کند و بسیاری از آنها نمی‌توانند در سال‌های متوالی به عنوان معلم خدمت خود را ادامه دهند. برای تأسیس

یک نظام صحیح آموزش کودکان، دوستانی از سنین مختلف باید آموزش ببینند و انگیزه یابند. برای مثال، مادران جوان زیادی وجود دارند، حتی زوج‌هایی، که معلمان عالی برای کلاس کودکان می‌شوند؛ آنها اغلب می‌توانند چندین سال خدمت کنند، حداقل تا زمانی که پسران و دختران خودشان در برنامه هستند. و البته دوستان زیادی هستند که فارغ از سن و شرایطشان معلمان بسیار قابل برای کلاس‌های کودکان می‌شوند. ما داریم یاد می‌گیریم که برای داشتن یک سیستم قوی، لازم است به شکوفایی همه این استعدادها کمک کنیم."

مونیکا می‌گوید: "برنامه نوجوانان هم با همین چالش روبروست. جوانانی که به عنوان مشوق خدمت می‌کنند هنگام شروع فقط اندکی سن‌شان از نوجوانان بیشتر است، اما شرایط آنها نیز مستعد تغییر است. اما داریم نهایت تلاش خود را می‌کنیم تا به تعداد فزاینده‌ای کمک شود که خود را حداقل به مدت سه سال متعهد سازند."

کلارا می‌گوید: "علاوه بر آنچه درباره جوانان مشتاق به خدمت در نقش معلم کلاس کودکان پس از تکمیل برنامه تواندهی روحانی نوجوانان گفته‌ایم، یک نقطه ارتباط دیگر بین دو برنامه وجود دارد که نیازمند توجه ماست. تشکیل گروه‌های نوجوانان به آموزش کودکان استمرار می‌دهد. ضروری است یاد بگیریم که چطور گذر نوجوانان تازه را از کلاس‌های کودکان به گروه‌های نوجوانان تسهیل نماییم. این با افزایش تعداد کودکان شرکت‌کننده در برنامه تبدیل به یک چالش واقعی می‌شود؛ در اینجا ما حدود دویست نفر شرکت‌کننده داریم."

مونیکا می‌گوید: "آندره در یکی از جلسات تأمل و بازنگری مشوقان به ما یادآوری کرد که نوجوانان برنامه تواندهی دارای دو نوع پیشینه هستند. با توسعه نظام آموزش روحانی کودکان، تعداد کسانی که در کلاس کودکان شرکت کرده‌اند و به گروه‌های نوجوانان می‌پیوندند افزایش می‌یابد. در عین حال، با افزایش قابلیت ما برای پاسخ به پذیرندگی و قوای بالقوه فراوان این گروه سنی، می‌توانیم از نوجوانان بیشتری که هیچ تماس قبلی با امر مبارک نداشته‌اند برای پیوستن به برنامه دعوت کنیم. آندره به ما می‌گفت چقدر مهم است به نوجوانانی با پیشینه اول که اکنون در حال تشکیل گروه‌های نوجوانان هستند کمک شود از دوستان خود دعوت کنند که به ایشان بپیوندند."

کلارا پاسخ می‌دهد: "جالب است که این را می‌گوییم. این یکی از موضوعات گفتگوی ما در جلسه تأمل و بازنگری اخیرمان با معلمان کودکان بود. داشتیم بررسی می‌کردیم از چه راه‌های می‌توان به جوان‌ترها کمک کرد منش‌هایی را در خود پرورش دهند که آنها را به برقراری پیوندهای ماندگار

دوستی با همتایان خود قادر سازد. هر قدر ما موفقیت بیشتری حاصل کنیم، بعداً برای آنها طبیعی تر خواهد بود که از دوستان خود برای پیوستن به آنها در گروه‌های نوجوانان‌شان دعوت نمایند."

۱. اگر قرار است فرایند آموزشی که در محدوده‌های جغرافیایی سراسر عالم یکی پس از دیگری به حرکت درمی‌آید به ثمر رسد، دهه‌ها تلاش مستمر لازم خواهد بود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، چنین مشروع عظیمی نیازمند تعهد به اقدام درازمدت از سوی تعداد فزاینده‌ای از افراد است که به عنوان راهنمای حلقه‌های مطالعه، مشوقان گروه‌های نوجوانان، معلمان کلاس‌های کودکان و هماهنگ‌کنندگان خدمت می‌کنند و همه می‌کوشند در برابر نیروهای دنیایی که لذت‌های زودگذر و هیجانات کوتاه‌مدت آن را به تحلیل برده ایستادگی نمایند. تعهد به اقدام که به آن دعوت شده ایم البته تعهدی مشابه به یک فرایند یادگیری را ایجاد می‌کند، فرایندی که مستمراً به پیش می‌رود و ظهور و بروز می‌یابد. همچنان که ادراک از طریق مطالعه، اقدام و تأمل و بازنگری توسعه می‌یابد، به طور طبیعی وقت و انرژی و منابع بیشتری برای خدمت به امر مبارک تخصیص می‌دهیم. گزاره‌های زیر توصیف یکی از دوستان در مراحل مختلف خدمت او را ارائه می‌دهند. در گروه خود گفتگو کنید که در هر مرحله چقدر زمان و انرژی لازم است و سطح تعهد چقدر باید بر این اساس رشد کند.

الف. در آغاز، وقتی جوانی به تازگی مطالعه کتاب ۵ را به پایان رسانده و در نتیجه مکالماتی با تعداد زیادی از نوجوانان، گروهی با حدود ده عضو تشکیل داده که به صورت هفتگی ملاقات دارند.

---

---

---

---

ب. کمی بعد، وقتی همین مشوق گروه را برای مدتی هدایت کرده، کمپ‌ها و دوره‌هایی فشرده برای مطالعه را در الگوی فعالیت آن وارد ساخته، با والدین نوجوانان به طور سیستماتیک ملاقات دارد و به گروه کمک می‌کند تا پروژه‌هایی خدمتی طراحی و اجرا کنند.

---

---



---

---

ج. بعدتر، وقتی این مشوق به هماهنگ‌کننده کمک می‌کند جلساتی برای مشوقان محله تشکیل شود و کسی را در تلاش‌های آغازینش برای تشکیل یک گروه نوجوانان همراهی می‌کند.

---

---

---

---

۲. سپس به یک معلم کلاس‌های کودکان و برخی مراحل که او ممکن است در انجام این خدمت طی کند بیندیشید. این تلاش و تعهد فزاینده‌ای که هر مرحله از این معلم می‌طلبد توصیف کنید.

الف.

---

---

---

---

---

---

---

---

ب.

---

---

---

---

---

---

---

---

ج.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

۳. حال به کسی که به تازگی کتاب ۷ را به پایان رسانده و به تدریج وقت و انرژی بیشتری برای کمک به تعداد فزاینده‌ای از افراد در مطالعهٔ دوره‌های سلسلهٔ اصلی دروس و آماده‌سازی برای انجام خدمات صرف خواهد کرد بیندیشید. چند کلمه دربارهٔ سطح تعهد او در مراحل مختلف بگویید.

الف.

---

---

---

---

---

---

---

---

ب.

---

---

---

---

---

---

---

---

ج.

---

---

---

---

---

---

---

---

۴. حالا مقیاس فزایندهٔ فعالیت‌ها در یک محدودهٔ جغرافیایی را همان‌طور که در زیر اشاره شده در نظر بگیرید. هماهنگ‌کنندهٔ مسئول لازم است چقدر وقت و انرژی صرف کند و برخی وظایف و کارهایی که بیشترین توجه او را در هر سطح فعالیت می‌طلبد چیست؟

- حفظ پنج یا شش گروه نوجوانان: \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

- حفظ حدود پانزده گروه: \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

- حفظ سی گروه یا بیشتر: \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

- حفظ پنج یا شش کلاس کودکان: \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

- حفظ حدود پانزده کلاس: \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

- حفظ سی کلاس یا بیشتر: \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

سرانجام ماهیت تعهد لازم از سوی هماهنگ‌کننده حلقه‌های مطالعه در یک محدوده جغرافیایی که در آن برای ایجاد قابلیت استقرار پایدار پنج یا شش کلاس کودکان و پنج یا شش گروه نوجوانان تلاش می‌شود چیست؟

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

و ماهیت تعهد برای رسیدن به حدود پانزده فعالیت در هر یک از این دو چیست؟

---

---

---

برای تعداد سی یا بیشتر چطور؟

---

---

---

سرانجام، نکته دیگری درباره تلاش‌هایی که همه ما در هر مقامی برای خدمت به امر مبارک انجام می‌دهیم وجود دارد که تأکید بر آن در اینجا مناسب است. در حالی که چنین تلاش‌هایی اغلب به تقاضای یک هیئت یا هماهنگ‌کننده انجام می‌شوند، صرف وقت و انرژی ما هرگز نباید چیزی جز پاسخ به دعوت حضرت بهاءالله و مقتضیات این لحظه تاریخی ملاحظه شود. ما خود را به او متعهد ساخته‌ایم. شاید بخواهید این بخش را با تأمل بر توفیق زیر که از جانب حضرت ولی امرالله نوشته شده به پایان برید:

"احساس حضرت ولی امرالله آن است که اگر احباً با بی‌طرفی بیشتر درباره رابطه خود با امر مبارک و رابطه‌شان با گستره وسیعی از مردمان غیر بهائی که امید تأثیر بر ایشان را دارند تعمق می‌نمودند، امور را با وضوح بیشتری می‌دیدند. نه حضرت ولی امرالله و نه محفل ملی دوستان را مجبور به انجام هیچ کاری نمی‌کنند. ولی شرایط کنونی جهان مسائل بسیاری را به نظر می‌آورد. شاید یافتن ملت یا قومی که امروزه در حالت بحران نباشند غیرممکن باشد. مادی‌گرایی، فقدان دین حقیقی و نیروهای دون ماهیت انسانی که در نتیجه آن آزاد می‌شوند، کل جهان را به آستانه آنچه احتمالاً بزرگ‌ترین بحران پیش روی جهان در سراسر تاریخش است کشانده‌اند. بهائیان بخشی از دنیا هستند. آنها نیز فشارهای عظیمی را که همه مردم، هر که باشند و در هر جا باشند، امروزه به تحملش دچارند احساس می‌کنند. از سوی دیگر، نقشه ملکوتی که روش مستقیم کار کردن در جهت استقرار صلح و نظم جهانی است، ناگزیر به نقطه مهم و چالش‌انگیزی در ظهور خود رسیده است؛ به خاطر نیازهای عاجل جهان، بهائیان در می‌یابند که گرچه تعدادشان قلیل و قوت مالی و اعتبارشان محدود است، از آنها خواسته می‌شود مسئولیت عظیمی را به انجام رسانند. آنها باید همواره به یاد داشته باشند که وقتی حضرت ولی امرالله رجای خود را به اطلاع دوستان

می‌رسانند، صرفاً وضعیت را در معرض دید آنها قرار می‌دهند. هر یک باید بسنجند که پاسخش چه می‌تواند و چه باید باشد؛ هیچ کس نمی‌تواند این کار را برای او انجام دهد. هیچ فشاری جز فشار شرایط تاریخی وجود ندارد. حضرت ولی امرالله کاملاً درک می‌کنند که تقاضاهایی که از بهائیان می‌شود عظیم است و آنها اغلب در برابر وظایفی که پیش روی ایشان قرار دارد احساس عدم کفایت، خستگی و شاید وحشت می‌کنند. این طبیعی است. از سوی دیگر، باید درک کنند که قدرت الهی می‌تواند آنها را مساعدت کند و این کار را خواهد کرد. و از آنجا که آنها از این امتیاز برخوردارند که مظهر ظهور الهی امروز را پذیرفته‌اند، همین امر مسئولیت اخلاقی عظیمی را در قبال هم‌نوعان بر دوش آنها نهاده است. همین مسئولیت اخلاقی است که حضرت ولی امرالله مدام توجه دوستان را به آن جلب می‌کنند، زیرا ایشان نیز کاری نمی‌کنند مگر اطاعت از نیروی قوی شرایط

و انجام وظیفه فائق خود مبنی بر جلب توجه احباً به فرصت و امتیازات و مسئولیت‌هایی که دارند.<sup>۳۹۱</sup> (ترجمه)

## بخش بیست و پنجم

دوستانی که یک مسیر خدمت را با یکدیگر می‌پیمایند، در مکالمات جاری خود بصیرت‌های ارزشمندی را با هم در میان می‌گذارند. برای مثال هماهنگ‌کنندگان با ملاقات و گفتگو با تعداد فزاینده‌ای از راهنمایان، مشوقان و معلمان کودکان، درباره حوزه‌های خاص خدمت، یادگیری بسیاری حاصل می‌کنند. در این بخش درباره ماهیت چنین گفتگوهایی تأمل خواهیم کرد. در مورد گروه‌های نوجوانان، این مکالمات معمولاً حول جنبه‌های متنوع برنامه تواندهی روحانی به ویژه مطالعه متون، پروژه‌های خدمتی و فعالیت‌های تکمیلی است. داستان زیر بر پروژه‌های خدمتی تمرکز دارد.

در حدود یک ماه گذشته، آندره با مشوقان یکی پس از دیگری ملاقات داشته تا از پروژه‌هایی که نوجوانان در جامعه انجام می‌دهند مطلع شود. امروز او به ملاقات رودریگو و مونیکا آمده. در شروع به آنها می‌گوید که چقدر هیجان دارد که پیشرفت سریع برنامه نوجوانان در محدوده جغرافیایی را مشاهده می‌کند. او می‌گوید: "این که چطور پروژه‌های خدمتی توانایی جوانان را در تعامل معنادار با جامعه تقویت می‌کنند بسیار مهم است." سپس از رودریگو می‌پرسد که آیا مایل است افکار خود را درباره این جنبه از برنامه در میان گذارد.

رودریگو توضیح می‌دهد که وقتی گروه چند جلسه ملاقات داشت و چند درس از نسائم تأیید را مطالعه کردند، اعضا با اندکی کمک از سوی او، شروع به مشاهده دقیق محله و مشورت درباره پروژه‌های خدمتی که امکان انجامش را دارند نمودند. به عنوان اولین تلاش، تصمیم گرفتند ناحیه اطراف یک زمین را که جوانان محله اغلب در آن فوتبال بازی می‌کنند تمیز کنند. اول فقط فکرشان این بود که آشغال‌ها و بطری‌های شکسته را بردارند، اما بعداً یک مغازه‌دار از برنامه‌شان آگاه شد و به آنها چند سطل آشغال بزرگ داد. روی سطل‌ها نشانه‌هایی که با دست نقاشی کرده بودند گذاشتند: "لطفاً آشغال نریزید". اعضای گروه در ساعاتی که معمولاً جوانان محل برای فوتبال جمع می‌شدند به زمین فوتبال رفتند، با این اشتیاق که برخی از آن جوانان را در پروژه پاک‌سازی مشارکت دهند. آن روز همه چیز خیلی خوب پیش رفت؛ بسیاری از جوانان محله به آنها کمک کردند و وقتی همه رفتند، سطل‌های آشغال در جای خود گذاشته شده بودند و زمین همان‌طور که گروه امید داشت تمیز بود.

رودریگو ادامه می‌دهد: "متأسفانه سرور آن روز دوام چندانی نداشت. یک هفته بعد، یکی از اعضای گروه به جلسه آمد و اصرار داشت که همان لحظه به زمین فوتبال برویم. زمانی که به آنجا رسیدیم، منظره ناامیدکننده‌ای دیدیم. گرچه بعضی افراد از سطل‌های آشغال استفاده کرده بودند، سطل‌ها لبریز شده بود و زمین مثل همیشه پر از آشغال بود. ظاهراً چند روز قبل یک بازی انجام شده بود و افراد زیادی برای تماشا آمده بودند. ملاقات امروزتان درست به موقع بود. دارم سعی می‌کنم بفهمم چطور در رسیدگی به این وضعیت به گروه کمک کنم و دنبال راه حلی هستم."

آندره پاسخ می‌دهد: "آنچه تعریف کردی در واقع غیر متداول نیست. بنا به دلایلی، گروه‌های بسیاری تصمیم می‌گیرند به عنوان اولین پروژه خدمتی خود، مکان‌های عمومی را تمیز کنند. همیشه در آغاز همه چیز خوب به نظر می‌رسد، اما همواره درمی‌یابند که بهبود محیط زندگی مستلزم کار در مرزهای مختلفی است. در مورد گروه شما، حالا این امکان را داری که با نوجوانان درباره نیاز به ایجاد آگاهی در محله صحبت کنی، آگاهی نسبت به این امر که تلاش‌های کوچک می‌توانند در بهبود کیفیت محیط زندگی خیلی مؤثر واقع شوند. مسئله سطل‌های آشغال نیز هست. فکر کنم می‌توانم جلسه‌ای با چند عضو گروه و یکی از دوستانم تشکیل دهم؛ شاید این دوستم بتواند ترتیب بردن و تخلیه مرتب سطل‌ها را بدهد. این فرصتی برای شناختن بعضی افراد همکار در شهرداری و باز کردن صحبت درباره برنامه تواندهی روحانی نوجوانان با آنهاست."

مونیکا می‌گوید: "در اینجا عملکرد اصل بحران و پیروزی را در زندگی خود می‌بینیم. نوجوانان با بحرانی مواجهند که می‌تواند به درک بیشتری از واقعیت بینجامد. بر اساس این درک، راهبردهای پیچیده‌تری را می‌توان برای حل مشکلات جاری طراحی کرد."

آندره به رودریگو می‌گوید: "البته باید بدانید که افزایش آگاهی در جامعه نسبت به هر مسئله‌ای اقدامی پیچیده است و نوجوانان برای آن که دوباره ناامید نشوند باید این را بدانند. باید به آنها در درک این موضوع کمک کنی که می‌توانند شروع به برداشتن گام‌های کوچکی کنند و بعد بر اساس آن پیش روند. آلفارو آن روز به من می‌گفت که در یکی از شهرهای این محدوده جغرافیایی که به عنوان جایگاه نشر یادگیری در منطقه ما خدمت می‌کند، دو مشوق که در حال مطالعه دوره‌ای درسی درباره محیط زیست هستند تصمیم گرفتند گروه‌های خود را گرد هم آورند، زیرا هر دو داشتند برای تمیز کردن پارکی در آن نزدیکی برنامه‌ریزی می‌کردند. طی این جلسه، مشوقان چندین مسئله زیست‌محیطی را تجزیه و تحلیل کردند و پیشنهاد دادند اعضای گروه‌ها در حوالی محله قدم بزنند و برخی از چالش‌های مربوط به محیط زیست را که جامعه با آنها روبروست شناسایی کنند. در جلسه بعدی، نوجوانان مشاهدات خود را گزارش کردند و درباره انواع پروژه‌هایی که می‌توانستند بر عهده گیرند گفتگو کردند. یک نفر پیشنهاد داد که تعدادی از آنها می‌توانند با پدر او که برای شورای شهر کار می‌کند ملاقات کنند. آنها تصمیم گرفتند کار تمیز کردن پارک را به عنوان اولین پروژه خود بر عهده گیرند، ولی نمایندگان نیز برای ملاقات با پدر دوست‌شان فرستادند. آن ملاقات به جلسه‌ای با حضور اعضای مختلف جامعه، از والدین گرفته تا معلمان و یکی از اعضای شورا، انجامید. در این جلسه نوجوانان مشاهدات خود را ارائه دادند و اظهار داشتند که می‌خواهند کمک کنند. دو مشوق داوطلب شدند بر اساس آنچه در درس‌شان مطالعه می‌کردند، چند سمینار برای علاقه‌مندان به بحث درباره مسائل زیست‌محیطی برگزار کنند. یکی از معلمان محل یکی از کلاس‌های درسی مدرسه محلی را برای سمینارها پیشنهاد داد. تعداد زیادی از افراد در سمینارها شرکت کردند. بعداً هیئتی از والدین و معلمان تشکیل شد که نزد شورا بروند و خواهان بعضی از خدماتی شوند که در محله وجود نداشت. همه این اقدامات به دو گروه کمک کرد که در طول زمان به پروژه‌های خدمتی پیچیده‌تری بپردازند."

مونیکا می‌گوید: "این مکالمه واقعاً مفید است. ما همیشه در بستر ایجاد جوامع سرزنده و پویا درباره تلاش‌های مان صحبت می‌کنیم. پس ضروری است که یاد بگیریم چطور اعضای جامعه بزرگ‌تر را این مجهودات مشارکت دهیم. می‌توانیم کمی بیشتر درباره این مضمون گفتگو کنیم؟"

سه دوست مدتی به این مکالمه ادامه دادند. اما باید در اینجا درنگ کنیم و کمی درباره ماهیت مکالمات در فضاهای مختلف در یک محدوده جغرافیایی که در آن یک فرایند رشد به خوبی به راه افتاده است تأمل نماییم.

۱. مثال برنامه‌تواندهی روحانی نوجوانان را در نظر بگیرید. در جلسات خود گروه نوجوانان، مکالمه‌ای در جریان است که با مطالعه متون مختلف، درباره مفاهیمی مانند تأیید، امید، کمال، پیشرفت روحانی و مادی، خیر و شر، تقدیر و اختیار، روح ایمان و قوه روح القدس، تسهیل می‌شود. وقتی در این فضا، در چنین اندیشه‌هایی کاوش می‌شود سطح خاصی از ادراک مورد انتظار است. برای دستیابی به این سطح ضروری، باید موقعیت‌هایی ایجاد شود که در آن طی مکالمات میان مشوقان، این مضامین با عمق بیشتری مورد کاوش قرار گیرند. جلسات خواندن متون مربوطه و تجزیه و تحلیل آنها و نیز جلسات تأمل و بازنگری برای مشوقان دو مورد از این موقعیت‌ها هستند. در سطحی دیگر، افرادی که وظایف مرتبط با هماهنگ‌سازی را انجام می‌دهند باید همان مفاهیم را با عمقی حتی بیشتر بفهمند. این کار را با مطالعه فردی آثار و با مکالمات‌شان با هر یک از مشوقان محدوده جغرافیایی انجام می‌دهند. بیایید درباره مکالمه بین هماهنگ‌کننده و یک مشوق تفکر کنیم. البته برخی دانسته‌ها درباره گروه نوجوانان وجود دارد - تعداد افراد گروه، الگوی حضور و غیاب افراد، متن مورد مطالعه و مانند آن - که هماهنگ‌کننده در چنین موقعیتی جمع‌آوری می‌کند. اما تمرکز مکالمه نمی‌تواند بر این جزئیات باشد. همچنین هماهنگ‌کننده برای ارزیابی کار مشوق یا دستورالعمل دادن حضور نیافته. مکالمه فرصتی برای تبادل مداوم اندیشه‌ها و بصیرت‌هاست و لحن آن لحن کاوش‌گری است. برای گروه شما مفید خواهد بود اگر یکی از مفاهیم اشاره شده در بالا مانند تأیید را انتخاب کنید و گفتگو کنید که چطور یک هماهنگ‌کننده و مشوق درباره میزان تأثیر مطالعه نسائم تأیید در عمیق شدن درک نوجوانان از این مفهوم و انعکاس این ادراک در دیدگاه آنها نسبت به زندگی، زبان آنها و رفتارشان با هم کاوش می‌کنند. در واقع، شاید بخواهید یک مکالمه احتمالی طرح کنید و آن را در فضای زیر بنویسید.

---

---

---

---

---

---



---

---

---

---

---

۲. در گروه خود مضامینی را که باید در مکالمات بین یک هماهنگ‌کننده و یک معلم کودکان مورد بحث قرار گیرند شناسایی کنید. یک مضمون را انتخاب کنید و یک مکالمه احتمالی بین آن دو نفر بنویسید.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

۳. تصور کنید یک هماهنگ‌کننده حلقه‌های مطالعه در یک محدوده جغرافیایی تعدادی از راهنماها را ملاقات می‌کند، با این امید که درباره نحوه اجرای تمرینات یکی از کتاب‌ها، مثلاً کتاب ۱، یادگیری حاصل کند. یک مکالمه احتمالی بین این هماهنگ‌کننده و یکی از چنین راهنمایانی را در فضای زیر بنویسید.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

۴. مطالعه دوره‌های مؤسسه نقش مهمی در تقویت عادت مکالمه درباره مضامین روحانی در سراسر محدوده جغرافیایی دارد. به چه طریقی یک هماهنگ‌کننده حلقه‌های مطالعه می‌تواند به پیشرفت این عادت کمک کند؟

---

---

---

۵. در داستان بالا، آندره به وضوح از اهمیت تجهیز کل منابع جامعه آگاه است. این مطلب حاکی از آن است که مکالماتی در فضاهای بسیاری با اعضای مختلف جامعه در جریان است. می‌توانید برخی از این فضاها را شناسایی کنید؟ سعی کنید مکالمه بین دوست آندره را که برای شهرداری کار می‌کند با گروه نماینده نوجوانان، شامل رودریگو، تصور کنید و آن را در فضای زیر بنویسید.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## بخش بیست و هشتم

انیدیا به مدت دو سال به عنوان هماهنگ کننده تمام وقت دوره های متسلسل اصلی در محدوده جغرافیایی خدمت کرده است. او اخیراً با سرور بسیار پذیرفت که در حالی که سعی دارد بفهمد چطور تحصیلات رسمی اش را ادامه دهد، یک سال دیگر در این نقش بماند. بسیاری از شادترین لحظات او در مکالمه با تعداد فزاینده ای از دوستان متعهد که به عنوان راهنما در محدوده جغرافیایی خدمت می کنند صرف می شود و این کار عمده وقت او را به خود اختصاص داده. با این حال او می داند که علاوه بر ازدیاد حلقه های مطالعه، محدوده جغرافیایی نیازمند کمپین های فشرده و برنامه ریزی شده مؤسسه است. او هر بار حین برنامه ریزی چنین کمپینی، هدف دوجانبه ای در ذهن دارد: اول آن که گروه های دوستانی که مشغول گذراندن دوره های متسلسل هستند گرد هم آیند و از این موقعیت برای گذراندن یک واحد یا یک کتاب طی چند روز بهره برند و دوم آن که به طور حتم حداقل یک حلقه مطالعه برای کتاب ۱ آغاز شود.

انیدیا برای کمپین پیش رو، با کمک چند تن از هم کاران نزدیک خود، چندین گروه را شناسایی کرده که مایلند به مطالعه کتاب های ۳، ۵، ۶ و واحد اول کتاب ۸ بپردازند. او با تعدادی از راهنمایان که در دسترس هستند صحبت کرده و هر یک از آنها را برای یکی از گروه ها تعیین کرده. با توجه به این که محدوده همواره به تعداد بیشتری راهنما نیاز دارد، او همچنین نهایت سعی خود را می کند که چندین تن از دوستان را که کتاب ۶ را گذرانده اند تشویق نماید تا مطالعه کتاب ۷ را طی این کمپین آغاز کنند. ضمناً به فکر هدف مهم دوم و نحوه دستیابی به آن بوده است. در مکالمه ای با آندره، درمی یابد که رودریگو و دو تن از دوستانش، کارلوس و آلیسیا که طی کمپین قبلی وارد فرایند مؤسسه شدند و اکنون به عنوان مشوق گروه های نوجوانان خدمت می کنند، با هم مدرسه ای های خود صحبت کرده اند و توانسته اند چندین نفر را به پیوستن به حلقه مطالعه کتاب ۱ دعوت کنند. امروز، انیدیا با این سه نفر ملاقات دارد تا درباره امکان تشکیل حلقه مشورت کنند. مونیکا نیز حضور دارد.

آلیسیا، کارلوس و رودریگو از شنیدن این که کمپینی در راه است خوشحال هستند. پس از مشورتی مختصر، به این نتیجه می رسند که تا پانزده نفر از دوستان شان ممکن است علاقه داشته باشند شرکت کنند. سپس این سه نفر تصمیم می گیرند برای دوستان خود جلسه ای شبیه جلسه ای که خودشان حدود یک سال قبل در آن شرکت کردند ترتیب دهند تا درباره ماهیت خدمتی که جوانان می توانند به جامعه نمایند و راه های پیش روی آنها مشورت کنند. بقیه مشورت آن روز عمدتاً بر محتوای مکالمه در جلسه پیشنهادی متمرکز است.

رودریگو به انیدیا و مونیکا می‌گوید: "دوستان ما می‌دانند که ما با گروه‌های نوجوانان کار می‌کنیم و چند نفر از آنها اشاره کرده‌اند که مایلند در برنامه شرکت داشته باشند. از ملاقات آنها لذت خواهید برد."

انیدیا می‌گوید: "مطمئنم که همین طور است. به یاد دارم سال گذشته ملاقات با حدود پنج نفر از شما و داشتن مکالمه‌ای مشابه چه اتفاق خاصی بود. از آن زمان، طی هر یک از ادوار سه ماهه فعالیت چنین جلسه‌ای برگزار کرده‌ایم، اما این جلسه گرد آوردن تعداد قابل توجهی از جوانان را نوید می‌دهد. خیلی دلگرم‌کننده است که بینی چطور این جنبه مساعی جامعه‌سازی ما دارد پیشرفت می‌کند."

آیسیا می‌گوید: "مکالمه‌ای که داشتیم مکالمه بسیار با معنایی بود. چطور برایش آماده شدید؟"

انیدیا پاسخ می‌دهد: "خوب، راهی نیست که بتوانی از قبل تعیین کنی چنین مکالمه‌ای احتمالاً چطور پیش می‌رود. کاری که آن موقع کردیم آن بود که میان خودمان درباره هدف مکالمه و مضامین کلی که امید داشتیم به آنها بپردازیم صحبت کردیم. و مانند همیشه، برخی از هدایات مربوطه از بیت العدل اعظم را مرور کرده بودیم. در واقع من چند پاراگراف از پیام ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم انتخاب کرده‌ام و پیشنهاد می‌کنم با خواندن آنها شروع کنیم." آنها به نوبت بیانات زیر را با صدای بلند می‌خوانند:

"بینشی قاطع از اینکه چگونه می‌توان در بنای دنیایی جدید مشارکت نمود نسلی از جوانان را به میدان عمل آورده است. رهبران اجتماع در بعضی از نقاط جهان با شگفتی از آنچه مشاهده نموده‌اند مؤکداً از بهائیان می‌خواهند که برنامه‌های خود را برای تعلیم و تربیت افراد جوان وسعت دهند."<sup>۴۰</sup>

"فعالیت‌های شگرف جوانان در میدان خدمت یکی از بهترین ثمرات نقشه کنونی است. اگر برآستی گواهی بر وجود استعداد خارق‌العاده جوانان لازم بود آن گواه اکنون به نحو انکارناپذیری مدلل گشته است. پس از برگزاری کنفرانس‌های جوانان در سال ۲۰۱۳ فوران نیرویی که صرف انجام کار در محدوده‌های جغرافیایی گردید به وضوح نشان می‌دهد که چگونه جامعه اسم اعظم قادر است والاترین آمال نسل جوان را جلوه‌گر سازد. موجب نهایت سرور است که پس از شرکت بیش از هشتاد هزار نفر جوان در این کنفرانس‌ها، گروه دیگری متجاوز از صد هزار نفر به آنان ملحق

و در فضاهای متعدد محسوس شدند. فراهم کردن تمهیداتی برای تشویق جوانان به مشارکت کامل در فعالیت‌های جامعه باید بخش مهمی از نقشه جدید را تشکیل دهد.

"مشارکت پرشور جوانان این واقعیت را نیز تأیید نمود که این نور دیدگان پذیراترین عنصر هر جمعیت مستعدی هستند که دوستان خواهان تماس با آن می‌باشند. یادگیری حاصله در این زمینه آن است که چگونه می‌توان افراد جوان را یاری نمود تا از نقشی که قادرند در بهبود اجتماع خود داشته باشند آگاه شوند. با افزایش آگاهی، جوانان به نحو فزاینده‌ای اهداف جامعه بهائی را اهداف خود دانسته اشتیاق خود را برای صرف قوای خویش در جهت انجام امور جاری ابراز می‌دارند. گفتگو در این زمینه این علاقه را برمی‌انگیزد که چگونه قدرت‌های مادی و معنوی که در دسترس جوانان است در این دوره از حیات می‌تواند برای برآوردن نیازهای دیگران به خصوص نسل‌های جوان‌تر هدایت شود. گردهمایی‌های روزافزون مخصوص جوانان اینک با وفور بیشتری در سطح محدوده جغرافیایی و حتی در سطح محله یا دهکده برگزار می‌شود و موقعیت‌های مطلوبی برای شدت بخشیدن به این گفتگوهای جاری ایجاد می‌کنند. تشکیل این قبیل جلسات یکی از ویژگی‌های مشترک ادوار فعالیت در بسیاری از محدوده‌های جغرافیایی می‌باشد.

"تجربه نشان می‌دهد که اگر گفتگو در باره کمک به بهبود وضع اجتماع به بررسی مضامین روحانی نپردازد نمی‌تواند موجبات بهره‌مندی از عمیق‌ترین سرچشمه‌های انگیزه را فراهم آورد. اهمیت 'عمل کردن' - قیام به خدمت و همراهی دیگر نفوس - باید با مفهوم 'بودن' - افزایش درک تعالیم الهی و انعکاس خصایل روحانی در زندگی شخصی - هماهنگ باشد. بدین ترتیب است که جوانان بعد از آشنایی با سرشت والای رسالت آیین بهائی و با چشم‌اندازی که برای عالم انسانی تصویر می‌کند، طبیعتاً اشتیاق به خدمت را احساس می‌کنند، اشتیاقی که سریعاً مورد توجه مؤسسه آموزشی قرار می‌گیرد. برآستی شکوفایی قابلیت جوانان هدف مقدس برای هر مؤسسه آموزشی است. با این حال پرورش بیشتر این قابلیت در حال بروز مسئولیت کلیه مؤسسات امری است. آمادگی‌ای که جوانان برای اقدام در هرگونه خطوط عمل منتخب خویش از خود نشان می‌دهند می‌تواند ما را از این واقعیت غافل کند که آنان بعد از گام‌های اولیه به حمایت مستمر مؤسسات و نهادهای محدوده جغرافیایی نیازمندند.

"جوانان نیز یکدیگر را در این جهت حمایت می‌نمایند؛ به شکل گروه گرد هم می‌آیند تا بیشتر مطالعه نمایند، در مورد خدمات خود مذاکره کنند، مساعی هم‌دیگر را تقویت نموده، عزم خود را

قوی‌تر سازند، و دایره دوستی را وسیع‌تر کنند. تشویقی این‌چنین و از طرف هم‌سالان، گزینه‌ای است برای جوانان در مقابل ندهای فریبده‌ای که آنان را به سوی دام مصرف‌گرایی می‌کشاند، وسیله‌ای است برای مقاومت با شیفتگی‌هایی که اعتیادوار عمل کرده وقت و انرژی را به خود معطوف می‌کند، و هم‌چنین پشتیبانی است برای مقابله با نیروهایی که آنان را به خبیث جلوه دادن دیگران فرا می‌خواند. در بستر این‌چنین مادی‌گرایی یأس‌آور و اجتماعی در حال فروپاشی است که برنامه نوجوانان در این زمان ارزش خاص خود را ظاهر می‌سازد، برنامه‌ای که عرصه‌ای مطلوب در اختیار جوانان قرار می‌دهد تا به افراد جوان‌تر از خود کمک کنند تا در مقابل قوای فرساینده‌ای که به ویژه آنان را هدف قرار داده است ایستادگی نمایند.

"با حرکت جوانان در مسیر خدمت، مجهودات‌شان با فعالیت‌های محدوده جغرافیایی یک‌پارچه می‌شود و در نتیجه تمامی جامعه به عنوان یک کلیت منسجم شکوفا می‌گردد. تماس با خانواده‌های جوانان راهی طبیعی برای تقویت جامعه‌سازی است. وظیفه خطیر مؤسسات و نهادهای امری حال این است که قابلیت خود را برای یافتن راه‌های به ثمر رساندن سیستماتیک استعدادهای بالقوه جوانان افزایش دهند. با آگاهی بیشتر از مقتضیات و خصوصیات این گروه سنی، مؤسسات قادر خواهند بود بر طبق آن برنامه‌ریزی کنند مثلاً فرصت‌هایی فراهم آورند که شاید بلافاصله بعد از اتمام یک گردهمایی جوانان، شرکت‌کنندگان بتوانند دوره‌های مؤسسه را به طور فشرده، مطالعه نمایند. اشاعه انرژی حاصله از وجود گروهی پویا از جوانان موجب تسریع انجام امور در داخل محدوده جغرافیایی می‌گردد."<sup>۱</sup>

رودریگو اظهار می‌دارد: "شگفت‌انگیز است. نکات زیادی درباره ما جوانان وجود دارد. بیت‌العدل ما را خیلی خوب می‌شناسند."

انیدیا پاسخی نمی‌دهد؛ سرور از این که می‌بیند جوانان به بیت‌العدل اعظم نزدیک‌تر می‌شوند او را فراگرفته.

مونیکا می‌گوید: "بله، قطعاً توان و قوای نهفته و حقیقی ما را می‌دانند. پیام درباره انگیزه یافتن جوانان صحبت می‌کند، انگیزه‌ای ملهم از چشم‌انداز مشارکت در بنای یک دنیای جدید. آیا نباید سعی کنیم به دوستان‌تان کمک کنیم تا به چنین چشم‌اندازی برسند؟"

پاسخ آلیسیا این است: "فکر نمی‌کنم در یک جلسه بتوان به آن دست یافت. اما مشاهده بارقه‌هایی از چنین چشم‌اندازی را طی اولین مکالمه‌مان به خوبی به یاد دارم."

کارلوس می‌افزاید: "واقعاً هم انگیزه پیدا کردیم."

آلیسیا ادامه می‌دهد: "دو نکته خاص هست که از جلسه اول به خوبی به یاد دارم. وقتی برخی از شما صحبت می‌کردید، اندیشه‌هایی را توضیح می‌دادید که درباره‌شان فکر کرده بودم اما هرگز کلماتی برای ابرازشان نیافته بودم. بعد حس اعتماد به دست آمد، یا حداقل شروع اعتماد به این که می‌توانم واقعاً برای پیشرفت جامعه‌مان کاری انجام دهم."

کارلوس می‌گوید: "در سال گذشته، به ویژه پس از گذراندن کتاب ۵، به تدریج آگاه شده‌ام که چقدر تغییر در عالم نیاز است. اما شما روی مشکلات عالم تکیه نکردید، و من واقعاً قدرتان این مسئله بودم؛ شما به چند مشکل اشاره کردید، اما مکالمه را به سوی چشم‌انداز زیبای حضرت بهاءالله از یک دنیای جدید و نحوه مشارکت همه ما در بنای آن هدایت کردید. فکر می‌کنم اگر خیلی درباره بعد منفی آن صحبت می‌کردید، جلسه غم‌انگیز می‌شد؛ قطعاً به آن اندازه مشتاق نمی‌شدم."

رودریگو با لبخندی رو به مونیکا می‌کند و می‌گوید: "مونیکا، تو هم سال گذشته در آن جلسه با ما شرکت کردی. در اکثر مدت زمان جلسه تو تقریباً ساکت بودی، اما یک بار درباره فرصت بزرگی که برای آموزش نسل جوان‌تر داریم صحبت کردی. وقتی تجربه مشوق بودن خود را توصیف کردی، من حقیقتاً الهام گرفتم. چه کسی فکرش را می‌کرد که تو مرا در برداشتن گام‌های اول به سوی مشوق شدن کمک خواهی کرد!"

کارلوس و آلیسیا هر دو سر خود را به نشان رضایت تکان می‌دهند. کارلوس می‌گوید: "این بخشی از مکالمه با دوستان‌مان در جلسه است که من شاید بتوانم در آن مشارکت کنم. گرچه من مفاهیمی مانند هدف اخلاقی دوجانبه را درک می‌کنم، برایم سخت خواهد بود درباره آنها خیلی صحبت کنم. اما درباره گروه نوجوانانی که به عنوان مشوق آن خدمت می‌کنم، تا ابد می‌توانم صحبت کنم."

با نظر کارلوس، مشورت به صورت طبیعی به بررسی مضامینی می‌رسد که امکان پرداختن به آنها در جلسه جوانان وجود دارد. انیدیا با استفاده از کتاب ۵، مواد آماده شده برای کنفرانس‌های جوانان در سال ۲۰۱۳ که به دعوت بیت‌العدل اعظم تشکیل شدند و چند منبع دیگر، مجموعه‌ای کوچک از بیانات درباره مضامین زیر درست کرده: دوران جوانی؛ هدف اخلاقی دوجانبه و رابطه بین تحوّل فردی و اجتماعی؛ نیروهای سازنده و مخرب که در اجتماع درکارند؛ پیشرفت مادی و روحانی؛

خدمت به جامعه؛ تربیت نسل‌های جوان‌تر؛ اوایل نوجوانی به عنوان مرحله‌ای حسّاس از زندگی؛ مؤسسه و فرایند آموزشی که توسط آن ترتیب داده می‌شود. گروه مذاکرات پرشوری دارند و انیدیا با سرور وافر جلسه را ترک می‌کند.

۱. در داستان بالا، کم کم می‌بینیم که چطور افزایش قابلیت پرداختن به مکالمات با معنا با جوانان در زمینه‌های مختلف، برای ترویج مستمر فرایند آموزشی که مؤسسه آموزشی در یک محدوده جغرافیایی به راه می‌اندازد ضروری است. در اینجا شما و دیگر اعضای گروه‌تان فرصت دارید تا با یکدیگر درباره ماهیت این قابلیت و مضامین روحانی که به اشاره بیت‌العدل اعظم موجبات بهره بردن از "عمیق‌ترین سرچشمه‌های انگیزه" را فراهم می‌آورد تفکر نمایید. به عنوان گام اول، با به یاد داشتن فهرست انیدیا و استفاده از منابعی که در دسترس شماست، نباید برای گروه‌تان سخت باشد که برخی از بیانات را درباره مضامینی که او شناسایی کرده گردآورید. وقتی این کار را کردید، می‌توانید درباره هر مضمون شروع به کاوشی جامع نمایید. احتمالاً لازم است گروه شما برای انجام چنین کاوش‌هایی زمان بگذارد، به ویژه اگر تصمیم بگیرید یک قدم جلوتر بروید و به یک فرایند مرتبط اقدام و تأمل و بازنگری بپردازید. در آن صورت، هر یک از اعضا می‌توانند با برخی از جوانان درباره مضامین پیشنهادی، مکالمه‌ای برگزار نمایند و سپس می‌توانید با یکدیگر درباره هر تجربه تأمل نمایید.

۲. تجربه نشان می‌دهد که بسیاری از جوانانی که در نوعی مکالمه شبیه آنچه در این بخش توصیف شد شرکت می‌کنند، چنان مشتاق می‌شوند که می‌خواهند یک اقدام خدمتی را هر چه زودتر آغاز کنند. این اغلب مؤسسه را بر آن می‌دارد که به آنها در مطالعه مثلاً کتاب ۱ و ۵، یا کتاب‌های ۱، ۲ و ۳ در کمپین‌های فشرده ویژه کمک کنند تا آنها بتوانند خدمت به عنوان مشوق یک گروه نوجوانان یا معلم کلاس‌های کودکان را آغاز نمایند. اما مهم است به یاد داشته باشیم که پیش رفتن در مطالعه کتاب‌های باقیمانده، رابطه مکمل بین "بودن" و "عمل کردن" را که آنها می‌خواهند در زندگی بدان دست یابند بسیار تقویت می‌کند. قسمت زیر از پیام ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ بیت‌العدل اعظم را در نظر بگیرید:

"در طی این دوره‌های متسلسل، در حال حاضر دو مقطع وجود دارد که در آن فرد مختار است وارد یک مسیر خاص خدمت گردد. اولین مقطع بعد از مطالعه کتاب ۳ می‌باشد. از میان دوستانی که این کتاب را تمام می‌کنند و کلاس نسبتاً ساده‌ای را برای شاگردان کلاس اول از یک برنامه تربیت روحانی کودکان شروع می‌نمایند درصد معینی مایل خواهند بود وقت خود را وقف این خدمت نموده به مرور دوره‌های منشعب جامع‌تری را برای تدریس شاگردان سال‌های ۲ تا ۶



بگذرانند. این بدان معنی نیست که این افراد دوره‌های متسلسل اصلی را مطالعه نخواهند کرد. در واقع دوره‌هایی که یک مسیر خاص خدمت را تشکیل می‌دهند بر این فرض تهیه شده‌اند که شرکت‌کنندگان هر یک با سرعتی متناسب با وضعیت خود دوره‌های متسلسل اصلی را نیز خواهند گذارند. کتاب ۵ که هدف آن پرورش مشوقین گروه‌های نوجوانان می‌باشد مقطع دومی است که مجموعه‌ای از دوره‌ها از آن منشعب می‌گردد.<sup>۴۲</sup>

کمی تأمل بر بیان بالا کاملاً واضح می‌کند که جدای از قابلیت‌هایی که از طریق دو مجموعه دروس منشعب پرورش داده می‌شود، خصایصی وجود دارند که در کلّ تسلسل دوره‌ها به آنها پرداخته می‌شود و کسانی که انتخاب کرده‌اند به عنوان معلم کودکان یا مشوق گروه‌های نوجوانان خدمت کنند لازم است آنها را کسب نمایند، یعنی مجموعه‌ای غنی از مفاهیم که باید درک نمایند و مهارت‌ها و توانایی‌ها، منش‌ها و صفات روحانی که باید در خود تقویت کنند. شاید گروه شما بخواهد از این فرصت استفاده کند و طی یک یا دو جلسه خاص که برای این هدف کنار گذاشته شده، محتوای واحدهای کتاب‌های ۱، ۲، ۴، ۶ و ۷ را به دقت بررسی نماید و خصایصی که در هر کتاب به آنها پرداخته شده و به کارهای زیر مرتبط است شناسایی نماید:

الف. یک معلم کلاس‌های کودکان: \_\_\_\_\_

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

ب. یک مشوق گروه نوجوانان: \_\_\_\_\_

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

۳. در همان یک یا دو جلسه اشاره شده، همچنین شاید بخواهید برخی بصیرت‌هایی را که برای کاریک معلم کلاس‌های کودکان ارزشمند است و می‌توان از مطالعه کتاب ۵ به دست آورد شناسایی کنید.

---

---

---

---

---

---

۴. و برخی بصیرت‌هایی که برای کاریک مشوق گروه‌های نوجوانان ارزشمند است و می‌توان از مطالعه کتاب ۳ به دست آورد چه هستند؟

---

---

---

---

---

---

۵. بسیاری از جوانانی که در بستر تمرینات بالا درباره آنها فکر می‌کنیم، در نهایت، در ادامه راه، کتاب ۸ و کتاب‌های پس از آن را که به عنوان دروس جدید در دسترس قرار می‌گیرند مطالعه خواهند کرد. چرا مهم است هماهنگ‌کنندگان مؤسسه ترتیبات لازم را بدهند تا با گذر زمان، جوانان فرصت گذراندن این کتاب‌ها را نیز داشته باشند؟

---

---

---

---

---

---

## بخش بیست و هفتم

انیدیا عادت کرده تأملات خود و درس‌هایی را که می‌آموزد در دفترچه‌ای یادداشت کند. در اینجا برخی نوشته‌های دفترچه یادداشت او، بدون ترتیب زمانی، آمده که ممکن است گروه شما گفتگو درباره آنها را مفید یابد. درگذر زمان، همچنین شاید بخواهید آثار مبارکه به ویژه پیام‌های اخیر بیت العدل اعظم را بررسی کنید تا بیاناتی بیابید که بر مسائل مورد نظر او پرتو می‌افکند.

- بیت العدل در پیام ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ خود به محوریت فرایند مؤسسه در پیش برد حرکت جمعیت‌ها به سوی چشم‌انداز امر مبارک برای عالم انسانی اشاره می‌فرمایند. در آن پیام آمده: "در این صورت، هم شمار کسانی که مطالعه موادّ درسی مؤسسه آموزشی را آغاز می‌کنند افزایش می‌یابد و هم دوستانی که با شروع این مطالعه انرژی خود را هم‌زمان صرف تشکیل کلاس‌های کودکان، گروه‌های نوجوانان، جلسات دعای جمعی و یا فعالیت‌های مربوطه دیگر می‌نمایند، حمایت و مساعدت می‌شوند تا دوره‌های بعدی را تکمیل کنند. با تداوم حرکت افراد در دوره‌های مؤسسه و ورودشان به میدان عمل، دایره کسانی که فرایند رشد را استمرار می‌بخشند گسترش می‌یابد. میزان پیشرفت تا حدّ زیادی بستگی به کیفیت کوشش افرادی دارد که به عنوان راهنما خدمت می‌کنند." چطور من، به عنوان هماهنگ‌کننده مؤسسه، در بهبود کیفیت تلاش‌های یک دوست که به عنوان راهنما خدمت می‌کند کمک می‌کنم؟ به وضوح لازم است راهنماها درک هر چه بیشتری از محتوای کتاب‌های مؤسسه به دست آورند؛ جلسات تأمل و بازنگری که مرتب برگزار می‌کنیم و در آنها اغلب بخش‌های خاصی از یکی از کتاب‌ها را بررسی می‌نماییم قطعاً به این هدف کمک می‌کنند. ما همچنین در جمع‌ها درباره توانایی‌هایی که باید در خود پرورش دهیم تا در خدمت خود هر چه کارآمدتر شویم صحبت می‌کنیم. دانستن این که چه زمان صحبت کنیم و چه زمان ساکت بمانیم، این که اجازه دهیم درباره یک اندیشه به طور کامل اما نه بیش از حد طولانی گفتگو شود، این که ضرب‌آهنگ پیشرفت حفظ شود، به بسیاری از این‌ها در کتاب ۷ اشاره شده و بارها درباره آنها مشورت می‌کنیم. اما صرفاً با صحبت درباره توانایی‌ها، آنها را در خود پرورش نمی‌دهیم. تمرین لازم است و این چیزی است که باید همیشه در ذهن داشته باشیم. مکالمات من با هر راهنما باید بر تجربه او در خدمت، دستاوردها و چالش‌هایش متمرکز باشد؛ باید یاد بگیریم به هر یک کمک کنم تا گام‌های بعدی پیشرفت خود به عنوان یک راهنما را ببیند و نباید به بحث درباره کلیات راضی باشم.

• چه چیزی یک راهنما را بر ایجاد و حفظ اشتیاق میان شرکت‌کنندگان یک حلقه مطالعه و ایجاد شوق در آنها برای حرکت به میدان عمل توانمند می‌سازد؟ کاش بصیرت‌های بیشتری درباره این مسئله داشتیم. دانشی صحیح از محتوای کتاب مورد مطالعه و توانایی کمک به پیشرفت درک گروه البته ضروری است. اما چیزهای دیگری نیز مطرح هستند. قلب مسرور داشتن و توانایی پرورش محیطی سرورانگیز، احترام عمیق به تک تک اعضای گروه، منجذب امور روحانی بودن، همواره آماده دریافت مساعدت از ملاً اعلی بودن، همه این نوع حالات روحانی، لازم هستند. باید ببینیم آیا تعدادی از راهنماها مایل خواهند بود به دنبال بیاناتی از آثار مبارکه درباره این حالات بگردند و آنها را با بقیه ما در میان گذارند.

• از زمانی که دیگر خودم را تنها فرد موجود برای همراهی راهنمایان در میدان خدمت نمی‌انگارم، مسائل آسان‌تر شده. حدود چهار نفر هستند که کتاب ۷ را به پایان رسانده‌اند و داریم یاد می‌گیریم که کار خود را به صورت یک تلاش جمعی رو به توسعه ببینیم. همکاران طبیعتاً به یکدیگر کمک می‌کنند. وقتی یک حلقه مطالعه علایم ضعف از خود نشان می‌دهد، همیشه کسی هست که بتواند به راهنما در بازگرداندن اشتیاق کمک کند. وقتی کسی در فراهم کردن تمهیدات برای انجام تمرین مربوط به یک دوره درسی مشکل دارد، همیشه چند راهنمای باتجربه‌تر وجود دارند که می‌توانم برای مساعدت، از آنها کمک بخواهم. فکر می‌کنم اشتباه بود کسانی را که به هر دلیلی، دست از اداره حلقه‌های مطالعه برداشتند فراموش کنیم. هفته گذشته، به صورت اتفاقی به یکی از این دوستان برخوردیم و از او خواستم آیا می‌تواند جای یکی از راهنماها را که باید برای چند هفته به بیمارستان برود بگیرد. او با خوشحالی بسیار پذیرفت.

• ترویج سرعت پیدا کرده و راهنماهای کافی برای تمام کسانی که مشتاق ورود به فرایند مؤسسه هستند وجود ندارد. در جلسه بعدی راهنمایان، باید فهرستی از نام شرکت‌کنندگان حلقه مطالعه تهیه کنیم که در هر نقطه از سلسله اصلی دروس که باشند، مشتاقند به محض این که ترتیبات لازم را بدهیم، با سرعت کم یا زیاد به کتاب ۷ برسند. پیش از این کار، باید زمانی را به مشورت درباره آن نوع "راه حل‌های مبتکرانه" که می‌توانیم بدون حذف بخش‌هایی از درس‌ها طراحی کنیم تا به ما در رسیدن به این هدف کمک کند اختصاص دهیم، چنان که در پیام ۲۹ دسامبر اشاره شده: "اگر دوره‌های مؤسسه عجولانه به پایان رسد قابلیت خدمت به حد کافی پرورش نمی‌یابد و برعکس اگر مطالعه این دوره‌ها بیش از حد طولانی گردد پویایی لازم برای پیشرفت حاصل نمی‌شود. راه حل‌های مبتکرانه در موقعیت‌های مختلف به کار گرفته شده است تا تعادل لازم حاصل گردد و بعضی از ساکنین محدوده در طول مدتی معقول قادر شوند به عنوان راهنما خدمت کنند."

- حالا که دوستان در محدوده جغرافیایی ما می‌توانند به سهولت با جوانان مکالمه کنند و پیوسته تعدادی از آنها را در ادوار متوالی فعالیت به مطالعه دوره‌های مؤسسه دعوت کنند، لازم است اطمینان حاصل کنیم که قابلیت ما در کمک به این جوانان برای گذراندن کتاب‌ها با سرعت معقول نیز به تناسب، پرورش خواهد یافت. در واقع، چند تن از این جوانان و حدود بیست نفر از دیگر کسانی که پس از اتمام برنامه تواندهی روحانی نوجوانان وارد فرایند مؤسسه شدند، به زودی به پایان کتاب ۷ خواهند رسید و لازم خواهد بود به سرعت، در گام برداشتن به میدان خدمت در نقش راهنما، مساعدت شوند. باید با هم‌کارانم مشورت کنم تا حدود چهار یا پنج فرد باتجربه‌تر پیدا کنم که بتوانند در همراهی این راهنمایان جدید به ما پیوندند.
- هر گاه گرد هم می‌آییم تا تلاش‌های مان برای همراهی راهنمایان جدید به میدان خدمت را سازمان‌دهی کنیم، خوب خواهد بود اگر به خود یادآوری کنیم که انتظارات نامعقول و بیش از حد نداشته باشیم. اکثر ما اولین باری که یک حلقه مطالعه را اداره می‌کنیم دست‌پاچه هستیم؛ هیچ‌کس صرفاً با مطالعه کتاب ۷ به یک راهنمای کامل تبدیل نمی‌شود. فقط با گذر زمان و تجربه است که اطمینان ایجاد می‌شود و قابلیت‌های ضروری پرورش می‌یابد.
- آن عده از ما که در کنار راهنمایان جدید کار می‌کنیم، همواره در حال یادگیری هستیم. مشورت شب گذشته ما خیلی روح‌بخش بود؛ ضمن تجزیه و تحلیل تجربه جمعی مان، بصیرت‌های بسیاری به دست آوردیم. واضح شد که گرچه همه کسانی که عزم خدمت به عنوان راهنما را دارند، از مساعدت یک دوست بهره می‌برند، اما همه نیازمند یک نوع حمایت نیستند. برای مثال، جلساتی که در آن بخش‌های چالش‌انگیز یک کتاب خاص را مرور می‌کنیم، به برخی دوستان برای خدمت به عنوان راهنمای آن دوره درسی، آمادگی کافی می‌دهد و درک‌شان از طریق مکالماتی که گاه در تأمل بر تجربه‌شان با یک دوست دارند پیشرفت می‌کند. بعضی دیگر مساعدت بیشتری نیاز دارند. گاه لازم است بعضی بخش‌ها را به صورت فردی با یک راهنما که در حال شروع کار است مرور کنیم. کسانی نیز هستند که اگر فردی با تجربه بیشتر در اولین جلسات یک حلقه مطالعه به آنها کمک کند حس اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کنند.
- مثل شرکت‌کنندگان که با گذراندن دوره‌های مؤسسه درک‌شان افزایش می‌یابد، راهنمایان نیز قابلیت خود را در هدایت مطالعات و تمرینات کتاب‌های سلسله اصلی دروس یکی پس از دیگری به تدریج افزایش می‌دهند. دو نفر از هم‌کاران اشاره می‌کردند که چندین راهنما که کتاب ۱ را به راحتی با گروه مطالعه می‌کنند، ارائه کتاب ۲ برای‌شان چالش‌انگیز است. برخی دیگر همین امر را در زمینه دوره‌های بالاتر تأیید کرده‌اند. البته اصلاً ایرادی ندارد اگر کسی به هر دلیلی بخواهد مکرراً راهنمای

یکی از کتاب‌ها باشد. اما باید برای مساعدت دوستانی که مایلند قابلیت خدمت به عنوان راهنمای کل سلسله دروس را در خود پرورش دهند زمان و انرژی لازم را اختصاص دهیم.

• در جلسه تأمل و بازنگری راهنمایان در آخر هفته گذشته، بر اجرای قسمت‌های عملی دوره‌های درسی تمرکز داشتیم. این قسمت از پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت‌العدل اعظم نقطه شروعی برای مشاورات مان فراهم کرد: "قابلیت‌های راهنما با ورود وی به میدان عمل و کمک به دیگران در جهت نیل به اهداف سلسله نقشه‌های جهانی کنونی از طریق مطالعه دوره‌های متسلسل و اجرای قسمت‌های عملی آن، به تدریج افزایش می‌یابد." واضح است تلاش انجام شده برای کمک به شرکت‌کنندگان حلقه‌های مطالعه در اجرای قسمت‌های عملی کتاب‌ها نه تنها قابلیت آنها را برای انجام خدمات در آینده افزایش می‌دهد، بلکه قابلیت‌های خود راهنمایان را نیز تقویت می‌کند. یکی از راهنمایان اشاره کرد اولین باری که باید مجموعه‌ای از ملاقات‌های خانگی را از طریق لجنة تبلیغ ناحیه‌ای برای اعضای یک حلقه مطالعه کتاب ۲ سازمان‌دهی می‌کرد، چقدر نیاز داشت از نزدیک همراهی شود و این که بار دوم چقدر انجام ترتیبات ضروری برایش راحت تر بوده. دوست دیگری به ما گفت که به تازگی به اهمیت واحد سوم کتاب ۲، "معرفی اعتقادات بهائی"، پی برده. او اکنون به عنوان راهنمای آن کتاب خدمت می‌کند و این طور که تعریف می‌کرد در چند جلسه گذشته، اعضای حلقه مطالعه بین خودشان تمرین کرده‌اند که چطور تسلسل اندیشه‌های مربوط به هر موضوع ارائه شده در این واحد را بیان کنند. در فاصله بین این جلسات، چندین تن از شرکت‌کنندگان توانسته‌اند این اندیشه‌ها را در مکالمات روزانه خود وارد کنند و در حلقه مطالعه تجزیه و تحلیل کرده‌اند که چه چیز از تجربه‌شان یاد گرفته‌اند. این به آنها کمک می‌کند "خود را عوامل فعال یادگیری خویش" بدانند. جای تعجب نیست که تعداد معتنا بهی از حاضران در جلسه تأمل و بازنگری درباره تلاش خود برای کمک به شرکت‌کنندگان حلقه‌های مطالعه کتاب ۱ جهت در میان گذاشتن مناجات با چند نفر نظر دادند و همه متوجه شدند که چطور این جنبه عملی کارشان از دیاد جلسات دعا در محدوده جغرافیایی را تسهیل می‌کند. بسیار دلگرم‌کننده است که می‌بینیم پرورش برخی قابلیت‌ها در راهنمایان چطور به پیدایش فرهنگ حمایت متقابل که بیت‌العدل اعظم در پیام‌های خود اشاره فرموده‌اند کمک می‌کند.

• مکالمه اخیرم با لوآ بسیار مفید بود. فکر کنم چون برای سیستماتیک بودن عجز بودم، داشتم انعطاف‌ناپذیر می‌شدم. همان طور که لوآ به من یادآوری کرد خیلی ساده ممکن است قوانینی ایجاد کنیم که مانع بروز اقدامات ابتکاری فردی شود، به خصوص در زمینه کار راهنمایان. برای مثال، ارزش این که پس از داشتن مکالمات با معنا با افراد، از آنها دعوت شود بخشی از یک حلقه مطالعه

برای کتاب ۱ شوند واضح است. اما این نباید به قانونی منجر شود که ایجاب کند هر فردی که می‌خواهد یک حلقه مطالعه را اداره کند، باید شرکت‌کنندگان را از طریق تلاش‌های خود پیدا کند. به همین ترتیب، برای ارزش پیوندهای دوستی که بین یک راهنما و شرکت‌کنندگان یک حلقه مطالعه شکل گرفته نمی‌توان اندازه‌ای قائل شد. اما این نباید به قانونی منجر شود که ایجاب کند هر راهنما باید در گذراندن تمام دوره‌های متسلسل اصلی، همراه یک گروه بماند. به عنوان مثالی دیگر، اگر دقت نکنیم، اشتیاق به بهبود کیفیت حلقه‌های مطالعه می‌تواند به ضوابط بسیار محدودکننده‌ای منجر شود که در نهایت تنها به تعداد اندکی اجازه خواهد داد به عنوان راهنمای کتاب‌های معین عمل کنند. لوآ خیلی خوب توضیح داد که آنچه با تجربه در میدان خدمت یاد می‌گیریم باید امکانات بیشتر و بیشتری برای اقدام و عمل به روی مان بگشاید و به مجموعه‌ای از قوانین تقلیل داده نشود. انعطاف‌ناپذیری و میل به کنترل همه جنبه‌های فرایند مؤسسه، قلمرو تلاش‌های ما را بسیار محدود می‌کند. اما اعمال انعطاف برابر با دل‌خواهی و بی‌نظم عمل کردن نیست. چارچوبی که تلاش‌های ما در قالب آن تعریف می‌شود خواهان اقدامات ابتکاری خلاق و منضبط است. او سپس قسمتی از یکی از پیام‌هایی را که بیت‌العدل اعظم به مشاورین قاره‌ای نوشته‌اند با من در میان گذاشت: "به این منظور، به همت شما و اعضای هیئت معاونت باید جوئی به وجود آید که احباً را تشویق نماید تا روش‌مند باشند ولی نه انعطاف‌ناپذیر، خلاق باشند ولی نه بی‌نظم، قاطع باشند ولی نه عجول، مراقب باشند ولی نه سلطه‌جو، و آگاه باشند که در نهایت، وحدت فکر و اقدام مستمر و اشتیاق به یادگیری است که باعث پیشرفت می‌گردد نه فن و مهارت." دفعه بعدی که با هم کارانم ملاقات می‌کنم، باید بر این قسمت پیام و آن قسمت از پیام رضوان ۲۰۰۸ تأمل کنیم که می‌فرمایند: "آنچه موجب دل‌گرمی مستمر این جمع می‌گردد این است که تا چه حد این ابتکارات فردی تحت نظم و انضباط است. جوامع بهائی در سراسر جهان به تدریج درس‌هایی را که از سیستماتیک بودن آموخته‌اند ملکه ذهن خود می‌سازند و چارچوبی که سلسله نقشه‌های کنونی را توصیف نموده به مساعی احباً استمرار و انعطاف‌پذیری می‌بخشد. این چارچوب نه تنها محدودیتی برای احباً ایجاد نمی‌کند بلکه آنان را قادر می‌سازد تا از فرصت‌ها استفاده نمایند، در برقراری روابط کوشا باشند و تصویری از رشد سیستماتیک را به مرحله عمل درآورند. به این ترتیب این چارچوب به قدرت جمعی آنان شکل می‌بخشد."

- از زمانی که مسئولیت‌های هماهنگ‌کننده محدوده جغرافیایی را بر عهده گرفته‌ام، از اعضای هیئت معاونت که در منطقه ما خدمت می‌کنند بسیار آموخته‌ام. این جلسه اخیر که برای هماهنگ‌کنندگان مؤسسه و اعضای لجنة تبلیغ ناحیه‌ای برگزار شده بود و دو عضو هیئت در آن حاضر بودند، بصیرت‌های بسیاری درباره خیلی چیزها به من داد. یکی از موضوعات مشورت مربوط به خطرات



چندپارگی بود. دوره‌های مؤسسه قصد دارند به همه ما کمک کنند برخی عادات ذهنی را در خود پرورش دهیم که ما را بر مقاومت در برابر این چندپارگی توانا سازد، عاداتی که در موقعیت‌های مختلف به کار می‌بریم، حین خواندن پیام‌های بیت‌العدل، حین تفکر درباره رابطه میان فعالیت‌های متنوع، و حین تلاش برای مشارکت در رشد با پیچیدگی ذاتی که دارد. به پیشنهاد اعضای هیئت، این فرموده بیت‌العدل اعظم را خواندیم که اساس گفتگوهای مان را شکل داد: "اطلاع از اینکه دوستان عزیز مطالعه پیام‌های بیت‌العدل اعظم راجع به نقشه را با چنان سعی و دقت فراوانی دنبال می‌کنند موجب مسرت قلبی است. میزان مذاکرات و تبادل نظرهای معمول برای به مرحله عمل درآوردن هدایات مندرج در آن و یادگیری از تجارب، چشم‌گیر است. اما این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که در مناطقی که احباً می‌کوشند تا تمامیت بینش و مقاصد ارائه شده را درک نمایند موقیقت‌ها پایدارتر است ولی هنگامی که عبارات و جملات خارج از بستر خود به صورت مطالب جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود غالباً مشکلاتی بروز می‌نماید. مؤسسات و نهادهای امری باید به احباً کمک نمایند تا مطالب را تجزیه و تحلیل کنند ولی تقلیل ندهند، در مفاهیم تأمل نمایند ولی بر نفس کلمات پافشاری نکنند، لزوم اقدامات در زمینه‌های مختلف را قبول نمایند ولی از تقسیم‌بندی و انفکاک اقدامات بپرهیزند. ما واقفیم که این وظیفه کوچکی نیست. اجتماع روز به روز بیشتر با استفاده از شعار سخن می‌گوید. امیدواریم که عادت کار کردن با افکار کلی و پیچیده و کسب آگاهی که دوستان در حلقه‌های مطالعه به آن خو می‌گیرند به فعالیت‌های گوناگون تعمیم یابد." در مکالمات با راهنماها در چند دوره فعالیت آینده، باید از آنها بخواهیم برخی عادات ذهنی را که دوره‌های مؤسسه سعی دارند در ما تقویت کنند و قرار است آنها را به حیطه‌های دیگر فعالیت نیز تعمیم دهیم شناسایی نمایند. در جلسه، اعضای هیئت معاونت توجه ما را به این جلب کردند که چطور برخی مفاهیم در دوره‌های مؤسسه در بسترهای متنوع بررسی شده‌اند و این که چطور مذاکره ما درباره آنها به بسط معنای آنها کمک می‌کند و درک ما را از آنها به نحوی فزاینده کامل‌تر می‌کند. آنها به طور خاص به مفهوم تبلیغ امرالله اشاره کردند و این که با پیشرفت در سلسله دروس مؤسسه می‌توانیم به بصیرت‌هایی غنی درباره معنای تبلیغ دست یابیم.

• هر دو عضو هیئت معاونت در جلسه ما تأکید داشتند که یکی از عادات ذهنی که مؤسسه به پرورش آن کمک می‌کند، درک ارزش تنوع در اقدامات خدمتی مورد نیاز برای فرایند رشد است. همچنان که دوره‌های متسلسل اصلی را می‌گذرانیم، درباره مجموعه‌ای از اقدامات خدمتی بسیار تفکر می‌نماییم، اقداماتی که شاید هرگز به برخی از آنها نپردازیم. بنابراین، به عنوان مثال، مشوق گروه نوجوانان از مطالعه کتاب ۳ بصیرت‌های بسیاری درباره تربیت روحانی کودکان به دست آورده و معلم کلاس‌های کودکان از نقشی که برنامه تواندهی روحانی نوجوانان در شکل دادن به رسالت و

شخصیت نسل آینده دارد به خوبی آگاه است. هر فردی متوجه اهمیت ملاقات‌های خانگی، غنا بخشیدن به فرهنگ جامعه از طریق مکالمات متعالی، جلسات دعا و نیایش که تعداد فزاینده‌ای از افراد را تغذیه روحانی می‌کند می‌شود. البته هیچ انسانی هرگز در همه جنبه‌های خدمت به امر مبارک مشارکت ندارد. اما هر شرکت‌کننده نقشه نیازمند آن است که از اقدامات خدمتی ترویج شده توسط مؤسسه آموزشی که متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند و نیز نقش هر یک در رشد جامعه درکی مقتضی به دست آورد.

- درباره لوآ فکر می‌کردم و این که او چگونه در دو سال گذشته مرا یاری کرده. یک بار به من گفت نباید دوستانی را که در مسیر خدمت همراهی می‌کنیم به عنوان پروژه‌های خود در نظر بگیریم و از الگویی که خودش پیش چشم نهاده، به تدریج فهمیدم منظورش چیست. او از هر دستاورد کوچک من، بدون اشاره به خودش و حس رضایت شخصی و خودخشنودی، تجلیل می‌کند. و به من کمک می‌کند منصفانه از اشتباهاتم یاد بگیرم. وقتی این بیان از یکی از پیام‌های بیت‌العدل را می‌خواندم، فوراً به فکر او افتادم: "عزم جزم همراه با آرامش در تلاش برای تبدیل موانع به وسیله‌ای برای پیشرفت جنبه حیاتی خواهد داشت. آمادگی برای گوش دادن، توأم با بصیرت عمیق روحانی، برای تشخیص موانعی که می‌تواند بعضی از احباً را از درک ضرورت وحدت در عمل بازدارد، بسیار ارزشمند خواهد بود." همچنین دارم از او یاد می‌گیرم که چگونه باید دیگران را تشویق کرد، "اما نه تشویق و حمایت نظری بلکه بر اساس دانش واقعی که تنها با خدمت در کنار یکدیگر حاصل می‌گردد."

- جلسه‌ای که با جوانان به منظور دعوت از آنها برای پیوستن به ما در مساعی جامعه‌سازی داشتیم، خیلی الهام‌بخش بود. آلیسیا، کارلوس و رودریگو گروه دوستان فوق‌العاده‌ای دارند. مکالمه درباره مضامین مختلف، یکی پس از دیگری، به راحتی جریان یافت. وقتی درباره مباحث گوناگون مذاکره کردیم، واضح شد که آن جوانان مایلند درباره امر مبارک بشنوند. از مونیکا خواستیم چند نکته مقدماتی بیان کند، و او نطق خیلی گیرایی ایراد کرد. آندره نیز با ما بود و طی جلسه به ما کمک می‌کرد. اما هر بار که او صحبت می‌کرد، قلبم کمی غمگین می‌شد، چون می‌دانم که او به زودی محدوده جغرافیایی را ترک خواهد کرد. البته او باید خوشحال باشد، زیرا در چند سال گذشته، چندین هم‌کار مخلص و قابل پرورش داده. و ساکن هر جا باشد، خدمات ارزشمندی به امر مبارک خواهد کرد. آن روز، لوآ به من گفت که از مونیکا خواسته خواهد شد به عنوان هماهنگ‌کننده برنامه نوجوانان محدوده جغرافیایی خدمت کند. باید همین‌طور باشد. در پایان دوران خدمتی که هر هماهنگ‌کننده محدوده جغرافیایی دارد، باید نفوسی باشند که آماده بر عهده گرفتن مسئولیت باشند و کمک کنند آن عنصر فرایند آموزشی به سمت افق‌های جدید حرکت کند.

## بخش بیست و هشتم

این واحد را با کاوش در ماهیت مسیری که در آن قابلیت خود را برای خدمت به امر مبارک و نوع انسان پرورش می‌دهیم و دلالات ضمنی پیمودن آن آغاز نمودیم. سپس توجه خود را به دو مفهوم بسیار مرتبط همراهی یکدیگر و یادگیری با یکدیگر معطوف ساختیم، مفاهیمی که سعی کردیم در پرتو قسمت‌هایی از آثار مبارکه، به ویژه هدایات اخیر بیت‌العدل اعظم، به طور مشروح در آنها کاوش نماییم. داستان مونیکا و رودریگو بصیرت‌هایی منبث از تجربه تعداد فزاینده‌ای از دوستان در سراسر جهان که مسیر خدمت را می‌پیمایند به بررسی‌های مان افزود و ما را قادر ساخت درباره برخی خصایصی که تعاملات آنها را متمایز می‌سازد تأمل نماییم. مطالعه این واحد فرصتی نیز به ما داده است که زمانی را صرف بحث درباره مسئولیت‌های هماهنگ‌کنندگان مؤسسه که در سطح محدوده جغرافیایی عمل می‌کنند نماییم و خود را با ظرافت‌های کار بسیار مهمی که آنها انجام می‌دهند آشنا کنیم. حالا می‌دانیم که از مونیکا که شاهد افزایش قابلیتش با گذر زمان بودیم، خواسته خواهد شد به عنوان هماهنگ‌کننده برنامه نوجوانان در محدوده جغرافیایی خدمت نماید. اما هماهنگ‌کنندگان به راحتی پدیدار نمی‌شوند. مونیکا ضمن این که در هر لحظه اشتیاق و حس مسئولیت شدیدی نسبت به کار پیش روی خود نشان می‌داد، گام به گام مساعدت شد تا قلمرو اقدامی را که در آن حرکت می‌کرد بسط دهد.

مسیر خدمتی که در این واحد توصیف شده گسترده است؛ این مسیر از هر که مایل به ورود به آن است دعوت می‌کند. هر یک از ما وقتی در مسیر قرار گرفتیم، بر اساس شرایط و توانایی‌های خود پیشرفت می‌کنیم. اقدامات خدمتی ساده که در آغاز مشخصه این مسیر است، با خدمات دیگری پی گرفته می‌شود که به تدریج توان و تلاش بیشتری را طلب می‌کنند. این به ما فرصتی می‌دهد که به طور سیستماتیک قابلیت خود را برای خدمت تقویت نماییم. هیچ کس به تنهایی مسیر را نمی‌پیماید؛ هر یک از ما برای انجام وظایف خاص توسط دیگران مساعدت می‌شویم تا اطمینان حاصل کنیم و کارآمدتر خدمت نماییم. تشویق قدرتی پایدار است که در هر گام باید از آن بهره برد. وقتی با موانع مواجه می‌شویم و دلسردی پدید می‌آید، با به یاد آوردن این که مواهب خداوند همیشه ما را احاطه کرده به یکدیگر امید می‌دهیم. وقتی تردید ایجاد می‌شود و اعتماد متزلزل می‌گردد، با هم مصمم به پیش می‌رویم و به خدا و رحمت بی‌پایانش توکل تام می‌نماییم.

این که حین یادگیری پیمودن این مسیر، در امتداد طولانی آن یکدیگر را همراهی می‌کنیم، البته تصویری است که از آن استفاده شده تا به ما کمک شود فرایند فردی و جمعی قابلیت‌سازی را که همه ما به آن مشغولیم توصیف نماییم. پویایی تعاملات ما حین دنبال کردن این فرایند قابلیت‌سازی در بخش‌های این واحد یکی پس از دیگری، به تلویح یا تصریح، مورد کاوش عمیق قرار گرفته است. در میان مستلزمات روحانی این

پویایی، دو مورد وجود دارند که شایان تأملات پایانی ما در اینجا هستند: خضوع و بخشندگی روح که حاکی از قلبی بزرگ‌منش هستند. دوستانی که در داستان‌مان ملاقات کردیم - رکسانا، پائولا، و مادرش خانم رامیرز؛ رودریگو و دوستانش آلیسیا و کارلوس؛ مونیکا، لوسیانو و لیتسیا؛ آندره، کلارا و انیدیا؛ آفارو و لوآ - همه سرشار از این دو صفت بودند. در غیر این صورت چطور می‌توانستند در چنین زمان کوتاهی به چنین دستاورد عظیمی برسند؟ این خضوع بود که به آنها کمک کرد خود را از دستاوردهای‌شان منقطع سازند. بخشندگی روح‌شان بود که باعث ایجاد سروری شد که از مشاهده دستاوردهای دیگران به دست می‌آوردند. همچنین همین روح بود که سبب شد افراد دارای تجربه و دانش نسبی درباره مسیر بتوانند از انعطاف‌ناپذیری و خشکی پرهیز کنند، حالتی که نتیجه میل به کنترل تک‌تک جزئیات حین دعوت شدن به همراهی دیگران در میدان خدمت است. چشم‌پوشی از کاستی‌های همکاران و تلاش برای تبدیل هر اشتباه به موفقیت، مواردی بودند که برای دوستان‌مان ساده بود. وقتی می‌دانیم خضوع و بزرگ‌منشی برای تعاملات مبتنی بر اتحاد و هماهنگی چنین ضرورتی دارند، باید از خود بپرسیم در غیر این صورت چطور آنها می‌توانستند آن‌طور که آرزوی عمیق حضرت عبدالبهاء بود "متّحد و متّفق شوند"، "به مشی واحد سلوک نمایند" و "به فکر واحد تشبّث کنند"؟ و چطور بدون این دو صفت می‌توانستند در ایجاد محیطی مشارکت کنند که در آن قوای فردی‌شان در اقدام متّحد و مداوم مضاعف می‌شود؟ حضرت عبدالبهاء در الواح نقشه ملکوتی ما را تشویق می‌فرماید که "روز به روز بر همت و سعی و کوشش بیفزائید". بیایید مطالعه این واحد را با از برکردن بیان زیر از یکی از الواح نقشه ملکوتی به پایان بریم:

"الحمد لله فیوضات الهی نامتناهی و آهنگ تعالیم ربّانی در نهایت تأثیر و نیر اعظم در غایت اشراق و جنود ملکوت اعلی با کمال سرعت در هجوم زبانها از شمشیر تیزتر و قلوب از ضیاء کهربائی روشنتر و همت احبّا فائق بر همتهای سلف و خلف و نفوس در غایت انجذاب و نار محبّت الله در نهایت اشتعال."<sup>۴۳</sup>

## مراجع بیانات

۱. از ترجمه‌ای از پیام ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ بیت‌العدل اعظم به همه محافل روحانی ملی. از مرکز جهانی بهائی.
۲. همان.
۳. منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، ص ۲۰۱.
۴. از ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت‌العدل اعظم به بهائیان عالم. از مرکز جهانی بهائی.
۵. از ترجمه‌ای از پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت‌العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای. از مرکز جهانی بهائی.
۶. کلمات مبارکه مکنونه، نقل از ادعیه حضرت محبوب، ص ۴۵۵.
۷. *Paris Talks: Addresses Given by 'Abdu'l-Bahá in 1911* (Wilmette: Bahá'í Publishing, 2011), pp. 230-31.
۸. مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۳، ص ۳۰.
۹. از ترجمه‌ای از پیام مورخ ۹ ژانویه ۲۰۰۱ بیت‌العدل اعظم به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای.
۱۰. *Paris Talks*, p. 25.
۱۱. مجموعه مناجات حضرت عبدالبهاء، ص ۲۷، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان، نقل از کتاب ۷، نسخه PE ۱,۳,۱، جولای ۲۰۱۳، ص ۲۶.
۱۲. خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ص ۱۰۹ (لجنه نشر آثار امری به زبان فارسی، عربی، آلمان)، نقل از کتاب ۶، چاپ دوم فارسی ۲۰، ص ۴۵.
۱۳. 'Abdu'l-Bahá, in *Bahá'í Scriptures: Selections from the Utterances of Bahá'u'lláh and 'Abdu'l-Bahá* (New York: Bahá'í Publishing Committee, 1928), no. 990, p. 548.
۱۴. From a letter dated 28 February 1942 written on behalf of Shoghi Effendi to the National Spiritual Assembly of the British Isles, published in *The Unfolding Destiny of the British Bahá'í Community: The Messages from the Guardian of the Bahá'í Faith to the Bahá'ís of the British Isles* (London: Bahá'í Publishing Trust, 1981), p. 150; also published in *Principles of Bahá'í Administration* (London: Bahá'í Publishing Trust, 1976), pp. 22-23.
۱۵. از ترجمه‌ای از پیام رضوان ۱۹۹۳ بیت‌العدل اعظم به بهائیان عالم.
۱۶. حضرت بهاء‌الله، نقل از حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، ص ۶۵.
۱۷. از ترجمه‌ای از پیام ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت‌العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای، از هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی.

۱۸. From a message dated 8 January 2000 written by the Universal House of Justice to the friends gathered at the youth congress in Paraguay, published in *Turning Point*, p. 124.

۱۹. سورة هیکل، بند ۶۱، برگرفته از آثار قلم اعلی، جلد ۱.

۲۰. حضرت عبدالبهاء، تذکرة الوفاء، ص ۳۰۶.

۲۱. منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۸۳.

۲۲. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد اول، ص ۱۰۸.

۲۳. از ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۰۸ بیت العدل اعظم به بهائیان عالم. از مرکز جهانی بهائی.

۲۴. From a message dated 8 May 1985 written by the Universal House of Justice to the Bahá'í youth of the world, published in *Messages from the Universal House of Justice, 1963-1986: The Third Epoch of the Formative Age* (Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1996), no. 428, pp. 668-69.

۲۵. حضرت بهاء الله، نقل از رساله ایام تسعه، صفحه ۳۴۴.

۲۶. از پیام ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ بیت العدل اعظم به احبای مهد امرالله.

۲۷. همان.

۲۸. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد اول، ص ۱.

۲۹. *The Promulgation of Universal Peace: Talks Delivered by 'Abdu'l-Bahá during His Visit to the United States and Canada in 1912* (Wilmette: Bahá'í Publishing, 2012), pp. 85-86.

۳۰. منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد اول، ص ۲۷۹.

۳۱. حضرت عبدالبهاء، مفاوضات، ص ۷۲۲.

۳۲. از ترجمه‌ای از پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای. از مرکز جهانی بهائی.

۳۳. منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۴.

۳۴. از ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم به بهائیان عالم. از مرکز جهانی بهائی.

۳۵. از ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۴ بیت العدل اعظم به بهائیان جهان. از مرکز جهانی بهائی.

۳۶. از ترجمه‌ای از پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای. از مرکز جهانی بهائی.

۳۷. از ترجمه‌ای از پیام ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ بیت العدل اعظم به همه محافل روحانی ملی. از مرکز جهانی بهائی.

۳۸. از ترجمه‌ای از پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای. از مرکز جهانی بهائی.

۳۹. From a letter dated 19 July 1956 written on behalf of Shoghi Effendi to a National Spiritual Assembly, cited, in part, in *Unlocking the Power of Action*, a compilation prepared by the Research Department of the Universal House of Justice (New Delhi: Bahá'í Publishing Trust, 2005), pp. 24–25; also cited, in part, in “Guidelines for Teaching”, a compilation prepared by the Research Department of the Universal House of Justice, published in *The Compilation of Compilations* (Maryborough: Bahá'í Publications Australia, 1991), vol. 2, pp. 322–23.

۴۰. از ترجمه‌ای از پیام ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت‌العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای، از هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی.

۴۱. همان.

۴۲. از ترجمه‌ای از پیام ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ بیت‌العدل اعظم به همهٔ محافل روحانی ملی. از مرکز جهانی بهائی.

۴۳. مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد سوم، ص ۴۲.